



[Leader-Khamenei.com](http://Leader-Khamenei.com)



[Leader.Khamenei.com](http://Leader.Khamenei.com)

تهیه کننده کتاب : سایت شناخت رهبری

راهنمایی :

برای خواندن کتاب روی صفحه کلیک راست کرده  
و گزینه «Rotate Clockwise» را انتخاب نمایید

# راهبردها در کلام رهبر

برگرفته از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله العالی)

جلد اول



دفتر نشر فرهنگ اسلامی

سرشناسه:	خامنهای، علمی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	راهبردها در کلام رهبر: برگرفته از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیتالله خامنهای (مدظله‌العالی).
مشخصات نشر:	تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶. ج.
مشخصات ظاهری:	۴۰۰۰۰ ریال: دوره: چاپ سوم، ۰-۱۵۱-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ ج. ۱: چاپ سوم: ۹-۱۴۹-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ ۰-۲۷۵-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ ج. ۲: چاپ دوم: ۲-۱۵۰-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ دوره: ۵-۱۵۱-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ ج. ۱: ۲-۱۴۹-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ ج. ۲: ۸-۱۵۰-۹۶۴-۴۷۶-۹۶۴؛ قیمت دوره: ۴۵۰۰۰ ریال
یادداشت:	چاپ قبلی: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
یادداشت:	ج ۱ و ج ۲: (چاپ چهارم، ۰۲۸۷) (قیما).
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	خامنهای، علمی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - پیامها و سخنرانیها.
شناسه افزوده:	دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
شناسه افزوده:	مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۶، ۱۳۸۹، ۱۳۸۶ DSR
رده‌بندی دیوپی:	۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۱۳۰۷۴۰۲



دفتر مرکزی: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، بوستان کتاب، تلفن: ۲۲۸۵۶۱۲۴

عنوان:	راهبردها در کلام رهبر (جلد اول)
برگرفته از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیتالله خامنهای (مدظله‌العالی):	چاپ چهارم، ۱۳۸۷
این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.	همه حق چاپ محفوظ است.
شابک: ۲-۱۴۹-۹۶۴-۹۶۴	شابک دوره: ۵-۱۵۱-۹۶۴-۹۶۴
فروشگاه فردوسی: میدان امام خمینی، خیابان فردوسی، بن‌بست کوچه هنر، تلفن: ۰۰۱۱۲۱۰-۳۳۱۱۲۲۸۸	فروشگاهها و مراکز پخش:
فروشگاه شماره یک: میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵	فروشگاه شماره دو: میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵
فروشگاه شماره سه: تهریز، تلفن: ۲۲۷۱۲۲۵۱	فروشگاه شماره چهار: میدان پازره خرداد، جنب مسجد آرک، تلفن: ۰۰۳۴۹۲۰۰-۳۳۴۲۷۲۱۲
فروشگاه شماره پنج: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، گنجینه کتاب، تلفن: ۲۲۸۵۵۱۲۹	فروشگاه قم: خیابان آرم، تلفن: ۷۷۲۸۱۵۰
فروشگاه مشهد: چهار راه شهدا، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع گنجینه کتاب، تلفن: ۰۲-۲۲۴۸۳۱۱	

## فهرست

۱	مقدمه.....
۷	فصل اول: عمل به اسلام
۷	هدف چیست؟.....
۷	ساخت جامعه‌ای طبق نظر اسلام.....
۸	حل مشکلات در گرو اجرای احکام اسلام.....
۹	ضرورت رسیدگی توأمان به امور مادی و معنوی.....
۱۰	بیشرفت کشور در سایه مقدم داشتن اهداف بر اهورا.....
۱۲	اجرای تمام احکام و موازین اسلامی به صورت کامل.....
۱۲	اداره نظام بر محور مقررات و بینشهای اسلامی.....
۱۳	دولت اسلامی فقط قوه مجریه نیست.....
۱۳	خواست مردم تحقق اسلام در جامعه.....
۱۳	عوامل عزت ملت.....
۱۴	حکومت اسلامی، عامل توسعه معنویت، عدالت و امنیت.....
۱۵	ضرورت موضع‌گیری صریح مسئولان.....

۳۲ ریاست و مدیریت، یک امانت است . . . . .

۳۲ انسان به نصیحت احتیاج دارد . . . . .

۳۲ راه مبارزه با امنیت‌ها . . . . .

۳۳ خودخواهی و خودپرستی، پایه همه بدبختیها . . . . .

۳۳ دلایل نیاز مسوولین به تقوای الهی . . . . .

۳۳ عدم انحراف در گرو مراقبت از خود . . . . .

۳۴ باید انگیزه حرکت، الهی باشد . . . . .

۳۵ رضای الهی در گرو تقوا . . . . .

۳۵ اگر تقوا باشد، توفیقات الهی هست . . . . .

۳۵ انگیزه کار در آغاز و در انجام کار . . . . .

۳۶ هدف از قدرت اگر خدمت به مردم باشد، عبادت است . . . . .

۳۶ اثر گناهان در زندگی فردی و اجتماعی . . . . .

۳۷ نگذاریم که سطح معنویت جامعه پایین بیاید . . . . .

۳۸ کار برای مردم، حسنه است . . . . .

۳۸ خاصیت ایمان، بالا رفتن همت انسان است . . . . .

۳۹ حساب الهی را در قیامت باید جدی شمرد . . . . .

۳۹ تلاش برای کسب رضای الهی . . . . .

۴۰ نظام را باید بر پایه تقوا حفظ کرد . . . . .

۴۱ چهره صاحبان مناصب در نظام اسلامی . . . . .

۴۲ توجه به خدا و موفقیت‌های انقلاب . . . . .

۴۲ توفیق در کار و ارتباط با خدا . . . . .

۴۳ هر روز حتماً قرآن بخوانید . . . . .

۴۳ تحول در خود، مقدمه تحول جامعه . . . . .

۴۴ دلایل پیروزی در جنگ . . . . .

۴۴ دوری از خدا منشأ همه مشکلات بشر . . . . .

۱۵ عمل به تکلیف شرعی . . . . .

۱۵ اسلامی عمل نکردن، عامل عمده بروز مشکلات . . . . .

۱۶ نباید اجرای معیارهای اسلامی فراموش شود . . . . .

۱۶ همه ما مسوولیم . . . . .

۱۷ جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد . . . . .

۱۷ حیات طیبه، نمره و هدف نهایی انقلاب اسلامی . . . . .

۱۸ نقش دین و احساس تکلیف . . . . .

۱۸ قرن گرایش عمومی بشریت به سمت معنویت . . . . .

۱۹ نظام اسلامی، نظام عدالت، قسط، اخوت و برادری . . . . .

۱۹ باید یک کشور نمونه بسازیم . . . . .

۱۹ معیارهای دینی، اساس جهت‌گیریها و سیاست‌گذاریها . . . . .

۲۰ اعتبار همه مسوولان، به کمر بسته بودن به دین خدا . . . . .

۲۱ آنچه را که صحیح می‌دانیم، باید عمل کنیم . . . . .

۲۱ عمل به تکلیف الهی . . . . .

۲۱ گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم . . . . .

۲۲ پیاده کردن ارزشهای اسلامی در جامعه . . . . .

۲۴ جامعه ما، باید یک جامعه علوی باشد . . . . .

۲۴ رستگار شدن انسانها، خواسته جمهوری اسلامی . . . . .

۲۵ تا یک جامعه کاملاً اسلامی، فاصله زیادی داریم . . . . .

۲۹ اخلاص امیرالمؤمنین را روح کارها قرار دهیم . . . . .

۲۹ برکت الهی در کارها، یکی از ثمرات تقوا . . . . .

۳۱ هدف اعلی و والا، تزکیه انسان است . . . . .

**فصل دوم: اخلاص در عمل و تقوی**

عوامل سست شدن پایه‌های نظام.....	۶۷
مراقبت در حفظ بیت‌الامال.....	۶۸
حق ندارید از امکانات دولتی استفاده کنید.....	۶۸
<b>فصل پنجم: صرفه‌جویی و مقابله با اسراف</b>	
صرف‌گرایی برای جامعه، بدای بزرگی است.....	۷۱
صرفه‌جویی را به مردم یاد بدهیم.....	۷۱
اسراف مسؤولان دولتی از مردم عادی مضرتر است.....	۷۲
<b>فصل ششم: ارزشها</b>	
عدم غفلت از ارزشهای متعالی نظام اسلامی.....	۷۵
رعایت ارزشهای اسلامی، یگانه نجاتبخش کشور.....	۷۵
راز سعادت جامعه در گرو ایمان.....	۷۶
انقلاب و تغییر ارزشها در جامعه.....	۷۷
هنر در خدمت ارزشهای والای اسلام و انقلاب.....	۷۷
هنر را مقتدم بشمارید.....	۷۷
چادر بهترین نوع حجاب.....	۷۸
الگوی زن مسلمان.....	۷۸
زیب و فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> الگوی زنان.....	۷۹
تأثیر شخصیت زن اسلامی از اسلام.....	۸۰
عدم توجه به تحول و تغییر ارزشها، موجب تحجر و انحراف.....	۸۱
ضرورت تشکیل موزه جنگ.....	۸۲
تخلف از برنامه توسعه باید ضد ارزش محسوب شود.....	۸۳
تیین، مستند و مستدل کردن قضایای دوره دفاع مقدس.....	۸۳

<b>فصل سوم: راه امام</b>	
دنبال کردن سیاستهای امام بزرگوار.....	۴۷
نظر و سخن اسلام، مینا، روح و اساس کار امام.....	۴۸
پیمان در پیمودن راه امام.....	۵۰
سعی دشمن در تضعیف روح دینی.....	۵۰
تکیه امام روی قشرهای مستضعف.....	۵۱
سعی کنید کارها برای مردم آسان شود.....	۵۲
عدالت اجتماعی، از مشخصه‌های خط امام.....	۵۲
عشق به مردم، به جای بی‌اعتنایی به آنها.....	۵۲
مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی.....	۵۳
اقتدار، به دور از استبداد و خودخواهی.....	۵۳
<b>فصل چهارم: ساده‌زیستی</b>	
زندگی حکومتی امیرالمؤمنین، الگوی مسؤولان.....	۵۷
خود را با اعیان و اشراف مقایسه نکنید.....	۵۸
مسؤولان نباید مسرفانه و متجملانه زندگی کنند.....	۶۰
فضارا، تجملاتی و تجمل‌گرایی قرار ندهیم.....	۶۱
سفرهای تفریحی خارجی.....	۶۲
اگر صالح نباشیم.....	۶۳
نقطه ضعف برای مسؤولان.....	۶۵
ضرورت پرهیز از خوی اشرافی.....	۶۵
مسابقه رفاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی.....	۶۵
مقابله عمومی با گرایش اشرافیگری.....	۶۶
هزینه دولت برای تغییر دکوراسیون اتاق جرم است.....	۶۶

روز فرج ملت ایران	۱۱۶
ما یک سرزمین بیار غنی هستیم	۱۱۷
ایران یکی از نادرترین کشورها	۱۱۸
راز اقتدار ملی در ایمان، تعبد، وحدت کلمه	۱۱۸
احساس مسؤولیت عمومی نسبت به سرزشت جامعه	۱۱۸
با تکیه به خدا و دستورات قرآن می‌ایستیم	۱۱۹
معنای استقلال اقتصادی	۱۱۹
خط مشی صحیح در زمینه‌های علمی و صنعتی	۱۲۰
تکیه بر استعدادهای خودی	۱۲۱
زنده کردن احساس افتخار و هویت	۱۲۲
آینده باید از آن ما باشد	۱۲۲

### فصل نهم: عدالت

اسلام و عدالت	۱۲۵
ارزش عدالت	۱۲۶
قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست	۱۲۸
عدالت مایه حیات اسلام	۱۲۸
لزوم طراحی سیاستهای عدالت‌طلبانه	۱۲۹
عدالت و رفع فساد و تبعیض	۱۲۹
عدالت هدف امیرالمؤمنین	۱۳۰
عدالت، هدف از قبول مناصب دولتی	۱۳۰
تبیین سیاستهایی که عدالت را محقق می‌سازد	۱۳۱
رابطه تقوای الهی و عدالت اجتماعی	۱۳۲
برخورد امیرالمؤمنین با کارگزاران متخلف	۱۳۳

فهرست نمودن حوادث هشت سال دوره دفاع مقدس	۸۴
جایگاه حقیقی و ولای خاطرات دفاع مقدس	۸۵
نابود کردن فرهنگ کشورها	۸۶
از بین بردن هویت ایرانی و اسلامی ملت	۸۷
<b>فصل هفتم: الگوها</b>	
مسئولین خود را با الگوی اسلامی منطبق کنند	۹۱
امیرالمؤمنین بهترین الگوی مسئولان	۹۱
هفت شاخص مهم در نظامی که پیغمبر ساخت	۹۲
خشونت و برمش هر دو لازم است	۹۳
زندگی پیامبر الگوی مسئولین	۹۵
منطق علوی در باب مسائل کلان اداره کشور	۹۶

### فصل هشتم: ما می‌توانیم

دوره پهلوی و تبلیغ «نمی‌توانیم»	۱۰۹
بی‌خبری و ناآگاهی منشأ عقاب‌افتادگی	۱۰۹
احیای روح خودباوری و استقلال	۱۱۰
اگر همت کنیم، می‌توانیم	۱۱۱
مصایب دنیا نردبان پیشرفت	۱۱۲
اعتماد به نفس مدیران	۱۱۲
«نمی‌توانی»، تهاجم فرهنگی دشمن	۱۱۳
می‌توانیم آینده را بسازیم	۱۱۵
می‌توانیم در استبداد جهانی را، نسکیم	۱۱۵
انکاء به خود	۱۱۵

۱۵۲	امنیت متعلق به همه است .....
۱۵۳	باید همه افراد، در برابر قانون یکسان باشند .....
۱۵۴	مقدم داشتن منافع عموم مردم .....
۱۵۶	بر کردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی .....
۱۵۷	رفع فقر و محرومیت یکی از ارکان عدالت است .....
۱۵۷	نباید در جامعه ما مستمند وجود داشته باشد .....
۱۵۸	هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه .....
۱۵۸	اصولگرایی انقلابی .....
۱۵۹	فقر محروم، مدافعین هنگام تهدید مملکت .....
۱۵۹	مردم از تبعیض رنج می‌برند .....
۱۶۰	برترین گام در راه استقرار عدل .....
۱۶۰	وابستگی عدالت اجتماعی و اخلاق .....
۱۶۰	عدالت، عده‌ای را نارضی می‌کند .....

### فصل دهم: مبارزه با فساد

۱۶۳	مبارزه با فساد، یکی از وظایف دولت .....
۱۶۳	ثروت کشور را در زندگی مردم بگسترانید .....
۱۶۴	خطر همه گیر شدن تبعیض و فساد .....
۱۶۴	مبارزه با فساد، پایه مشروعیت ما .....
۱۶۵	برای مقابله با فساد، باید لباس مبارزه به تن کرد .....
۱۶۶	فساد، واگیر دار است .....
۱۶۷	مبارزه با فساد، در درجه اول، کار خود دولت است .....
۱۶۸	شناسایی نقطه فساد .....
۱۶۸	اثبات کارآمدی نظام .....

۱۳۴	سوابق افراد نباید مانع اجرای عدالت شود .....
۱۳۵	قاتل نشدن حق ویژه برای عده‌ای خاص .....
۱۳۵	آن مقدار که می‌توانیم باید عدالت را اجرا کنیم .....
۱۳۶	می‌توان عدالت اسلامی را، اجرا کرد .....
۱۳۷	عدالت ملاک قوام و پایداری جامعه اسلامی .....
۱۳۷	منطق و عدالت اجتماعی عاملی برای گسترش اسلام .....
۱۳۸	عدالت مبنای همه تصمیم‌گیرهای اجرایی .....
۱۳۹	گفتمان عدالت را همه گیر کنید .....
۱۳۹	ضرورت برنامه‌ریزی برای اجرای عدالت .....
۱۴۰	اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ است .....
۱۴۱	توزیع عادلانه ثروت .....
۱۴۱	عدل، یک نظام اجتماعی است نه یک پیام شخصی .....
۱۴۳	تمتع فقرهای مختلف مردم از امکانات کشور .....
۱۴۳	ایجاد عدالت در همه سیاستهای اجرایی .....
۱۴۴	رشد و توسعه، مقدمه عدالت .....
۱۴۴	ایجاد عدالت در جهت رفع محرومیت .....
۱۴۶	عدالت، در کنار توسعه و رشد اقتصادی .....
۱۴۶	پیشرفت اقتصادی، منهای فاصله طبقاتی .....
۱۴۷	رفع فقر و محرومیت در زندگی مردم .....
۱۴۸	مردم باید عدالت را احساس کنند .....
۱۴۹	وجود امکانات بیش از حد، برای عده‌ای خاص .....
۱۴۹	قانونگرایی کار سختی است .....
۱۵۱	بحث عدالت اجتماعی باید تعقیب شود .....
۱۵۱	علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه .....



فصل سیزدهم: تولید	
اساس مسأله، تولید است	۱۹۵
جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف می‌کند	۱۹۶
کشاورزی پایه و زیربنا و اساس است	۱۹۶
رسیدن به خودکفایی در بخش کشاورزی و دامداری	۱۹۷
نیات سیاستها در باب کشاورزی	۱۹۷
وابستگی اقتصاد کشور به نفت	۱۹۹
به دنبال راه نو و فکر نو باشید	۱۹۹
مدل توسعه ما، یک مدل کاملاً بومی	۲۰۰
باید کار و اشتغال را تقویت کنیم	۲۰۱
<b>فصل چهاردهم: زمین و منابع طبیعی</b>	
استفاده صحیح از اراضی مملکت	۲۰۵
وجود منابع عظیم روی و سرب در کشور	۲۰۶
استفاده‌های طبیعی و کشاورزی فوق‌العاده حیثیت	۲۰۷
<b>فصل پانزدهم: سازندگی</b>	
اقتدار در گرو سازندگی کشور	۲۱۱
عنا و ثروت، خواسته الهی	۲۱۱
سازندگی در جهت استقرار عدالت	۲۱۲
کمک نیروهای مسلح به سازندگی	۲۱۲

رشد سرمایه گذاری و مبارزه با فساد	۱۶۹
مقرراتی که برای همه یکسان و در آن تبعیض نباشد	۱۷۰
مبارزه با فساد، کار دستگاههای حکومتی است	۱۷۱
ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به کشور	۱۷۲
فساد مالی، مقدمه ورود به سایر فسادها	۱۷۲
پیروزی حرکت عدالت‌طلبانه بر دشمنان عدالت	۱۷۳
<b>فصل یازدهم: رسیدگی به مردم</b>	
فلسفه مسؤولیت، خدمت به مردم است	۱۷۷
ویزانی زمین، هنگام تنگدستی مردم	۱۷۷
همکاری دولت و مجلس و مسؤولان	۱۷۸
معنای هم‌ردم، در کلام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۱۷۹
حق مردم بر شما	۱۸۰
فقر و ناامنی و بی‌سوادی	۱۸۱
اگر کسی به مردم ظلم بکند، خدا خصم اوست	۱۸۲
سرگرم مسائل سیاسی نشوید	۱۸۲
باید خدمت‌رسانی محسوس باشد	۱۸۳
<b>فصل دوازدهم: اولویت‌بندی کارها</b>	
اولویت در مسائل اصلی جامعه	۱۸۷
اولویت‌بندی بخشهای مختلف	۱۸۸
اهمیت به مسأله معیشت و ارتقای فرهنگ دینی	۱۸۸
ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای	۱۸۹
اهمیت در بخش کشاورزی	۱۹۰
رعایت عدل و انصاف در همه امور	۱۹۱

فصل اول

عمل به اسلام

### هدف چیست؟

هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبیها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسانها، و اسلام هدایت‌کننده انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.<sup>۱</sup>

### ساخت جامعه‌ای طبق نظر اسلام

ما هنوز اول راهیم؛ نمی‌شود گفت وسط راه. ما خواسته‌ایم کشور و جامعه خود را

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸.

مردم امام را به اسلام شناختند؛ به خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه ما بنده و شما هم همین طور هستیم. اگر ما از این راه منحرف و منحرف شویم، خودمان ضرر می‌کنیم؛ اما این حرکت و جریان راه افتاده و متوقف‌شدنی نیست. حقیقتاً نظام اسلامی به ما و امثال من و شما وابسته نیست.<sup>۱</sup>

### ضرورت رسیدگی توأمان به امور مادی و معنوی

دشمن و بیگانگان، این‌گونه وانمود می‌کنند که اگر یک مجموعه، برای ایجاد رفاه و حل مشکلات مردم کار می‌کند، لزوماً به معنای دور افتادن از معنویات و آرمانهاست؛ این، غلط است. این، تصور افراد ساده‌لوح و تقلیط و تسویل افراد مغرض است. اسلام، برای دنیا و آخرت مردم، برنامه و هدف دارد. مسئولان اداره کشور موظفند همان قدر به امور مادی مردم برسند که به امور معنوی می‌رسند. بیگانگان، این‌گونه تبلیغ می‌کنند که اگر مجموعه‌ای می‌خواهد مشکلات مردم را حل کند و تولید را زیاد و معادن و صنایع را فعال نماید و کشاورزی را پر بار کند و کارخانه‌ها را با همه ظرفیت به کار ویندازد، پس لابد این کار، به معنای فراموش کردن و یا ضعیف و کم‌رنگ نمودن آرمانها و معنویات و اهداف انقلاب است. این فکر، فکر دشمن است که می‌خواهد در ذهن مردم ما آن را القا کند و خیلی مایه تأسف است که انسان مشاهده کند بعضی از افرادی که دوستند، غافله و ساده‌لوحانه، همان حرف دشمن را تکرار می‌کنند!

دنیا و آخرت، رفاه و آرمان، با هم و در کنار هم قابل پیشرفت است. تصور اینکه جامعه آرمانگرا به حل مشکلات مادی و رفاهی نخواهد رسید، به معنای این است که بگوییم ادیان و مقدسات و معنویات و آرمانها، به فکر دنیا و زندگی

۱. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷.

طبق نظر اسلام بسازیم. طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ای را باید ساخت؟ جامعه‌ای که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسانها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه علم، همه بنیادهای اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن، افراد و مجموعه‌ی یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه ملتها؛ «و تكونوا شهداء علی الناس».

... ما باید عدالت و اخلاق را مستقر کنیم و جامعه خود را به معنای واقعی اسلامی کنیم. این احتیاج دارد به کار و تلاش و ایمان و عمل صالح و مجاهدت در راه خدا. آیا این مجاهدت اثر دارد؟ آیا به نتیجه می‌رسد؟ بله. دلیل، سوم خرداد. دلیل؛ فتح خرمشهر. دلیل؛ هشت سال دفاع مقدس.<sup>۱</sup>

### حل مشکلات در گرو اجرای احکام اسلام

اگر امروز احکام اسلام در این مملکت اجرا شود؛ یعنی من و شما این توفیق را بیابیم که احکام اسلامی را اجرا کنیم، همه این گره‌ها و مشکلات باز و حل خواهد شد. ما هرچه عقب مانده‌ایم، به خاطر این است که در این زمینه‌ها یا کوتاهی کرده‌ایم یا نشده است.

... مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به استواری بر پایه اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار می‌گذارند»، راست هم می‌گفت.

۱. دیدار خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران ۱۳۸۴/۳/۳.

اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلامی را پایه گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تلاؤ و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ اینها تجربیات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ این، موضوع یک بحث خیلی طولانی است. محققان و نویسندگان روی این مسأله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند.

... یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتماد به خدا و احکام الهی بود: «أَمِنَ الرَّسُولُ بَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ»<sup>۱</sup> خود پیامبر و مؤمنین صدراول، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان، عامل بسیار مهمی است. یک عامل دیگر، لاف در رأس این حرکت این بود که به خود - آنچه که به شخص و به بهره‌مندیهای مادی برای خود انسان برمی‌گردد - بی‌اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج البلاغه، در کلمات نبی اکرم و ائمه علیهم‌السلام و بزرگان درباره‌ی رغبتی به دنیا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم، به‌خاطر تأثیر عظیم این عامل است. البته دشمنان اسلام و کج فهمان مسلمین گمان کردند یا وانمود کردند که اگر در اسلام گفته شده است زهد؛ یعنی دنبال دنیا به معنای مظاهر عالم وجود و مظاهر زندگی نروید. در حالی که مسأله این نبود؛ بلکه دنیای بد و دنیای مذموم و اینکه من و شما، خود و منافع مادی خودمان را هدف قرار دهیم و دنبال آن باشیم، مورد نظر بود. این، آن چیزی است که بیچاره کننده و ویران کننده و اساس بدبختیهاست.

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۵.

مردم نیستند! این، خلاف صریح اسلام و همه ادیان است. مطمئناً حرکت به سمت گشودن گره‌های مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفه و سالم و خوب، که مردم از فراوانی و ارزانی و دیگر امکانات استفاده کنند، یک وظیفه اسلامی است که بر دوش همه - به‌خصوص بر دوش شما که مسؤولان و مدیران کشور هستید - است. این کار، عملی است و قطعاً جزو آرمانهای اسلامی و امام عزیزمان می‌باشد.

جامعه مؤمن و انقلابی، تعارض دنیای زودگذر و سهل‌الوصول با آرمانهای ماندگار و صعوب‌الوصول را به نفع این دومین حل خواهد کرد. رسیدن به آرمانها دشوار است؛ ولی ملت ایران در برنامه‌ریزیهای جامع و بلند مدت شما، ان‌شاءالله آرمانها و معنویات اسلامی خود را به دست خواهد آورد. ما هم عجله نمی‌کنیم و مسؤولان کشور را دچار دستپاچگی نمی‌کنیم. ان‌شاءالله با صبر و حوصله و حواس جمع، در همه بخشها برنامه‌ریزی بکنید تا بخشهای اقتصادی و فرهنگی و بهداشت و درمان و خدمات و تولید و به‌خصوص بعضی از بخشهای ویژه - مثل کشاورزی و معدن - تکان حسابی بخورد. دین شما به مردم، حرکت با برنامه‌ریزی است.

... البته، مردم حق دارند بعد از گذشت زمان معقولی، از مسؤولان هر یک از بخشها سؤال کنند که نتیجه کار شما چیست؟ باید خودتان را برای پاسخگویی آماده کنید. باید کار را به‌گونه‌ای تنظیم کنید که بتوانید محصول و نتیجه آن را به مردم نشان دهید و دلیل تقایص آن را بازگو کنید. مردم حسابگر و هوشیارند.<sup>۱</sup>

**پیشرفت کشور در سایه مقدم داشتن اهداف بر احوال**  
هر جا اسلام رفت، توده‌های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست این‌طور

۱. دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۶۸/۶/۱۸.

### دولت اسلامی فقط قوه مجریه نیست

دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است، نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومتمگزان و خدمتگزاران عمومی. اینها باید جهت‌گیرها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیرها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیرها حرکت کنند. این می‌شود دولت اسلامی.<sup>۱</sup>

### خواست مردم تحقق اسلام در جامعه

امروز هم واضح‌ترین حقیقت در نظام ما این است که آحاد و توده مردم، از نظام حاکم بر کشور می‌خواهند که مسلمان باشد و مسلمانی عمل کند و اسلام را در جامعه تحقق ببخشد.<sup>۲</sup>

### عوامل عزت ملت

البته دشمن ... هیچ‌وقت غافل نیست. در بهترین حالات، با مسائل جهانی، با روابط بین‌المللی، در مواجهه با شیرین‌ترین لیخندهای دیپلماسی، در مبادله گرم‌ترین درودها و سلامهایی که مسؤولان و رؤسای سیاسی دنیا به یکدیگر تحویل می‌دهند، در هر کدام از آنها باید مراقب دشمنی باشند؛ چون عالم دیپلماسی و روابط بین‌الملل و مسائل جهانی، عالم صفا و صداقت که نیست. دشمن، همان عنصری است که می‌خواهد یک ملت و یک کشور را از ابزارهای اقتدارش تهیدست کند. ابزارهای اقتدار و عزت کنونی ملت ما چیست؟ ایمان، عزم راسخ الهی، کار برای خدا، احساس سربازی دین خدا. اینهاست که ملت ما را

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

... مادر جمهوری اسلامی در این بیست سال، هر جا که توانسته‌ایم تکلیف و اهداف را مقدم بناریم و خودمان را، اشخاص را، خودها و هواها را تضعیف کنیم، پیش رفته‌ایم؛ اما هر وقت عکس این شده است، ضربه خورده‌ایم.

... اولین تکلیف به گردن ماست. هر کدام ماکه در نظام اسلامی مسئولیتی داریم - مسئولیتهای اجرایی، مسئولیتهای مشورتی، مسئولیتهای تحقیقی، تقنینی - بایستی سعی مان بر این باشد که آن عنصر قوت و قدرت را که در تاریخ اسلام سراغ داریم و در زندگی خودمان هم تجربه کرده‌ایم، در خودمان زیاد کنیم؛ آن، اعتماد به خدا، اعتماد به آنچه که از اسلام در دست داریم، و از محوریت خارج کردن «من»؛ یعنی کم کردن منیتهای شخصی، منیتهای قومی، منیتهای گروهی و منیتهای سیاسی.<sup>۱</sup>

### اجرای تمام احکام و موازین اسلامی به صورت کامل

نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرای تمام احکام و موازین اسلامی را به صورت کامل دارد. این نظام، مایه سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه آبادی روی زمین و کشور و منطقه زیست و مایه شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسانهاست.<sup>۲</sup>

### اداره نظام بر محور مقررات و بینشهای اسلامی

این نظام، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینشهای اسلامی اداره بشود.<sup>۳</sup>

۱. دیدار کارگزاران نظام به مناسبت روز معیت ۱۳۷۸/۸/۱۵.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۹/۱۵.

۳. دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ۱۳۶۸/۹/۷.

**ضرورت موضع گیری صریح مسوولان**  
مسوولان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه این و آن، هم موضع گیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند.<sup>۱</sup>

### عمل به تکلیف شرعی

ببینید تکلیف شرعیتان چیست؛ هر چه که تکلیف شرعی شما بود، به آن عمل کردید، پیش خدای متعال مأجورید. البته باید برای فهمیدن موضوع و حکم شرعی، انسان چشمهایش را باز کند و تلاش نماید. در این شکی نیست - اما اگر شما برای ادای تکلیف شرعی تلاش کردید و اشتباه کردید، در عین حال شما اجر دارید؛ این بد است؟! این معامله بدی با خداست؟! «من کان لله کان الله له»<sup>۲</sup> هر کس برای خدا کار کند، خدا هم همه این قدرت عظیم خود را برای او، در جهت او و در خدمت او قرار خواهد داد. فرموده است: «والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا»<sup>۳</sup> هدایت هم می‌کند. وقتی شما برای او تلاش کردید، نمی‌گذارد در گمراهی بمانید؛ هدایت هم می‌کند. شما دیدید که انقلاب پیروز شد، جنگ پیروز شد، مبارزه عمیق بنیانی با استکبار پیروز شد.<sup>۴</sup>

### اسلامی عمل نکردن، عامل عمده بروز مشکلات

هر جا اشکالی وجود دارد - چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه فرهنگی و اخلاقی - اگر کسی دقت کند، آن اشکال برمی‌گردد به اینکه یک شیوه مخالف با اسلام مورد عمل قرار گرفته و به آنجا منتهی شده است. ما هر جا موفق شدیم،

۱. دیدار عمومی در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.
۲. تفسیر منهج الصادقین، ج ۶، ص ۴۵.
۳. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
۴. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۸/۳/۱۰.

عزیز کرده است؛ اینهاست که انسانهای پولادین به وجود آورده است و می‌آورد و می‌توانند مقابله کنند. دشمنان می‌خواهند این خصوصیات را از جوانمردان و انسانهای والای کشور بگیرند.

... البته کار دشمن قابل فهم است. قابل فهم است که دشمن بخواهد مردم را از ایمانشان، از تقوایشان، از روحیه غیرت دینی‌شان، از عزم راسخشان و از امیدشان تهیدست کند. دشمن در این صدد است؛ منتها بعضیها که شاید دشمن هم نبینند، ندانسته، نفهمیده و با غفلت کارهایی می‌کنند که نتیجه آن کارها، بی‌ایمانی مردم، نومیدی مردم و تردید و تزلزل روحی در مردم است.<sup>۱</sup>

### حکومت اسلامی، عامل توسعه معنویت، عدالت و امنیت

آنچه که مهم است، این است که هم خود قشر کارمندان و هم آحاد مردم بدانند که کارمندی، در نظام به حق و عادلانه و مردمی، چقدر اهمیت دارد. این، خیلی مهم است.

فرق می‌کند که انسان، کارمند چه کسی باشد و برای کدام دستگاه کار کند. وقتی فردی در هر پایه‌ای از تحصیلات، برای نظام اسلامی و یک نظام مردمی کار می‌کند که هدف آن، عبارت از گسترش عدالت و امنیت و رفاه است، که همه اینها در اعلامی کلمه اسلام خلاصه می‌شود؛ یعنی حکومت اسلامی، آن حکومتی است که هم معنویت انسانها را بالا می‌برد، هم در جوامع بشری، عدالت و امنیت را توسعه می‌دهد و رفاه قشرهای مختلف مردم را تأمین می‌کند؛ کار کردن برای چنین نظامی، خیلی حائز اهمیت است و از نظر ارزشهای انسانی و اسلامی، کار خیلی برجسته‌ای است؛ حالا هر کاری می‌خواهد باشد.<sup>۲</sup>

۱. دیدار فرماندهان و پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ۱۳۷۸/۱۲/۲۵.
۲. دیدار کارمندان و کارکنان دولت به مناسبت هفته دولت و روز کارمند ۱۳۷۵/۶/۷.

شما زنده‌تر از همیشه است. امروز، همه باید برای بهترین وضعیت و بهترین کار تلاش کنند: «الَّتِي هِيَ احْسَن».<sup>۱</sup>

**جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد**  
جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد. جامعه اسلامی، هم دین و اخلاق و فرهنگ و معارف مردم را غنی می‌کند، و هم به زندگی مادی و معیشت و کار و تولید و استخراج و اختراع آنها توجه دارد. در یک جامعه اسلامی، همه اینها تأمین شده‌است. باید دنبال چنین حرکتی برویم.<sup>۲</sup>

**حیات طیبه، ثمره و هدف نهایی انقلاب اسلامی**  
حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فَلنَجْعِلَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانی‌های مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق و الای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.

بعضی جاهای دنیا رونق اقتصادی و رفاه مادی تا حدودی دارند؛ اما معنویت ندارند. وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد؛ تبعیض را برطرف نمی‌کند، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد. رونق اقتصادی که همه چیز یک کشور نیست.

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۴۸/۱۱/۹.  
۲. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳.  
۳. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۹۷.

ناشی از تبعیت از اسلام بود؛ هر جا ناموفق ماندیم، ناشی از سرپیچی از اسلام بود. اینکه امام بزرگوار این همه بر تحقق اسلام در قوانین ما، در عمل مسئولان ما و در رفتار دولت و مسئولان قضایی ما تأکید می‌کرد، برای این بود. هر جا نابسامانی وجود دارد، ناشی از بی‌توجهی به اسلام است.<sup>۱</sup>

**نیاید اجرای معیارهای اسلامی فراموش شود**  
اگر ما این اشتباه را می‌کردیم و بکنیم که در مسئله حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرمهای رایج دنیایی برویم، معنای جامعه اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین‌کننده است.<sup>۲</sup>

**همه ما مسؤولیم**  
مسئله ما، مسئله یک شخص یا یک دولت و چند نفر آدم نیست؛ بلکه مسئله اسلام است. آن چیزی که مانع ما می‌شود تا نسبت به حوادثی که در مقابلمان می‌گذرد، بی تفاوت بمانیم، تکلیف اسلامی است. آن چیزی که مانع می‌شود تا آنچه را لازم می‌دانیم، قولاً و عملاً اتیان نکنیم، تکلیف اسلامی است؛ چون مسئله ما نیست، بلکه مسئله اسلام است. ما عامل و بنده و مکلفیم. برای همین است که موظفیم راهمان را دقیق انتخاب بکنیم. بین افراد فرقی هم نمی‌کند. همه ما از بالاترین مسؤول در این نظام تا کوچک‌ترین کارگزار در سلسله مراتب اجرایی و قضایی و غیره، مسؤولیم. این خطاب رسول اکرم به همه مسلمین است که: «کلکم راع». امروز هم خطاب به همه مسلمین می‌باشد. این خطاب، نسبت به من و

۱. دیدار مردم قم ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.  
۲. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۴/۲۰.  
۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.



قرن - آن طور که به چشم می خورد - ان شاء الله قرن گرایش عمومی بشریت به سمت معنویت و به سمت دین است.<sup>۱</sup>

**نظام اسلامی، نظام عدالت، قسط، اخوت و برادری**  
 نظام اسلامی، بینات و واضحات و امر و نهی ای دارد. نظام اسلامی، نظام عدالت است؛ هر بی عدالتی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است؛ هر تبعیض محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسؤولان، خدمتگزار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسؤولان و مردم محکوم است.<sup>۲</sup>

**باید یک کشور نمونه بسازیم**  
 ما باید یک کشور نمونه بسازیم و نشان دهیم که اسلام می تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسانها را از لحاظ نیازهای مادی و معنوی اشباع کند؛ ما باید عدالت را در واقع جامعه خودمان تجسم ببخشیم و روی دست بگیریم؛ به دنیا نشان بدهیم؛ اینها وظیفه ماست، که این کارها هنوز نشده است. البته کار خیلی دشوار است و ما آن مقداری که تا حالا سازندگی کرده ایم، دو برابر آن هم باز باید سازندگی کنیم و البته این اهدافی که من گفتم، به طور کامل فقط با سازندگی تحقق پیدا نمی کند؛ ما باید کار کنیم.<sup>۳</sup>

### معیارهای دینی، اساس جهت گیریها و سیاست گذاریها

پایداری این مردم بعد از پیروزی انقلاب، و تشکیل و بقا و ریشه دار شدن

۱. دیدار اعضای ستاد پیکری اجرای قطننامه ۵۹۸-۱۳۷۰/۹/۳۰.

۲. دیدار پرسنل سپاه و بسیج در لشکر پنج نصر ۱۳۷۸/۶/۱۰.

۳. دیدار بسیج و سپاه همدان و پرسنل اطلاعات ۱۳۸۲/۴/۱۶.

... اسلام می خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است.<sup>۱</sup>

**نقش دین و احساس تکلیف**  
 وقتی که دین باشد و احساس تکلیف شود، همه نیروهای بشری در خدمت این احساس قرار می گیرد. طبیعت اجتماعات بشری هم این است که روی هم اثر می گذارند؛ بعضی را وارد میدان می کنند و به دنبال خود می کشانند که آن حرکت عظیم به وجود آمد.<sup>۲</sup>

**قرن گرایش عمومی بشریت به سمت معنویت**  
 امروز شاید تصور غریبها یا لاقابل تبلیغاتشان این است که اتحاد جماهیر شوروی به خاطر شکست تجربه سوسیالیسم به این نتیجه رسید که آن اقتصاد غلط بود؛ بعد از هفتاد سال فهمید که این اقتصاد درست است؛ یعنی فروپاشی نظام سوسیالیسم را به پای یک تجربه دیگر، یا تجربه ای برای بیان استحکام مبنای جوامع سرمایه داری به حساب آوردن! این غلط است؛ به هیچ وجه این محاسبه درست نیست؛ اصلاً ربطی به این قضیه ندارد؛ مسأله بایستی جای دیگر علت یابی و علت جویی بشود؛ مسأله دشمنی با دین و بریده شدن از ایمان معنوی است. در هر جا و به هر اندازه که این عامل منفی وجود داشته باشد، به همان اندازه تلاشی و نابودی منتظرش است. البته عرض کردم، نباید تصور کرد که فردا باید اتفاق بیفتد. آن کشورهایی هم که به شکل دیگری - اگرچه نه با آن نمودارها و نمادها - با دین مقابله می کنند، باید منتظر چنین وضعی باشند. این

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در شهر ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۲. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۸/۳/۱۰.

آنچه را که صحیح می دانیم، باید عمل کنیم

هر فردی هم، در مورد خود و رعیت خودش، مسؤول است. هیچ کس نگوید که چرا فلان کسان نمی کنند؟ آنها هم باید بکنند. دستگاه تبلیغات، دستگاه اجرایی، دستگاه قضایی و دیگر دستگاهها، همه مسؤولند. اقدام نکردن و صحیح عمل نکردن کسی، برای من و شما حجت نمی شود که ما هم رها کنیم؛ نه، ما باید آنچه را که صحیح می دانیم، عمل بکنیم؛ ولو دیگری نمی کند. البته راه صحیح عمل کردن، چیز دیگری است؛ نه اینکه عمل نکردن باشد.<sup>۱</sup>

### عمل به تکلیف الهی

در هر کاری آنچه را که فکر می کنید تکلیف الهی است، عمل کنید. اگر تکلیف الهی با خواسته های شخصی معارض شد، خواسته شخصی را کنار بگذارید. این همان تقوای حقیقی و کاری است که برای مسؤولان لازم است. برای پُست و مقام و شغل و امثال اینها اصالت و اهمیت قائل نباشید. حمدالله به این فکرها نیستید و خدا را شکر که مسؤولان بالای کشور، واقعاً دامنه اشان از این گونه چیزها میراست.<sup>۲</sup>

### گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم

عمل صالحی که در اسلام از یک مسؤول نظام خواسته شده است، رفتار دینی است. رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم. در اسلام خدمت به انسانها، حتی انسانهای غیرمؤمن هم موردنظر است؛ افاق دید اسلام خیلی وسیع است.

۱. دیدار فرماندهان سپاه مستقر در فروگاههای کشور ۱۳۷۰/۱۰/۲.

۲. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۴/۸.

جمهوری اسلامی تا وضع کنونی، و پیشرفتها در جهات مختلف، و سرنوشت جنگ تحمیلی، و سرنوشت جنگهای فراوانی که ما تاکنون در دنیای سیاسی و اقتصادی داشته ایم و همه به سمت پیروزی حقیقی بوده است. اگرچه در بسیاری از آنها در نیمه راه قرار داریم. همه آنها مروهون ایمان اسلامی ما و اعتقادات اسلامی این مردم است؛ ما باید آن را حفظ کنیم. در اظهاراتمان، در عملکردمان، در جهت گیریها و اتخاذ سیاستهای مختلفمان، این باید برای ما معیار باشد. هیچ ملاحظه ای نباید جلوی ملاحظه دینی را بگیرد و بر آن فایق بیاید. همه ملاحظات و تصمیم گیریهای ما باید با معیار ایمان مذهبی و تجویز دین و حکم اسلامی مقایسه گردد و حکم نشود به اینکه این درست است، یا درست نیست. این، راه پیشرفت ماست؛ چیزی است که این ملت را نسبت به مسؤولان دلگرم خواهد کرد و پشت سر آنها نگه خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### اعتبار همه مسؤولان، به کمر بسته بودن به دین خدا

یکایک اعضای تصمیم گیر در این نظام، مسؤولند. اعتبار آنها عبارت از این است که به وظیفه خود در مقابل خدا، مردم و قانون اساسی عمل کنند. در نظام اسلامی، اعتبار همه مسؤولان به این است که خود را کمر بسته دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند. مردم این را می خواهند و انتخاب کرده اند. اگر کسی قدم راجع بگذارد و از این راه منحرف شود - چه رهبری باشد، چه رئیس جمهور باشد و چه دیگر مسؤولان - قبل از آنکه ساز و کار اجرایی برای کنار گذاشتن آنها به کار بیفتد؛ چون فاقد شرط می شوند، خودشان منزل و کنار رفته اند. بنابراین مسؤولیت، سنگین است.<sup>۲</sup>

۱. دیدار اعضای ستاد پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ - ۱۳۷۰/۹/۳۰.

۲. مراسم تنفیذ دومین دوره ریاست جمهوری حجّه الاسلام خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱.

اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه دینی و اسلامی کنیم. بنده دوسه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد.<sup>۱</sup>

۱. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۶.

خدمت کردن، اجتناب از تبعیض، اجتناب از تزیین بیت‌المال و اجتناب از تزیین حقوق مردم، اجتناب از سوءاستفاده از شغل و مسؤلیت. کسی که مسؤلیتی دارد، و جاهتی از این طریق به دست آورده، که این و جاهت متعلق به مردم است؛ مثل بیت‌المال. همچنان که یک مسؤل به این دلیل که کلید صندوق بیت‌المال در دستش است، نمی‌تواند از بیت‌المال در مصارف شخصی خرج کند، به همین دلیل حق ندارد که از جاهت و قدرت و امکان و فرصتهایی که در اختیارش است، به سود شخص خود و منافع شخصی‌اش استفاده کند. تلاش مجاهدت‌آمیز و تلاش سخت؛ یعنی به کارگیری عقل، علم، تخصص و تجربه و به کار بردن همه ظرفیت دستگاه تحت مدیریت برای رسیدن به آرمانهای نظام اسلامی، رفتار دینی است.

اگر یک مسؤل خیلی هم مقدس‌مآب باشد، اما از ظرفیت خود برای کار و تلاش استفاده نکند، رفتار دینی او ناقص است؛ اگر از فرصتها استفاده نکند و عقل و تدبیر و هوش و علم و تخصص و تجربه را به کار نگیرد، رفتار دینی‌اش ناقص است. معارف اسلامی ما پُر است از این مفاهیم عالی و متعالی و قرآن و احادیث ما هم سرشار از این معارف است. البته مسؤل متدین کسی است که این ضوابط را در زندگی خود به عنوان اصول حتمی و غیرقابل تخلف در نظر داشته باشد. اگر مسؤلان نظام جمهوری اسلامی مقید به این ضوابط باشند، نظام اسلامی روز به روز و قدم به قدم به پیش می‌رود.<sup>۱</sup>

### پیاده کردن ارزشهای اسلامی در جامعه

ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای

۱. دیدار با زائران حرم امام رضا در صحن جامع رضوی ۱۳۸۳/۱۲.

معراج می‌رساند و از گناهان و آلودگیها پاک می‌کند. این رستگاری چه موقع حاصل خواهد شد؟ نظام اداری متصدی امور کشور، چقدر می‌تواند نقش داشته باشد؟ خیلی. ما نمی‌توانیم بگوییم در این زمینه کم‌کاری داشته‌ایم - شاید هم خیلی کار کرده‌اند. اما به هر حال کم پیشرفت داشته‌ایم. الان هم باینکه مکر گفته می‌شود و همه هم می‌گویند، اما انسان عمل و تلاش بایسته را مشاهده نمی‌کند. این از نقایص ماست؛ مسؤولان ذی‌ربط باید در این زمینه کار کنند. آن مقداری که به نصیحت و تذکر ارتباط پیدا می‌کند، این چیزی است که من حالا عرض می‌کنم؛ که البته این کافی هم نیست؛ این فقط نصیحت و تذکر به خودم و به شماست.<sup>۱</sup>

**تایک جامعه کاملاً اسلامی، فاصله زیادی داریم**  
 ما هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به‌عنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روز-روز گرم‌تر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیاید و آموختن و تدبیر و تعمق در آن، برای همه به‌خصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد.<sup>۲</sup>

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴.

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد از تحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰.

**جامعه ما، باید یک جامعه علوی باشد**  
 باید کاری کنیم که نظام و کشور و جامعه ما، یک جامعه علوی باشد. اسم اسلام و اسم ولایت، کافی نیست. به‌خصوص کسانی که مسؤولیتی بر دوش دارند و مأموریتی از نظام الهی و اسلامی بر عهده آنهاست - چه در دستگاه قضایی، چه در دستگاه اجرایی، چه در دستگاه قانونگذاری، چه در دستگاه انتظامی، و چه در نهادها و دستگاههای مختلف - زبان و بازو راه و کار، باید زبان و بازو راه و سبک کار امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

امیرالمؤمنین برای خدا و در راه او کار می‌کرده، به درد مردم می‌رسید، مردم را دوست می‌داشت و خدمت به آنها را وظیفه خود می‌دانست. باینکه حکومت او در جهت خدمت به مستضعفان بود، به این اکتفا نمی‌کرد؛ شبها هم، تنها و به‌صورت فردی، به کمک یکایک مستضعفان می‌رفت. این، زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۱</sup>

**رستگار شدن انسانها، خواسته جمهوری اسلامی**  
 از جمله زمینه‌هایی که بعد از انقلاب تا امروز، با همه تلاشی که شده است، نتوانسته‌ایم در آن پیشرفت شایسته‌ای را به‌دست آوریم، زمینه نظام اداری متناسب با هدفهای جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی می‌خواهد انسان ایرانی، حداقل در درجه اول رستگار شود - رستگاری معنوی، رستگاری اجتماعی، رستگاری فردی، رستگاری سیاسی - و از اسارتها و بندها خارج گردد؛ بندهایی که او را از سیر باز می‌دارد؛ به‌عکس، در مقابل حدود و قوانین و قیودی که در این حرکت و سیر، به‌او کمک می‌کند، تعبد و پایبندی داشته باشد. نماز هم یک قید است؛ اما «معراج المؤمن» است. این تقید و این پایبندی، انسان را به

۱. دیدار اقشار مختلف مردم و مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۱۱/۱۰.

### اخلاص امیرالمؤمنین را روح کارها قرار دهیم

آن نکته‌ای که من امروز می‌خواهم بر روی آن قدری تکیه بکنم، اخلاص امیرالمؤمنین است. ما باید این را جوهر و روح کارهای خودمان قرار بدهیم؛ کمالینکه شاید در زندگی علی بن ابی طالب هم اخلاص جوهر و روح کار آن حضرت بود؛ یعنی کار را فقط برای رضای خدا و برطبق تکلیف الهی و اسلامی و بدون هیچ انگیزه شخصی و نفسانی و امثال اینها انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

### برکت الهی در کارها، یکی از ثمرات تقوا

یکی از آثاری که بر تقوا مترتب است، این است که خدای متعال به کارهای ما برکت می‌دهد. اگر انسان آثاری را که در قرآن - کلام الهی - بر تقوا مترتب شده است، ملاحظه کند، خواهد دید که جواب همه احتمالات و خواطر و وسوسه‌های ذهنی او داده شده است: «ان تقوا الله يجعل له فرقا»<sup>۲</sup> اگر تقوا پیشه کنیم، خدای متعال برای ما فرقان - یعنی فارق بین حق و باطل - به وجود خواهد آورد.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۱/۱۶.

۲. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۲۹.

بر طرف می‌کند و گشایشهای فراوان به وجود می‌آورد. این یک طرف قضیه است؛ یک طرف هم مردم قرار دارند. ذخیره معنوی شما، یکی توکل به خداست؛ یکی اعتماد به این مردم مؤمن و صادق و فداکار و علاقه‌مند به مسؤلان و علاقه‌مند به اسلام و علاقه‌مند و قدر دان نظام جمهوری اسلامی؛ که هر جا از طرف مسؤلان نظام از این مردم کمکی خواسته شد، آنچه در اختیارشان بود در اختیار ما قرار دادند و حجت را بر ما تمام کردند.<sup>۱</sup>

### هدف اعلی و والا، تزکیه انسان است

آن مسأله اساسی که در انقلاب اسلامی هدف اعلی و والا به حساب می‌آید و عبارت از تزکیه انسان است. همه چیز مقدمه تزکیه و طهارت آدمی است. عدالت در جامعه و نیز حکومت اسلامی در میان اجتماعات بشری هم با اینکه هدف بزرگی محسوب می‌شود، ولی خود آن یک مقدمه برای تعالی و رشد انسان است که در تزکیه آدمی نهفته است. هم زندگی در این عالم - اگر بخواهد به سعادت برسد - محتاج تزکیه است، و هم درجات اخروی و معنوی، متوقف بر تزکیه است. فلاح انسان - یعنی دست یافتن انسان به مقصد اعلی - وابسته به تزکیه است؛ «قد افلح من تزکی». و ذکر اسم ربه فصلی.<sup>۲</sup> آن کسی که تزکیه نکند، فلاح و رستگاری را به دست آورده است.

... اگر بدبختیهای انسانیت را ریشه‌یابی کنید، به آلودگی نفسانی انسانها برمی‌گردد. آنجایی که ضعف و بدبختی هست، یا به خاطر اختلافات است، یا به خاطر حرص و آرزو دنیاطلبی است، یا به خاطر بددلی انسانها یا یکدیگر است، یا به خاطر ترس و اظهار ضعف و ترس از مرگ است، و یا به خاطر میل و رغبت به

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۸/۶/۲.  
 ۲. قرآن کریم، سوره اعلی، آیه ۱۴ و ۱۵.

راه حق و باطل برای ما مشتبه نخواهد شد؛ راه باز خواهد شد. وقتی انسان فهمید حق کدام است، باطل کدام است، با شجاعت بیشتری حرکت می‌کند: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً»<sup>۱</sup> انسان راز تنگناها خارج می‌کند و برای او فرج و گریزگاه به وجود می‌آورد: «و یرزقه من حیث لا یحسب»<sup>۲</sup> از آنجایی که محاسبه نکرده، او را روزی خواهد داد.

روزی شما که روزی شخصی خودتان نیست. هر کدام شما مظهر بخش عظیمی از این ملت و این کشور هستید. روزی شما آن چیزی است که کار شما را آسان و امکانات را برای شما فراهم می‌کند. خدای متعال گاهی با پول کم، برکت خودش را اعطاء می‌کند. گاهی با پول زیاد و با فراوانی در آمد، برکت از انسان گرفته می‌شود. وقتی انسان تقوا داشته باشد، وقتی برای خدا کار کند و اخلاص پیشه نماید، خدای متعال به کارهایش برکت می‌دهد.

باید این کمکهای «من حیث لا یحسب»<sup>۳</sup> پروردگار را باور کنیم. این بر اثر همان مایه توکل و ایمانی است که بحمدالله خدای متعال در دست‌اندرکاران مشاهده می‌کند. آن صدقی که خدای متعال در یک ملت و در یک مجموعه خدمتگزار و در یک مجموعه عمل‌کننده ملاحظه کند، خیلی به داد آن مجموعه و آن ملت خواهد رسید و به او کمک خواهد کرد.

عزیزان من! به نظر من، راه دینداری، راه توکل به خدا و راه اعتماد به وعده الهی است. «ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم، برکات من السماء و الارض»<sup>۴</sup> ایمان و تقوا، راههای طبیعی را هم باز می‌کند، مشکلات طبیعی را هم برطرف می‌کند؛ مشکلات جهانی را هم برطرف می‌کند؛ خطرهای بزرگ را هم

۱. قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۲.  
 ۲. قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۳.  
 ۳. قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۳.  
 ۴. قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۹۶.

**خودخواهی و خودپرستی، پایه همه بدبختیها**  
از تهذیب و تزکیه روحی و قلبی غافل نشوید. پایه همه بدبختیهای ملتها، مسؤولان، بزرگها و کوچکها، خودخواهی و خودپرستی و خود را عمده کردن و خدا کردن و ایجاد فرعونیت در درون دل است. گاهی انسان در بیرون قالب جسم خود - یعنی در ظاهر خود - هیچ نشانه فرعونیت ندارد؛ اما در دل، فرعون است. خودخواهیها، خودپرستیها، خود محوریتها، عمده کردن خود و خواستها و تمایلات و شهوات و سود و منفعت خود، اینهاست که منشأ اغلب مفاصد زندگی است؛ لذا به سمت تهذیب نفس حرکت کنید.<sup>۱</sup>

### دلایل نیاز مسؤولین به تقوای الهی

همه به تقوا احتیاج دارند؛ من و شما به دو دلیل به تقوا احتیاج داریم: دلیل اول این است که اگر ما بی تقوایی کردیم و بر اثر بی تقوایی ما ضایعهای پیش آمد، ضایعه بر اسلام پیش می آید.

... دلیل دوم این است که این نظام، حرکت و موفقیتش فقط به برکت تقوا امکان پذیر است. خاصیت نظام الهی این است. نظام حق، بی تقوا پیش نمی رود.<sup>۲</sup>

### عدم انحراف در گرو مراقبت از خود

وسیله عدم انحراف و پرهیز از انحراف چیست؟ مراقبت از خود. باید مراقب بود. اگر از خود مراقبت کنیم، منحرف نمی شویم. اگر از خود مراقبت نکنیم، یا از ناحیه سستی و ضعف در پایهها و مبانی عقیدتی انحراف به انسان روی می آورد، یا از ناحیه شهوات به انسان روی می آورد. حتی کسانی که پایهها و مبانی اعتقادی آنها محکم است، شهوات نفسانی بر نگاه و بینش عقلی درست و عمیق

۱. دیدار پرسنل سپاه و بسیج در لشکر پنج نصر - ۱۳۷۸/۶/۱۰.  
۲. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۰/۵/۲۳.

شهوات و خوشگذرانی است. اینها مایه اصلی بدبختیهای جوامع بشری است.<sup>۱</sup>

### ریاست و مدیریت، یک امانت است

«اعلم یا رفاعة ان هذه الامارة امانة»؛ امیرالمؤمنین می فرماید: این ریاست و مدیریتی که در اختیار من و شماست، یک امانت است؛ «فمن جعلها خیانة»؛ هر کس این را به خیانت تبدیل کند و به هوی و هوس آلوده نماید و در خدمت مطامع شخصی و وسیله اجرای مقاصد غیرالهی و غیر عادلانه خود قرار دهد، ولعنه الله الی یوم القیامة»؛ تا روز قیامت لعنت خدا بر او خواهد بود.<sup>۲</sup>

### انسان به نصیحت احتیاج دارد

انسان به نصیحت احتیاج دارد؛ به تذکر احتیاج دارد. شما دائم باید خودتان را متذکر نگه دارید. ترتیبی بدهید که متذکر بمانید. به روایات اخلاقی مراجعه کنید. به کتب اخلاقی مراجعه کنید. آنچه را که در فضیلت خدمت به مردم است و آن چیزی که فلسفه حکومت را در اسلام مشخص می کند، بخوانید.<sup>۳</sup>

### راه مبارزه با «منیت»ها

هر کدام از ما در درون خودمان و از وجود خودمان شیطانی داریم که همان «من» ماست، همان منیت ماست، همان خودخواهیها و هوسها و هوسرانیهای ماست. چه چیزی ما را از دست این شیطان نجات خواهد داد؟ جز اراده دینی و ایمان قوی و دلی که با تزکیه و اخلاق الهی آشنا شده باشد؛ این، خیلی قوت و شجاعت لازم دارد. شجاعت این مبارزه، بیشتر از شجاعت مبارزه با هر دشمن بیرونی است.<sup>۴</sup>

۱. دیدار گروهی از خانوادههای شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم - ۱۳۷۰/۸/۱.  
۲. خطبههای نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.  
۳. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت - ۱۳۷۲/۶/۳.  
۴. دیدار جمعی از خانوادههای شهدا - ۱۳۷۰/۸/۱۷.

یکپارچگیها تحکیم بشود.<sup>۱</sup>

### رضای الهی در گرو تقوا

اگر تقوا نباشد، همه کارها خراب است. وقتی تقوا بود، هر تصمیمی که انسان می‌گیرد و هر حرفی که می‌زند، برای مصلحت مردم و رضای خداست. در این صورت صراط مستقیم پیموده خواهد شد. وقتی تقوا نباشد، انسان از روی عصبانیت و کینه‌ورزی و طمع حرف می‌زند یا اقدام می‌کند یا دستور می‌دهد یا حکم می‌گذارد.<sup>۲</sup>

### اگر تقوا باشد، توفیقات الهی هست

اگر ما و شما در جهت‌گیری کلی کارهایی که در زندگی انجام می‌دهیم - و از جمله، کارهای دوران مسؤلیت - خطر رعایت تقوا و احساس وظیفه و مسؤلیت را پیش بگیریم، خدای متعال هم توفیقات خودش را از زانی خواهد داشت: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سديدا یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم».

... این چهار سال مسؤلیت را از دورانی که بناست برای آینده مادی زندگی‌تان منشأ سودی باشد، خارج کنید. ممکن است انسان شصت سال، هفتاد سال، هشتاد سال عمر کند؛ در طول عمرش هم برای آینده خود فکر و تمهید و مقدمه‌سازی داشته باشد. فلان چیز را بخیریم، فلان چیز را نگه داریم - ولی این چند سالی که وزیر هستیم، از دوره‌ای که باید به فکر آینده خود باشیم، خارج کنیم.<sup>۳</sup>

### انگیزه کار در آغاز و در انجام کار

«انگیزه‌ی کار در آغاز و در انجام کار نباید هیچ تفاوت کند. یک مؤلف وقتی کتابی را می‌نویسد، صفحه آخر را با همان همت و با همان انگیزه‌ای می‌نویسد که صفحه

۱. دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۹/۴/۲۵.

۲. دیدار انتشار مختلف مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۳. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۴/۳/۸.

نسبت به خط و راه و هدف غلبه می‌یابد و انسان را منحرف می‌کند؛ که ما مواردش را دیدیم. در این خصوص چند آیه در قرآن هست، اما این آیه که در مورد قضیه احد است، خیلی انسان را تکان می‌دهد. می‌فرماید: «ان الذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انما استزلّهم الشیطان ببعض ما کسبوا»؛ یعنی کسانی که در ماجرای احد دچار آن لغزش خسارت‌بار شدند و از میدان جنگ رو برگرداندند و این همه خسارت بر نیروی نورسته اسلام و حکومت اسلامی وارد شد، علتش «بعض ما کسبوا» بود؛ کارهایی بود که قبلاً سر خود آورده بودند. دل دادن به شهوات و هواهای نفسانی اثرش را این‌طور جاها ظاهر می‌کند. آیه شریفه دیگر می‌فرماید: «به اینها گفته شد انفاق کنید، ولی به تعهد خود عمل نکردند؛ لذا انفاق بر قلب آنها مسلط شد؛ «فاعقبهم نفاقا فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلفوا الله ما وعدوه»؛ یعنی وقتی انسان نسبت به تعهدی که با خدای خود دارد، بی‌توجهی نشان داد و خلف وعده کرد، نفاق بر قلب او مسلط می‌شود. بنابراین اگر ما بی‌توجهی کنیم و تن به شهوات و هوی‌ها بسپاریم، ایمان مغلوب و عقل مغلوب می‌شود و هوی و هوس غالب؛ باز هم همان انحرافی که از آن می‌ترسیدیم، ممکن است پیش بیاید. بنابراین در همه حالات انسان باید این گمان را داشته باشد که ممکن است لغزش پیدا کند. هیچ‌کس خودش را از این خطر دور نداند. یک نمونه این قضیه «تلعم باعورا» است؛ «واتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا» تا آخر.<sup>۱</sup>

### باید انگیزه حرکت، الهی باشد

باید انگیزه حرکت ما - در هر سطحی که هستیم - انگیزه الهی باشد. علاج همه دردهای ما، اخلاص است. اگر اخلاص باشد، همه چیزهایی که فعلاً نظام و جامعه ما از آنها متاثر است، برطرف خواهد شد. اخلاص در عمل، موجب خواهد شد

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷.



شهو‌ترانی و دنیاطلبی و طمع‌ورزی و حرص‌ورزیدن به مال دنیا و چسبیدن به مقام دنیا و بخل نسبت به داراییهای موجود در دست آدمی و نیز حسد و حرص و غضب است، به‌طور قطعی دوا اثر در وجود انسان می‌گذارد؛ یک اثر، معنوی است که روح را از روحانیت می‌اندازد، از نورانیت خارج می‌کند؛ معنویت را در انسان ضعیف می‌کند و راه رحمت الهی را بر انسان می‌بندد. اثر دیگر این است که در صحنه مبارزات اجتماعی، آن جایی که حرکت زندگی احتیاج به پشتکار و مقاومت و نشان دادن اقتدار اراده انسان دارد، این گناهان گریبان انسان را می‌گیرد و اگر عامل دیگری نباشد که این ضعف را جبران کند، انسان را از پا درمی‌آورد. البته گاهی ممکن است عاملهای دیگری مثل یک صفت و یا کار خوب در انسان باشد که جبران کند. بحث بر سر آن موارد نیست؛ اما گناه، فی‌نفسه اثرش این است.<sup>۱</sup>

**نگذاریم که سطح معنویت جامعه پایین بیاید**

هیچ نظام بشری قادر نیست که حق کارگزاران را با دقت ادا کند. حسن نظام الهی این است که وقتی هیچ‌کس نتوانست، تازه نوبت خود خدای متعال و مأموران الهی است که اینها را ثبت کنند و به خود شما برگردانند؛ نه فقط در آخرت، در دنیا هم آثارش را بر می‌گرداندند. توفیقات شخصی و معنوی شما، روشنی دل و شوق شما به انجام وظیفه بیشتر، اینها همه پادشاهی است که خدا دارد به شما می‌دهد.

گاهی بعضی فکر می‌کنند که چون فلانی در فلان بسمت حساس قرار دارد، او را از لحاظ مادی اشباع کنیم، تا تحت تأثیر قرار نگیرد. البته این راهی است، اما راه همیشه موفق نیست؛ آنچه که همیشه موفق است، حفظ معنویت‌هاست. ما

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

اول را شروع کرده؛ زیرا اگر صفحه آخر را شما ننویسید، یا دقت به خرج ندهید، یا خط خوب ننویسید، کتاب ناقص خواهد شد.<sup>۱</sup>

**هدف از قدرت اگر خدمت به مردم باشد، عبادت است**

قدرت اگر با هدف خدمت به مردم باشد، عبادت است. شاید هیچ عبادتی بالاتر از عبادت مسؤلی نیست که به‌خاطر تلاش و خدمت به مردم، از راحت و آسایش امنیت خود صرف‌نظر می‌کند. این روحیه خدمتگزاری، خاکساری، تواضع در مقابل مردم و شناخت عظمت مردم را برای خودتان حفظ کنید، که این نعمت بزرگی است. از خدای متعال لحظه‌ای غافل نشوید. این توفیقات به فضل و لطف الهی به ما داده می‌شود. باید خود را قابل رحمت و تفضلات روزافزون الهی کنیم. با یاد خدا و با توکل به خدا و با اخلاص در عمل، باید بتوانیم جلب رحمت الهی بکنیم. اگر جلب رحمت الهی شد، همه مشکلات آسان می‌شود و موانع از سر راه بر خواهد خاست. اگر صادقانه در راه خدا کار کنیم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد. اگر هدف قدرت، منافع مادی شد، قدرت، بزرگ‌ترین ورز و وبال برای انسان خواهد بود. کسانی که قدرت و منصب و مقام را برای بهره‌مندیهای خود، پُر کردن کیسه‌های خود و دنیای خود می‌طلبند، آنجایی که منافع آنان با منافع مردم اصطکاک پیدا می‌کند، نمی‌توانند به نفع مردم کار کنند. قدرت به خودی خود نه نعمت است، نه نعمت؛ اگر برای خدا و برای خدمت شد، نعمت است؛ اگر برای دستاوردهای مادی و ارضای هوسهای انسانی شد، می‌شود نعمت.<sup>۲</sup>

**اثر گناهان در زندگی فردی و اجتماعی**

گناهانی که انسان انجام می‌دهد، این تخلفهای گوناگون، این کارهایی که ناشی از

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۶/۶۴.

۲. مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۵/۱۲.

خدای متعال به ما به‌طور قاطع فرموده است که: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم؛ به عهد من وفا کنید، تا من هم به عهد خود وفا کنم؛ معاهده‌ای که با خدا بسته‌اید، به آن معاهده عمل کنید تا خدا هم به وعده‌ای که به شما داده است عمل کند. خاصیت ایمان در وجود یک انسان مسؤل این است که راه او را هموار و دشواریها را در نظرش کوچک می‌کند؛ همت او را بالا می‌برد؛ او را از آلوده شدن به خواسته‌های حقیر اهل دنیا باز می‌دارد؛ او را عاشق، خادم و دوستدار مردم قرار می‌دهد و در مقابل تهدید دشمنان آسیب‌ناپذیر و در مقابل مشکلات کار و مسؤلیت مقاوم می‌سازد.<sup>۱</sup>

### حساب الهی را در قیامت باید جدی شمرد

ما از برادران عزیز درخواست می‌کنیم که خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر بدانید. حساب الهی را در قیامت باید جدی بشمارید. محاسبه الهی، حق است. کوچک‌ترین کار ما، خدای نکرده، یک لحظه غفلت ما، یک لحظه کم‌کاری ما، همه در پرونده و صحیفه اعمال ما، مضبوط و محفوظ و باقی است. از یکایک اینها، از ما حساب کشیده می‌شود؛ همچنان که هر لحظه دشواری را که شما در راه مسؤلیت طی می‌کنید، در نامه عملتان مضبوط و محفوظ است.<sup>۲</sup>

### تلاش برای کسب رضای الهی

خدا را باید از خودمان راضی کنیم. همه‌مان هم باید این کار را بکنیم. هیچ‌کس نگوید که اول، فلان کسان خدا را از خودشان راضی کنند! اول و دوم ندارد؛ همه باید در راه کسب و تحصیل رضای الهی تلاش کنیم. رضای خدا، با تقوای من و شماست.

۱. دیدار زائران حرم امام رضا در سخن جامع رضوی ۱۳۸۳/۱۲.

۲. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۵/۶/۱۸.

در همه بخشها بایستی نگذاریم که آن سطح معنویت جامعه پایین بیاید.<sup>۱</sup>

### کار برای مردم، حسنه است

هر کاری که شما برای مردم انجام می‌دهید، در هر پست و بستی که باشید، یک حسنه است؛ و علاوه بر اینکه به نفع مردم است، چنانچه کار ماندگار و اصل و ریشه‌داری هم باشد، یک صدقه جاریه است و در دستگاه عظیم الهی - که ارتباطات میان کارها و بازده آنها، بسی پیچیده و مسبوط و مشروح است و عقل قاصر ما قادر نیست که این روابط کار و بازده را بفهمد و تحلیل بکند - این کارهای شما خواهد ماند و آثار نیک خود را خواهد بخشید و ثمرات آن را خواهید دید؛ هم در دنیا و هم در عالم آخرت؛ همان روزی که هر انسان، محتاج حسنه و صدقه‌ای است که از پیش فرستاده باشد.

اگر آنچه را که انجام می‌دهید، با توجه به لوازم آن، یعنی همراه با استحکام و دوام و خلوص نیت و دقت لازم باشد. که از نیت اکرم است که فرمود: «رحم الله امرأ عمل عملاً فأحکمه»<sup>۲</sup>، رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را بکند و محکم بکند. سرهم‌بندی و کوتاه‌نگری و سست‌گیری در کار نباشد، دیگر وصف و بیان کسی مثل این حقیر، قادر نیست که ارزش آن را بیان کند. ان‌شاء الله که همه‌تان مشمول این مسائل باشید و هر روزی که می‌گذرد، سطر و برگه بر پرونده کاری خودتان در دیوان الهی - که دقیق‌تر از دیوانهای بشری است - بیفزاید.<sup>۳</sup>

### خاصیت ایمان، بالا رفتن همت انسان است

خدای متعال به ما وعده‌هایی داده است؛ باید به این وعده‌ها ایمان داشته باشیم.

۱. دیدار فرماندهان سپاه مستقر در فرودگاههای کشور ۱۳۷۰/۱۰/۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۴۹.

۳. دیدار یگانهای نیروی دریایی سپاه و ارتش ۱۳۷۰/۱۰/۱۲.

در مقابل این وسوسه‌ها قرار می‌گیرم، چه چیزی من را نگاه خواهد داشت؟ «قل ما یعنوا بکم ربی لولا دعاؤکم»<sup>۱</sup>.

دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولّی عصر (عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) مأنوس بشوید؛ با قرآن مأنوس باشید و در آن تدبیر بکنید.<sup>۲</sup>

### چهره صاحبان مناصب در نظام اسلامی

مسؤول امور و صاحب منصب در نظام اسلامی، مسأله‌اش فقط مواجهه با مردم نیست؛ اگر با خدا متصل نباشد، کار برای مردم و خدمت برای آنها - یعنی همان مسؤولیت اصلی‌ای که دارد - لنگ خواهد ماند. پشتوانه این مأموریت و مسؤولیت، همین ارتباط با مردم است؛ لذا باز امیرالمؤمنین - طبق روایت نهج البلاغه - در همین نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «واجعل لنفسک فیما بینک و بین الله افضل تلک المواقیت»؛<sup>۳</sup> اوقات خود را که برای کارهای گوناگون صرف می‌کنی، بهترین و بانشاط‌ترین را بگذار برای خلوت بین خودت و خدا؛ یعنی حالت ارتباط با خدا و انابه به او و تضرع را برای اوقات خستگی و کسالت بگذار. بعد می‌فرماید: «وان کانت کلها لله»؛<sup>۴</sup> اگرچه وقتی که تو صاحب منصب در حکومت اسلامی هستی، همه کارهایت متعلق به خداست - به شرطی که «اذا صلحت فیها التّیة وسلمت منها التّریة»؛<sup>۵</sup> نیت خالص باشد و کاری که مردم را بیازارد، از تو سر نزنند - اما در عین حال در بین تمام این تلاشهایی که هم‌هانش هم

۱. قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۷۷.

۲. دیدار مسؤلان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۵/۲۳ - ۱۳۷۰.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

علایم ایمان، گناه نکردن، از خدا ترسیدن، با بندگان خدا خوب بودن، با دشمنان خدا خصم و سرسخت بودن، از اخلافهای کوچک برادران راحت صرف نظر کردن، و با دشمنان ذره ذره ربه حساب آوردن است. در مقابل مؤمنین، فروتن باشید و خودتان را دلیل بگیریید؛ «اذنه علی المؤمنین». این، با شاخ و شانه کشیدن با همدیگر، نمی‌سازد. این، با محبت و گذشت و مدارا ایجاد می‌شود. تقوا، اینهاست. تقوا در مسائل مالی، تقوا در مسائل ناموسی، تقوا در مسائل شخصی، تقوا در مسائل سیاسی، به خصوص تقوا در مسائل کاری را مهم بنگارید. بدانید که در حرکت تقوایی این کشور و این ملت، آن چنان اوج و رونقی به حرکت این ملت داده خواهد شد که چشم دنیا را خیره خواهد کرد.

هر جایی که ما نمایشی از تقوا دیدیم، همین اثر را هم دیدیم، فتوحات میدان جنگ، همین‌طور بود. خر مشهر، با تقوا به دست آمد. به وسیله تقوا و انکال به خدا بود که دشمن در جنگ هشت‌ساله شکست خورد. هیچ شکستی، فضاحت‌بارتر از شکستی که دشمن در جنگ هشت‌ساله خورد، نیست. اینها، مبالغه نیست.<sup>۲</sup>

### نظام را باید بر پایه تقوا حفظ کرد

برادران! نظام را باید بر پایه تقوا حفظ کرد؛ راه تقوا هم ذکر خداست. آقایان وزرا، آقایان نمایندگان، آقایان مدیران گوناگون کشور، مسؤلان قضایی کشور، خودشان را بی‌نیاز از دعا و نافله و ذکر و توجه و توسل و گریه و انابه به پروردگار ندانند؛ نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم؛ دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد، اصل کار این است. اگر این نباشد، آنجایی پشتوانه‌ایم، آنجایی که وسوسه‌ها در مقابل ماصف می‌کشند و من ضعیف تربیت‌شده حریص به دنیا

۱. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۵۴.

۲. دیدار خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان ۱۳۶۹/۳/۲.

موافق طبع و موافق خواست آوردن کار. این، معنای توفیق است؛ نه اینکه وقتی می‌گوییم خدا توفیق داد، یعنی پشت گردن آدم را گرفت که این کار را انجام دهد. باز هم اراده خود شماس است که کار را انجام می‌دهد؛ اما توفیق از طرف پروردگار است. اگر این توفیق و جور آمدن کار و فرصت لازم کار را می‌خواهید، باید با خدا رابطه مستقیم برقرار کنید؛ رابطه تصرع، رابطه خواست، رابطه ویژه.

این رابطه با خدا را همه باید داشته باشند؛ اما شاکه مسؤول هستید و یکی از مدیریتهای بالا در دست شماس است. شما که می‌گوییم، یعنی ما مسؤولان، که من خودم از شما به این کار اولی هستم - جزو شایسته‌ترین افرادی هستید که باید این رابطه ویژه را با خدا داشته باشید.<sup>۱</sup>

**هر روز حتماً قرآن بخوانید**  
قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتماً قرآن بخوانید؛ هر مقداری می‌توانید. آنهایی که ترجمه قرآن را می‌فهمند، با تدبیر به ترجمه نگاه کنند. آنهایی که ترجمه قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن مترجم خوب - که الحمدلله زیاد هم داریم - کنار دستشان بگذارند و به ترجمه آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید؛ اما هر روز بخوانید؛ این را یک سیره قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله‌اش بخوانید.<sup>۲</sup>

**تحول در خود، مقدمه تحول جامعه**  
انسان اگر بخواهد در وضعیت جامعه خود، کشور خود و زندگی خود، تحول ایجاد کند، باید این تحول را در خود آغاز کند - تحول اخلاقی، تحول درونی، رفتن به سوی صفا و انسانیت، عبودیت پروردگار و تسلیم در مقابل اراده خداوند عالم و

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۷۶/۶/۲.  
۲. دیدار اعضای هیات دولت ۱۳۸۲/۶/۸.

عبادت است، وقتی را بگذار برای اینکه بین خودت و خدا خلوت کنی. این چهره صاحبان مناصب در نظام اسلامی و در قاموس امیرالمؤمنین است.<sup>۱</sup>

**توجه به خدا و موفقیت‌های انقلاب**  
آنچه امروز برای ما مهم است و مربوط به آینده است - که گذشته هم باید همیشه در خدمت آینده باشد - چند نکته است:

یک نکته این است که هر چه این نهضت و این ملت، و بر اثر برکات این ملت، ملت‌های دیگر اسلامی دارند، از توجه به خدا و توکل به خدا و زنده کردن یاد خدا در دل‌هاست؛ از این نباید لحظه‌ای غفلت کرد. اگر توجه به خدا و استمداد از منبع لایزال قدرت الهی نمی‌بود، مشکل می‌توان تصور کرد که این انقلاب و این ملت و این حرکت می‌توانست به این موفقیت‌ها نایل شود؛ در آینده هم همین‌طور خواهد بود. نکته دوم هم که بسیار حایز اهمیت است، مسأله مردمی بودن این انقلاب و این نظام مقدس است. هر چه کردند و هر چه شد، مردم کردند. امام بزرگوار هم متکی به همین آحاد و نفوس مؤمنه مردم بود. مسؤولان کشور - خدمتگزارانی که بوده‌اند و هستند - قدرتشان، جرأتشان، توان معنوی و روحی مقابله‌شان با تهدیدها و مبارزات طبیعی استکبار و قدرتهای شیطانی، به پشتوانه و پشتیبانی همین ملت است. اتصال نظام، دولت، حکومت و مسؤولان با مردم، یکی از همان نعمتهای معجزه‌آسای الهی است.<sup>۲</sup>

**توفیق در کار و ارتباط با خدا**  
بدون اتکا و توکل به خدا و ارتباط ویژه با او، توفیق لازم را به دست نخواهید آورد. توفیق از سوی خداست؛ جبر نیست. توفیق، یعنی جور کردن و جور آوردن و

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.  
۲. دیدار با قشار مختلف مردم شهر قم ۱۳۷۰/۱۰/۱۹.

آفریننده هستی - که این تحول، سعادت انسانها را متضمن است.<sup>۱</sup>

### دلایل پیروزی در جنگ

چه شد که این پیروزی به دست آمد؟ برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور! چه شد که شما پیروز شدید؟ آیا جز ایمان شما، توکل شما به خدا، تصمیم شما برای ایستادگی در مقابل دشمنان خدا، وحدت کلمه شما - که به هیچ وسیله‌ای نتوانستند آن را در هم بشکنند - فداکاری قهرمانانه جوانان شما؛ جوانانی که در عین جوانی، از لذتهای دنیا گذشتند و تسلیم وسوسه‌ها نشدند؛ و پدر و مادری که از جوانانشان گذشتند و تسلیم وسوسهٔ محبت و عشق به اولادشان نشدند؛ و بی‌اعتنائی به زخارف دنیا و نگرستن به هدف عالی - یعنی سربلندی اسلام و مسلمین - پیروزی ملت ایران عامل دیگری داشت؟<sup>۲</sup>

### دوری از خدا منشأ همهٔ مشکلات بشر

بشر هرچه ناراحتی و رنج و دشواری تحمل می‌کند، بر اثر دوری از راه خدا و سرکشی در مقابل احکام الهی است. بحمدالله مردم کشور ما در این راه، حرکت، بزرگی را آغاز کرده و در این حرکت، پیش رفته‌اند و من امیدوارم هرچه می‌گذرد، مردم ما از لحاظ اخلاق فردی و جمعی، از لحاظ ایجاد صفات و خصال ممتاز بشری در درون خودشان، پیشتر بروند و با دوستان، با صفا و محبت و با مروت هرچه بیشتر، با بیگانگان با هوشیاری و بیداری هرچه بیشتر و با دشمنان با سرسختی هرچه بیشتر مواجه شوند، تا ان شاء الله بتوانند کشتی نجات خودشان را به ساحلهای امن و امان الهی برسانند.<sup>۳</sup>

۱. پیام به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۶/۱۲/۲۸.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۷/۱۵.

۳. پیام به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۶/۱۲/۲۸.

### دنبال کردن سیاستهای امام بزرگوار

ما همان سیاستهایی را که امام بزرگوار با الهام از متن اسلام و قرآن، به انقلاب اسلامی و به ملت ایران تعلیم داد و آن خطی را که او ترسیم کرد، دنبال می‌کنیم و علاج گرفتاریها و مشکلات خودمان را در دنبال کردن این راه می‌دانیم؛ درست نقطهٔ مقابل آنچه که دشمنان اسلام قصد دارند آن را در ذهنها جا بیندازند و در فضای ذهنی اعلام کنند.

ملتهای مسلمان با انقلاب اسلامی احساس هویت و احساس عزت کردند؛ احساس کردند که گوهر گرانیهای اسلام که متعلق به آنهاست، می‌تواند گره‌گشای آنها باشد. همه جا احساسات اسلامی در اطراف دنیای اسلام برافروخته شد. این، دشمنان را عصبانی می‌کند؛ جهانخواران و مستکبران را ناراحت می‌کند؛ لذا علیه اسلام تاراج می‌کنند. امروز همهٔ توطئه‌هایی که علیه نظام اسلامی می‌شود - این توطئهٔ تبلیغاتی عظیمی که امروز در دنیا علیه جمهوری اسلامی، علیه مسوولان و علیه ملت ایران است - به خاطر انتقام گرفتن از اسلام است. آنچه که آنها را عصبانی می‌کند، پایبندی ملت ایران به اسلام و به قرآن و احکام آن است. آنها می‌خواهند ملت ایران را از این راه روشن و از این راهی که آیندهٔ آنها را

انسانها، خرد و دانایی انسانها، حقوق انسانها، وظایف و تکالیف انسانها، صحنه سیاست انسانها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه تربیت، صحنه عدالت؛ اینها همه میدانهای زندگی است. به این معنا، دنیا میدان اساسی وظیفه و مسؤولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه عظیم و در این عرصه متنوع، به مجموعه تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنای از دنیا، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. دین نمی تواند غیر از دنیا عرصه دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا - یعنی محیط زندگی انسان - بدون دین، تبدیل می شود به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی. انسان در این صحنه عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه زندگی باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید. در چنین صحنه‌ای، آنچه می تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصتهای زندگی انسان، به معنای نعمتهای پراکنده در عرصه جهان، به معنای زیباییها و شیرینیه‌ها، تلخیه‌ها و مصیبتها، وسیله رشد و تکامل انسان است. اینها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما مکمل و آمیخته و در هم تنیده با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست.<sup>۱</sup>

۱. مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۴/۳/۱۴.

تضمین خواهد کرد، منصور ف کند؛ چون در این بیست سال، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی و پایبندی به اسلام، به آنها خیلی ضرر زده است. ولی ملت ایران محکمه ایستاده است؛ این راه را دنبال خواهد کرد و ملتهای عالم در آینه ملت ایران آرزوهای خودشان را مشاهده می کنند.<sup>۱</sup>

### نظر و سخن اسلام، مینا، روح و اساس کار امام

امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخصهایی را در میانه راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می توانیم کابوس فقر و عقب افتادگی را از جامعه و ملت خودمان دور کنیم؛ می توانیم آزوی دیرین بشر - یعنی عدالت - را تحقق ببخشیم؛ می توانیم به تحقیر شدن ملتهای مسلمان خاتمه دهیم؛ می توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه - نه با تملق و اظهار دلت - از خودمان قطع کنیم؛ می توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را به هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه های کلان کشور حاکم کنیم؛ می توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه برکاتی که در آن هست، به دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است.

... جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسأله دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می کنند. امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مینا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است. دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسانها، تلاش

۱. مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام ۱۳۷۸/۳/۱۲.

توجه به نیاز این ملت، راهی را انتخاب کرد، نشانه‌هایی را گذاشت و توصیه‌هایی را کرد؛ هر جا هم به آن توصیه‌ها عمل شد، جواب داد. امروز هم ما به همان توصیه‌ها نیاز داریم. امروز هم کشور ما به همان نشانه‌ها و به همان خطوط احتیاج دارد.

... اگر ما در زمینه اقتصادی و در زمینه تشکیلات اداری هم توصیه اسلام را دقیقاً عمل می‌کردیم، یقیناً وضعیتمان بهتر از این بود. ما آنچه را که در زمینه‌های اقتصادی عمل کرده‌ایم، متأسفانه یک نسخه مخلوط است. چیزهایی از اسلام در آن هست؛ اما مخلوط دارد. آن بخش مخلوط شده، برای ما هرگز خیری به بار نیاورده است. امروز نظرات اقتصادی غربی که تا اندکی قبل جزو مسلمات محسوب می‌شد، مورد مناقشه خود غربیها قرار می‌گیرد. واقعاً تقصیر ملت‌ها چیست؟ تقصیر ملت‌هایی که به وسیله سران‌شان به پیروی از این روش‌های اقتصادی مجبور می‌شوند، چیست؟ ما بانک بدون رای اسلامی را در اواخر حیات مبارک امام راه انداختیم، اما ناقص<sup>۱</sup>

### تکیه امام روی قشرهای مستضعف

از روز اول تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابره‌نه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسوولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابره‌نه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجه نمودیم و در برنامه‌ریزی‌ها، قانون‌گذاری‌ها، اجرا و عزل و نصب‌ها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.<sup>۲</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. مراسم بزرگداشت رحلت حضرت امام ۱۳۸۲/۳/۱۴.

### پیمان در پیمودن راه امام

باید همه آحاد ملت - کوچک و بزرگ - مسوولان در سطوح مختلف و هر کس که کاری در دستش است، این نکته را حدیث نفس خود کند و پیمان ببندد که راه امام را ادامه دهد و به سمت هدف‌های او حرکت کند. در این صورت، عشق و محبت و ارادت و شاکرگری مانسبت به او صادق خواهد بود؛ و الاً اگر در فراق او گریه کنیم و بر سر و سینه خود بزنییم، ولی راه را از سمت دیگر ادامه دهیم، محبت و احترام و وفاداری ما صادقانه نخواهد بود. وفاداری این است که عیناً در همان خط و هدف او حرکت کنیم و به بیراهه نرویم.<sup>۱</sup>

### سعی دشمن در تضعیف روح دینی

اگر ما اسلام را به معنای شناخته‌شده به وسیله امام - یعنی به همان معنای صحیح و ناب و متکی به مبانی و اصول - به مرحله عمل بیاوریم، همه جا جواب خواهد داد؛ همچنان که هر جا به میدان آمدیم و دفاع کردیم و اصرار ورزیدیم، جواب داد.

... اینکه شما می‌بینید امروز در جامعه و کشور ما نسبت به مسائل دینی - تا آنجایی که به اطلاع مردم می‌رسد - در مردم احساس مسوولیت و احساس غیرت هست، این به خاطر روح دینی است. دشمن می‌خواهد این روح را تضعیف کند. امام این روح را در همه ارکان جامعه - چه ارکان حکومتی، چه آحاد مردم - به شدت تقویت می‌کرد؛ یعنی در دولت، در مجلس، در قوه قضاییه، در قوانین، در شورای نگهبان، در انتخابات و در همه چیز، امام بر روی ایمان دینی و تعبد دینی و تقید دینی تکیه می‌کرد.

... آن مرد دانا، آن مرد حکیم، آن مرد خبیر به اسلام، آن مرد دنیاشناس، با

۱. مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸.



بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

### مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی

آن شخص یا آن دستگاهی که اداره امور مردم را به عهده می‌گیرد، باید مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه اسلامی و همه جوامع دیگری است که به شکلهای دیگر اداره می‌شوند. جهالتها، شهوات نفسانی، هوی و هوس و سلايق شخصي متكي به نفع و سود شخصي یا گروهی، این حق را ندادند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی، عدالت و علم و دین و رحمت باید حاکم باشد؛ خودخواهی نباید حاکم بشود، هوی و هوس - از هر کس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی - نباید حکومت کند.<sup>۲</sup>

### اقتدار، به دور از استبداد و خودخواهی

ولایت، یعنی حکومتی که در آن در عین وجود اقتدار، در عین وجود عزت یک حاکم و جرم و عزم و تصمیم قاطع یک حاکم، هیچ نشانه‌ای از استبداد و خودخواهی و خود رأیی و زیاده‌طلبی و برای خود طلبی و اینها نیست. این، آن نشانه اصلی برای این حکومت است. بدیهی است که در چنین حکومتی، عدالت باید زنده شود. هر چه که ما در امر عدالت، کوتاه بیایم، ضعف ما در این خصوصیات است. اینکه من بارها می‌گویم تا رسیدن به نقطه مطلوب حکومت اسلامی، فاصله داریم - اگر چه با حکومت‌های مادی هم خیلی فاصله داریم؛ اما تا آن نقطه اصلی هم فاصله زیادی داریم - به خاطر این است. هر چه و هر جا که در امر عدالت، در امر محو شدن و هضم شدن در اراده الهی و احکام الهی، کوتاه بیایم،

۱. مراسم هشتمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (رض) ۱۳۷۶/۳/۱۴.

۲. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۴/۲۰.

سعی کنید کارها برای مردم آسان شود  
توصیه امام عزیزمان همیشه این بود که کاری کنید کارها برای مردم آسان شود و مشکلات مردم حل گردد.<sup>۱</sup>

### عدالت اجتماعی، از مشخصه‌های خط امام

از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پابرهنگان را مهم‌ترین عنصر در پیروزیهای این ملت می‌دانست؛ همین‌طور هم هست و همان‌طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی‌شود این را در درجه دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می‌شود؟!<sup>۲</sup>

### عشق به مردم، به جای بی‌اعتنایی به آنها

هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، به خصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روزه روزه توسعه پیدا می‌کند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به

۱. مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران در مردق مطهر حضرت امام ۱۳۷۸/۳/۱۴.

ناشی از ضعفهای شخصی ماست، ولاحکم اسلامی و ولایت اسلامی این است. اگر ولایت اسلامی باشد، زندگی زیر سایه امیرالمؤمنین، برای همه حاصل خواهد شد. برای مؤمن، برای فاسق و برای کافر. حتی کفار هم در آن، راحت زندگی می کنند. این طور نیست که در آن، فقط آدمهای پرهیزکار، راحت باشند، غیر پرهیزکار هم از امنیت آن محیط، از مساوات، از عدالت و از آرامش معنوی در آن محیط، استفاده می کند.

... این طور است که وقتی مخالفین در حکومت امیرالمؤمنین، خلخال از پای زن یهودی بیرون می آورند، امام آن جمعیت و حاکم حکیم می گوید: اگر مسلمانی از این امر ببرد. از غصه اینکه در حکومت او خلخال از پای یک زن یهودی درآورده اند. حق دارد! مثل امیرالمؤمنین که مبالغه نمی کند؛ می گوید اگر از این غصه، انسان بمیرد، حق دارد. این، حکومت و ولایت اسلامی است.<sup>۲</sup>

## فصل چهارم

### ساده زیستی

---

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۴.  
۲. دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم ۱۳۷۸/۱/۱۶.

### زندگی حکومتی امیرالمؤمنین، الگوی مسؤلان

اگر ما خصوصیات زندگی حکومتی امیرالمؤمنین - یعنی علی به عنوان یک حاکم - را در نظر بگیریم، می بینیم که چند خصوصیت عمده در این زندگی هست:

اول، قاطعیت و صلابت در راه حق است. این خصوصیت، اگر نگوییم مهم ترین، حداقل بارزترین خصوصیت زندگی امیرالمؤمنین است. آن چیزی که اول از این دستگاه حکومت مشاهده می شود، این است که امیرالمؤمنین بعد از تشخیص حق، هیچ چیزی نمی تواند جلوی راه حق او را بگیرد. پیامبر درباره او فرموده است: «خشن فی ذات الله». امیرالمؤمنین از جمله کسانی است که در راه خدا، هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند جلوی او را بگیرد و مانع او بشود؛ آنچه را که تشخیص داد، بدون هیچ گونه میلانی عمل می کند. اگر به سرتاسر زندگی امیرالمؤمنین نگاه کنید، این خصوصیت را مشاهده می کنید؛ قاطعیت و صلابت. از اول نشستن بر مسند حکومت، امیرالمؤمنین این قاطعیت و صلابت را نشان می دهد. یعنی حکومت وقتی که به نام خدا و برای خدا و برای اجرای احکام الهی است، باید تحت تأثیر هیچ ملاحظه ای که مخالف با حق باشد، قرار نگیرد. این،

آن منطقی است که امیرالمؤمنین دنبال می‌کرد. اگر دشمنان علی بن ابی طالب علیه السلام را مشاهده کنید، می‌بینید که این قاطعیت چه قدر مهم است.

... بعد دوم زندگی امیرالمؤمنین، بُعد زهد آن حضرت است، که اگر بخواهیم وارد صحبتش بشویم، فصل مبسوط عجیبی است. این زهد امیرالمؤمنین، واقعا زهد خیلی عجیبی است. البته عرض کردم، نه اینکه من بگویم، خود علی بن ابی طالب فرموده است. توقع نیست که من و امثال من، مثل علی بن ابی طالب زندگی کنیم؛ خود آن بزرگوار گفتند که نمی‌توانید.

... برادران! امیرالمؤمنین می‌گوید زندگی به سمت زهد باید برود. امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافگری می‌رود، بلاشک این انحراف است؛ بروبرگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آن چنانی، که متعلق به اولیاءالله است؛ نه، مسؤولان درجه یک، مسؤولان درجه دو، تا آن مسؤولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه مردم می‌رسد.<sup>۱</sup>

### خود را با اعیان و اشراف مقایسه نکنید

آن حضرت در جایی دیگر از نهج البلاغه می‌فرماید: «ان الله تعالی فرض علی ائمة الحق ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس»؛ یعنی صاحبان مناصب در نظام حق، حق ندارند خودشان را با اعیان و اشراف مقایسه کنند و بگویند چون اشراف و اعیان این‌گونه خانه و زندگی دارند و این‌طور گذران می‌کنند، پس ما هم که صاحب این منصب و این مسؤولیت در جمهوری اسلامی یا در نظام اسلامی و حاکمیت اسلامی هستیم، سعی کنیم مثل آنها زندگی کنیم؛ یا اینکه چون رؤسا و مسؤولان و وزرای کشورهای دیگر در نظامهای غیر الهی و غیر حق این‌طور

۱. دیدار با اقتدار مختلف مردم ۱۳۷۰/۱/۲۶.

زندگی می‌کنند، این‌طور خوشگذرانی می‌کنند و این‌گونه از امکانات مادی استفاده می‌کنند، ما هم بایستی همان‌طور زندگی کنیم؛ نه، حق ندارند زندگی‌شان را با اعیان و اشراف و متمکنان و یا با منحرفان اندازه‌گیری کنند. پس با چه کسانی باید زندگی خودشان را اندازه بگیرند؟ ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس؛<sup>۱</sup> با مردم معمولی، آن هم ضعیفها و پایین‌ترهایشان. در این عبارت، این تعبیر نیست که مثل آنها زندگی کن. ممکن است هر کسی نتواند آن‌گونه زندگی را بر خودش تنگ بگیرد. اما این هست که خود را با او اندازه بگیر و با او مقایسه کن؛ نه با اعیان و اشراف و با فلان پولدار و فلان سرمایه‌دار. مسؤول و صاحب یک منصب در نظام اسلامی و نظام حق، نباید طوری زندگی کند که باب اعیان و اشراف و متمکنان و برخورداران جامعه، یا مسؤولان کشورهای غیر اسلامی است. این فرهنگ غلطی است که هرکس در مسؤولیتهای دولتی به مقام و مسؤولیتی رسید، باید فلان‌طور خانه، یا فلان‌طور وسیله رفت و آمد، یا فلان‌طور امکانات زندگی داشته باشد؛ نه، دستور امیرالمؤمنین این نیست؛ فقط مربوط به آن زمان هم نیست؛ مربوط به همه زمانهاست. آن زمان هم این‌گونه نبود که همه مردم فقیر باشند. فتوحات اسلامی شده بود؛ در کشور اسلامی ثروت‌هایی وجود داشت و ثروتمندان و تجاری بودند که -از راه حرام یا حلال، فعلاً کاری نداریم- زندگیهایشان، زندگیهای برخوردارانه بود. امیرالمؤمنین در همین زمان می‌فرماید نباید زندگی شما، زندگی برخوردارانه باشد. این مربوط به مسؤولان و صاحبان مناصب در نظام اسلامی است که باید خودشان را با مردم ضعیف بسنجند، نه با برخورداران جامعه.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.

### مسئولان نباید مسرفانه و متجملانه زندگی کنند

آن حضرت در نامه دیگری به اشعث بن قیس می فرماید: «وَأَنْ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»<sup>۱</sup> یعنی این مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داری، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست - اشتباه نشود - مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به خاطر هدف و نیتی تحمل کند. برداشت صحیح از دولت اسلامی و مسئولیت اسلامی این است.

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. این هم نقطه بعدی است که اهمیتش از اولی بیشتر است، یا لاقلاً کمتر نیست. فرض بفرمایید اگر به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی خانوادگی، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه ها و جهیزیه ها و از این قبیل، به شکل غیر اسلامی آن - به معنای مسرفانه - انجام گیرد، این به فرهنگ تبدیل می شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می کنند و یاد می گیرند؛ مهریه ها بالا می رود، ازدواجها مشکل می شود، زندگی سخت می شود و همین رفتار بتدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند، در متن جامعه منعکس می گردد. بنابراین مهم ترین مطلب اصلی امیرالمؤمنین در باب حکومت این است: حاکم نباید حکومت را برای خود وسیله اعاشه و زندگی و کسب درآمد و اندوختن ثروت قرار دهد، بلکه باید آن را یک مسئولیت بداند. باری است بر دوش او؛ باید همه همت خود را بگذارد که این بار را به منزل برساند.

... نقطه محوری همین مسئولیت هم رعایت حدود و حقوق مردم، رعایت عدالت در میان مردم، رعایت انصاف در قضایای مردم و تلاش برای تأمین امور

۱. نهج البلاغه، نامه ۵.

مردم است. برای حاکم اسلامی، حوائج و نیازهای مردم اصل است.<sup>۱</sup>

### فضا را، تجملاتی و تجمل گرایی قرار ندهیم

برادران و خواهران! هر جا هستید و در هر مسئولیتی قرار دارید، باید مراقب باشید. یک رفتار شما، یک گفتار شما، یک حرکت شما می تواند تأثیر ماندگار بگذارد؛ می تواند تأثیرهای وسیعی در زندگی مردم بگذارد. سالهاست که بنده درباره زندگی تشریفاتی مکرر تذکر می دهم. این دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پایبندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان ولاست؛ یعنی یک وقت انسان به یک چیز غیر لازم پایبند می شود که دون شأن انسان است؛ بعلاوه، مسرفانه است؛ تضييع سرمایه ها، تضييع اموال و تضييع موجودیها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است؛ لیکن جنبه دومی دارد که اهمیتش کمتر از جنبه اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضیها از این غفلت می کنند. وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن چنانی می کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می بیند، بر او اثر می گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمل گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد.

تجمل گرایی و گرایش به اشراق گرایی در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد. هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و

۱. خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.

### اگر صالح نباشیم

نکته بعدی، حکومت صالحان است. برادران عزیز! اگر ما شخصاً خودمان صالح باشیم و حکومت نیز صالح باشد، می‌توانیم صلاح را در همه جای دنیا و بیش از همه در کشور خودمان گسترش بدهیم؛ ولی اگر ما صالح نبودیم، هیچ اتفاق مثبتی در جهت اهداف به وقوع نخواهد پیوست. هرکس هم که تلاش کند، بی‌خود تلاش کرده است. بنابراین، باید من و شما خوب باشیم. خوب بودن هم یک معنای پیچیده‌ای ندارد. یعنی باید متدین و با تقوا باشیم و دروغ نگوئیم و غیبت نکنیم و به مال دنیا حرص نزنیم و اهل تجمل و تشریفات و اسراف و بدخواهی نباشیم و ادعاهای دروغ نکنیم.

شخص امام‌انسان خوبی بود. خوبی او توانست تمام قلمرو حضور او را خوب و مثلاًئی بکند. وقتی کسی خوب است، حول و حوش او هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و خانه و دوستان و کشور و دنیای خودش را خوب می‌کند. امام مثل چراغی بود که همه جا را منور می‌کرد؛ چون خودش منور بود. حتی دشمنان امام، شخص او را از لحاظ زهد و پارسایی و بی‌طمعی و بی‌اعتنایی به دنیا و راستگو بودن در ادعاها، قبول داشتند.

شاید درست باشد که ما خطاب امیرالمؤمنین علیه السلام به عثمان بن حنیف را - که یک وقت هم امام به آن اشاره کردند - به خودمان بگوئیم. «الا و انکم لا تقدرون علی ذلک»؛<sup>۱</sup> شما نمی‌توانید آن‌گونه خوب باشید، ما هم نمی‌توانیم آن‌طور خوب باشیم. بعد می‌فرماید: «ولکن اعینونی بورع واجته آده»<sup>۲</sup>، ورع داشته باشید، از لغزشگاهها بپرهیزید و تلاش و اجتهاد کنید. این اجتهاد، با کمک خدا همراه خواهد شد. برادران! بدون اجتهاد و تلاش، آدم خوب نمی‌شود. ای کاش

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورهای و همه جوامع، به خصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه مردم است. این اهمیت تقوای ما را این قدر زیاد می‌کند.<sup>۱</sup>

### سفرهای تفریحی خارجی

لازم است که به مسأله قناعت - به معنای اسراف نکردن - اهمیت دهند. اسراف نکردن در مواد غذایی؛ چقدر مواد غذایی زاید دور ریخته می‌شود! حتی اسراف نکردن در مواد دارویی؛ چقدر مواد دارویی غیر لازم خریده می‌شود و به خانه‌ها برده می‌شود و بدون مصرف باقی می‌ماند! مواد اولیه و یا خود دارو را باید از خارج بخرند و بیاورند، یا در داخل باید با زحمت درست کنند. اینها ثروت و سرمایه مملکت است و از دست می‌رود.

کسانی هستند که حتی در کارهای فنی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند. چرا؟! فرض کنید خانواده‌ای هستند که مایلند مسافرتی بکنند، تفریح و تفریحی بکنند؛ چرا به خارج از کشور می‌روند و تفریح می‌کنند؟! در این کشور به این بزرگی، خلیها همین تفریح و تفریح را هم نمی‌توانند بکنند. بعضیها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفریح خودشان یا خانواده‌هایشان، به فلان کشور خارجی - که حالا نمی‌خواهم اسم بیاورم - می‌روند. اینها اسراف قطعی است؛ اینها همان اسراف است که حرام است. زیاده‌روی یعنی این. زیاده‌روی، وقت به وقت و زمان به زمان تفاوت می‌کند؛ در امر لباس، در امر مسائل زندگی، در اتومبیل‌های گرانقیمت، پس، خطاب اول ما به کسانی است که متمکنند و امکاناتی دارند و می‌توانند خرج کنند. به آنها عرض می‌کنیم که کمتر خرج کنید؛ ملاحظه کنید و اسراف نکنید.<sup>۲</sup>

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۱۰/۴.

اگر ما مواظب خودمان نشدیم، این احتمال حتمی خواهد شد.<sup>۱</sup>

### نقطه ضعف برای مسؤولان

افزون طلبی برای مسؤولان ممنوع است. مشی اشراف‌گرایانه برای مسؤولان کشور، نقطه ضعف به شمار می‌آید. اگر دیگران این را لازمه رسیدن به مقامات عالی‌کُتور می‌دانند، در نظام اسلامی، اینها نه تنها لازمه‌اش نیست، بلکه نقطه ضعف هم محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

### ضرورت پرهیز از خوی اشرافی

الحمدلله شما که مسؤولان درجه یک کشور هستید، خوی و خصلت مردمی دارید و خودتان جزو قشرهای متوسط مردمید و خوی اشرافی و کناره جویی از مردم و دوری از آنها را ندارید. این نعمت خیلی بزرگی است که باید آن را حفظ کنید و به همه اجزای دست‌اندرکار تسری دهید. اگر احیاناً کسی از گوشه و کنار در مجموعه شما پیدا می‌شود که می‌بینید روشش طور دیگری است، جلوش را نگه دارید.<sup>۳</sup>

### مسابقه رفاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی

آنچه من بر آن تکیه می‌کنم، این است که نگذارید مسابقه رفاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی - اگر در بین بعضی وجود دارد - ادامه یابد و توسعه پیدا کند. همه مسؤولان از زندگی متوسطی برخوردارند. بعضیها در دوران مسؤولیت در صدد برآیند از این فرصت استفاده کنند - چون می‌دانند مدت مسؤولیتها طولانی

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۲. دیدار عمومی در استادبوم رشت ۱۳۸۰/۲/۱۱.

۳. دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۸.

می‌توانستیم این حرفها را از امام بشنویم. حالا من باید این حرفها را بگویم که خودم از همه ناقص‌ترم و به شنیدن این تذکرات از همه محتاج‌ترم؛ اما چه کنم که وظیفه من این است این مطالب را به برادران بگویم.

ما باید عفت داشته باشیم، عقیف باشیم و به لجن بودن طبیعت بشری خودمان واقف باشیم. برادران! این طبیعت خیلی خطرناک است. بشر این طوری است، بشر لغزش دارد. برای اینکه آدم خودش را از لغزش نگه دارد، راه این است که لب پر نگاه نرود. شما که سرگیجه داری، چراب لب پشت بام می‌روی؟ شما که لرزش زانو داری، چرا آنجا می‌روی که انسان ممکن است با مغز به زمین بخورد و نابود شود؟ به لغزشگاههای مالی و قدرتی و دیگر لغزشگاههای گوناگون نزدیک نشوید. نمی‌خواهم در اینجا لغزشگاههای متعدد را یکی یکی اسم بیاورم. انواع و اقسام لغزشگاهها و لجنگاهها هست. حواستان را جمع کنید و مواظب باشید.

ما باید صالح بشویم. حکومت، دست من و شما همه است. همه، بخشی از حکومتند. اگر صالح شدیم، آن وقت سرنوشتی که خدا برای صالحان معین کرده است، متعلق به ما خواهد بود. «ولکن اعینونی بوع و اجتهاد و عفة و سداد»<sup>۱</sup> مواظب خودتان باشید و ورع پیشه کنید. برادران! اگر این مصونیت نباشد، ما خود به دشمن خویش و دشمن نظام تبدیل می‌شویم. در حال حاضر که ما به دنبال دشمنهای داخلی و خارجی نظام - از امریکای خونخوار و جنایتکار گرفته تا گروهکها و منافقین - می‌گردیم تا با آنها مقابله کنیم، مواظب باشیم همان جایی که من و شما ایستاده‌ایم، دشمن نظام در آنجا نایستاده باشد. من و شما که عمری را سپری کردیم تا در راه خدا کار کنیم و امید و آرزو داشتیم در راه او کشته بشویم و از بین برویم، ممکن است خدای نکرده به دشمن این راه تبدیل شویم.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

نیست و کوتاه است - و برای خود زباندوزی نمایند؛ به فکر تأمین آتیه خود بیفتند، یا کسانتی بخواهند برای همیشه قدرت را برای خود بیمه کنند. این هم از همان چیزهایی است که انسان را به طغیان می‌کشاند. یکی از سرکشهای بشری این است: قدرتی را که نظام اسلامی به ما داده است، بخواهیم برای خودمان همیشگی کنیم، یا از امکان و فرصتی که در اختیار ماست، در راه کامجوییها و التذاذهای شخصی و نامشروع استفاده کنیم. همه اینها خطاها و لغزشهایی است که باید از آن به شدت پرهیز کرد؛ ما باید مراقب باشیم.<sup>۱</sup>

### مقابله عمومی با گرایش اشرافیگری

گرایش اشرافیگری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند تا این علاج شود.

... این اشرافیگری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر، درست خواهد شد. این باید به یک فرهنگ تبدیل شود؛ کاری نیست که بشود به صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال اینها درستش کرد.<sup>۲</sup>

### هزینه دولت برای تغییر دکوراسیون اتاق جرم است

اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤول قضایی و فلان مسؤول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد

۱. دیدار مسؤولان نظام در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۱/۸/۲۰.

۲. جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۹/۱.

ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حتی نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی حدی معین بکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندر وها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار اتاق و تعدادی مسؤول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقای که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد.<sup>۱</sup>

### عوامل سست شدن پایه‌های نظام

مسؤولان نظام، اعم از نمایندگان محترم مجلس و مأموران اجرایی و قضایی، باید مراقب باشند که از عوارضی که در نظامهای طاغوتی و غیر مردمی، بیماری همه‌گیر کارگزاران است، خود را با دقت و وسواس دور نگهدارند؛ بیماری رفاه‌دگی و عشرت‌طلبی؛ بیماری زدوبند نامشروع و فساد مالی و اداری؛ بیماری تکبر و دوری از مردم و بی‌اهمیتی به نیاز و خواست واراده و حضور آنان؛ بیماری دسته‌بندیهای ناسالم و ترجیح مقاصد بانندی بر مصالح عمومی و امثال اینها، که ابتلای به آن، مانند موربانه پایه‌های هر نظامی را سست و پوک می‌کند؛ و یا دل‌سپردن به سنتهای طاغوتی و رغبت به احیای آنها و بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی به ارزشهای اسلامی و انقلابی، که دل را می‌میراند و نشاط و شوق خدمت به مردمی را که مخلصانه جان و مال خود را در راه انقلاب داده‌اند، سلب می‌کند و آنان را نومید و غمگین می‌سازد.<sup>۲</sup>

۱. دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳.

۲. پیام به مناسبت دومین سالگرد از تخال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳.



### مراقبت در حفظ بیت‌المال

من می‌خواهم از شما به‌طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ماست - بیت‌المال و آنچه که مربوط به ثروت‌های عمومی کشور است - اختلال پیدا نکند. بگذارید دشمن بتواند این‌طور تبلیغ کند که یک طبقه جدید و یک اشرافیگری جدید، در حال شکل‌گیری است. دشمن، از این‌گونه حرف‌ها می‌زند. اگر چیزی دیده شده که این حرف دشمن را به نحوی تأیید کرد، این خدمت به دشمن است؛ نباید بگذارید.<sup>۱</sup>

### حق ندارید از امکانات دولتی استفاده کنید

کسی که امکانات شخصی دارد، حق ندارد از امکانات دولتی استفاده کند. من الان اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید؛ ماشین دولتی یعنی چه؟ والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه‌جات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.

به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ اینها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و وع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشمها شیرین شدند. بدون وع و بدون دوانداختن دنیا، نمی‌شود در چشمها شیرین ماند. مردم رودریابستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودریابستی ندارد. مگر خدا با من و شما قوم و خویشی دارد؟<sup>۲</sup>

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم ۱۳۷۶/۲/۲۶.

۲. دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳.

## فصل پنجم

### صرفه‌جویی و مقابله با اسراف

### مصرف‌گرایی برای جامعه، بلاي بزرگي است

مصرف‌گرایی برای جامعه بلاي بزرگي است. اسراف، روزه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤوّل بخشهای مختلف دولتی، به‌خصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به‌اندازه‌لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیاده‌ها بزنیم.<sup>۱</sup>

### صرفه‌جویی را به مردم یاد بدهیم

ببینید اسراف چه کار می‌کند! اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در

۱. خطبه‌های نماز عید فطر تهران ۱۳۸۱/۹/۱۵.

اسباب بازی بچه و در وسایل تجملاتی!

عزیزان من! این اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به وسیله تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می‌کنیم! حرف من این است.

من در پیام گفتم که مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت نمی‌کنم؛ ابداً! چه ریاضتی؟ بحمدالله ملت ما احتیاج به ریاضت ندارد. من آنها را به قناعت، به صرفه‌جویی و به اسراف نکردن دعوت می‌کنم. اسراف، حرام است. این هم نمی‌شود که من و شما، مرتب دیگران را نصیحت کنیم، همه باید سعی کنند که اسراف را از زندگی شخصی و از زندگی کاری خودشان دور کنند.

من در پیام عرض کردم که مسئولین دولتی باید فهرستی درست کنند و موارد اسراف را به مردم یاد دهند. این یک مطلب از مطالبی که ما در پیام امسال عرض کردیم؛ حال هم تأکید می‌کنیم و توقع داریم که مردم، توجه و دنبال کنند. ان شاءالله از آن، سود کشور حاصل شود.<sup>۱</sup>

### اسراف مسؤولان دولتی از مردم عادی مضر تر است

مسؤولان کشور، راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند. من به صورت کلی این را عرض می‌کنم. خود مسؤولان دولتی هم نباید اسراف کنند. اسراف مسؤولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضر تر است؛ زیرا که این اسراف در بیت‌المال است. بنابراین مسؤولان، فهرستی از مثالهای صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف را ردیف کنند و آن را به مردم بگویند و تعلیم دهند که چگونه می‌شود صرفه‌جویی کرد.<sup>۲</sup>

۱. سخنرانی در صحن امام خمینی مشهد مقدس ۱۳۷۷/۱/۱.

۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶ ۱۳۷۵/۱۲/۲۹.

## فصل ششم

### ارزشها

### عدم غفلت از ارزشهای متعالی نظام اسلامی

من باید این نکته را بگویم؛ برای اینکه اینها به صورت یک سرفصل فراموش نشدنی، همواره در ذهنها بماند. ما در تمام این کار بزرگی که برعهده داریم - در مراحل گوناگون آن - بایستی از اهداف و ارزشهای متعالی نظام اسلامی، یک لحظه غفلت نکنیم. اگر کار سازنده ما، با غفلت از آن اهداف انجام گیرد، خوف انحراف این کار از آن اهداف وجود دارد. چون ما انسان و بشریم؛ اگر اندکی غفلت کنیم، ممکن است از «صراط مستقیم»، به سمت چپ و راست منحرف شویم.<sup>۱</sup>

### رعایت ارزشهای اسلامی، یگانه نجاتبخش کشور

مأموران نظام در هر بخش، مخصوصاً در بخشهای کارشناسی و برنامه‌ریزی، باید بدانند که یگانه نجاتبخش کشور و ملت از شر سلطه دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل - که میراث شوم طواغیت است - رعایت ارزشهای اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعدادهای انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است؛ و هم این است که کشور راز وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد.<sup>۲</sup>

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۵/۶/۸.

۲. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳.

### انقلاب و تغییر ارزشها در جامعه

نگذارید دنیا طلبان، پُرو عزیزهای بی جهت در جامعه، و فرهنگ سازهای دست‌نشانده دشمنان دین و انقلاب فضا را طوری کنند که فرزند جانباختار نتواند افتخار کند فرزند جانباختار است.<sup>۱</sup>

انقلاب برای این نیست که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند؛ انقلاب برای این است که ارزشها در جامعه تغییر کند؛ اعتبار و ارزش انسان به عبودیت خدا باشد؛ انسان بنده خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبیر کند، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفاسد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند؛ هر کدام ما از خودمان شروع کنیم.<sup>۲</sup>

### هنر در خدمت ارزشهای والای اسلام و انقلاب

هنر باید در خدمت هدفی باشد. لذا اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که هر کدام از هنرمندان بزرگ عالم، هنرهای خودشان را در خدمت اهدافی قرار می‌دادند. اهداف امروز ما، همین مقدسات و ارزشهای والای اسلام و انقلاب است. این هنر به این برجستگی را باید در خدمت آن هدفها به کار برد.<sup>۳</sup>

### هنر را مغتنم بشمارید

هنر را مغتنم بشمارید و در جهت اسلامی به کار ببرید. هنر را با معیارهای اسلامی یاد بگیرید و یاد بدهید و آن را به کار ببرید، تا بتوانید مفاهیم و ارزشهای الهی و اسلامی را به مردم نشان بدهید. امروز دنیا محتاج حقایق اسلامی است.

۱. دیدار جانباختار و خانواده‌های ایشان ۱۳۸۴/۸/۴.
۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۷/۵.
۳. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه فرش در حسینیه امام خمینی ۱۳۷۰/۸/۲۹.

### راز سعادت جامعه در گرو ایمان

ملت ایران، امروز به نام اسلام، کار و تلاش می‌کند و برای اسلام، جهاد و مجاهدت می‌نماید. و این همان معجزه‌ای است که در دوران ما اتفاق افتاد که یک نظام اجتماعی بر اساس دین خدا و مفاهیم و ارزشهای الهی شکل بگیرد. با محاسبات مادی، چنین چیزی اصلاً تصور نمی‌شد. ملت‌های مسلمان، حقیقتاً مجذوب این حرکت هستند. این مبالغه نیست؛ واقعیتی است که وجود دارد. علی‌رغم این همه تبلیغاتی که علیه جمهوری اسلامی شده، ما می‌بینیم که باز ملت‌های اسلامی، نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی خوشبینند و در جهت همین روند، حرکت می‌کنند. امروز در دنیا، کمتر ملت اسلامی‌ای است که تحت تأثیر این حرکت قرار نگرفته باشد.

در صورتی این شوق و این امید در ملتها باقی می‌ماند که ما از ایمان بی‌قید و شرط و پابندی کامل به دین خدا، یک سرسوزن تنزل و تنازل نکنیم. در معامله با قدرتهای جهانی، همین طور است. در برخورد با مسائل جهانی، همین طور است. در تنظیم سیاست خارجی، همین طور است. در اداره داخلی کشور، همین طور است. باید آن راز سعادت جامعه را - که گرد آمدن بر محور ایمان به خداست - در زندگی و نظام اجتماعی خودمان، هر لحظه قوی‌تر و برجسته‌تر کنیم؛ ملت را به سمت تربیت اسلامی بیشتر و عمیق‌تر سوق بدهیم؛ عناصر جوان جامعه را به تربیت اسلامی تربیت بکنیم؛ دانشگاه‌های ما، وظیفه تربیت جوان مسلمان و متخصص و عالم مسلمان - نه صرفاً عالم - را بر دوش خودشان احساس کنند؛ مدارس ابتدایی هم همین طور. کاری کنیم که در جامعه، ارزشهای اسلامی، ارزشهای مطلق به حساب بیاید و همه ارزشهای دیگر، در مقابل آنها کم‌رنگ باشد. صدا و سیما در این جهت، حرکت و تلاش و برنامه‌ریزی بکند.<sup>۱</sup>

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت وزیران، در استانه هفته دولت ۱۳۶۹/۶/۱.

عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگویش فاطمه زهرا یا زینب کبری علیها السلام باشد، این است.

... زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند؛ همچنان که زنان ایران عظمت آفریدند؛ اینها تعارف نیست.<sup>۱</sup>

### زینب و فاطمه زهرا علیها السلام الگوی زنان

این، شخصیت جامع‌الاطراف فاطمه زهراست. این، الگوست. الگوی زن مسلمان این است. زن مسلمان باید در راه فرزانتی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزای - پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند؛ در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزندان باشد؛ مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پر مهر و پر عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسانهای بی عقده، انسانهای خوش‌رو و حیه، انسانهای سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامان او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و بالارزش‌تر است. بزرگ‌ترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ یک از اینها اهمیت آن را

۱. دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۳۲.

این آفتاب درخشان مفاهیم قرآن و معرفت قرآنی، امروز در دنیا مورد احتیاج ملتهاست.<sup>۱</sup>

### چادر بهترین نوع حجاب

باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه ما احیاء بشود. مثلاً مسئله حجاب، یک مسئله ارزشی است. مسئله حجاب، مسئله‌ای است که اگرچه مقدمه‌ای است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسئله ارزشی است. ما که روی حجاب این قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاههای بسیار لغزنده‌ای که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.

... به نظر ما، بحثهایی که در باب پوشش زن می‌شود، بحثهای خوبی است که انجام می‌گیرد؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بحثی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از تجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بیاییم با خودمان فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نباشد؛ این فکر غلطی است. نه اینکه من بخوام بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می‌گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد. اگر واقعاً بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و - همان‌طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است.<sup>۲</sup>

### الگوی زن مسلمان

زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه زهرا باشند، کارش

۱. دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقدار مختلف مردم ۱۳۷۰/۸/۱.

۲. دیدار اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان ۱۳۷۰/۱۰/۴.

همه قرار دهد. تأثیری که از اسلام پذیرفته. این بُعد است. شخصیت زن اسلامی به برکت ایمان و دل سپردن به رحمت و عظمت الهی، آن چنان سعه و عظمتی پیدا می‌کند که حوادث بزرگ در مقابل او، حقیر و ناچیز می‌شود.

... عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور و احساس عاطفی، صراحت زبان، متانت دل، استواری روح؛ در عین حال، مادرانه، خواهرانه، با همه انسانها برخورد کردن، در محیط خانه شمع محبت را روشن نگه داشتن، همسر و فرزندان را بر سر سفره محبت و عاطفه خود دور هم جمع کردن؛ اینها خصوصیات زن مسلمان است.<sup>۱</sup>

**عدم توجه به تحول و تغییر ارزشها، موجب تعجر و انحراف**  
 آنهایی که به ارزشها توجه می‌کنند و تحول و تغییر و پیشرفت را ندیده می‌گیرند، خطر تعجر تهدیدشان می‌کند؛ باید مراقب باشند. آنهایی که به تحول و تغییر توجه می‌کنند و ارزشها را در درجه اول قرار نمی‌دهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ اینها هم باید مراقب باشند. هر دو طرف باید مواظب باشند. مبدا گروه اول دچار جمود و تعجر شود. مبدا گروه دوم دچار انحراف و زمینه‌سازی برای دشمن و مخالفان اساس ارزشها شود. اگر دو گروه این توجه را داشته باشند، آن وقت جامعه می‌تواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد.

پس یک خطر، عبارت شد از اینکه دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر

۱. دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۲۵.

ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او، مادر است. این، آن الگوی زن اسلامی است.

... من بارها به گویندگان و مبلغین قضیه زن عرض کرده‌ام: این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم؛ این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است». ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه. برای آنکه چشم او لذت نبرد. دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آنهایی که زن را تشویق می‌کنند که خود را به گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچک و بزرگ به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل می‌کنند؟ آنها باید جواب بدهند.

... محیط دانشگاهها بسیار مهم است. در محیط دانشگاهها، خانمهای دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاههای کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی احترامی کنند. اجازه ندهید که اینها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگورش فاطمه زهرا علیها السلام است. و این، برای آینده کشور فوق العاده مهم است.<sup>۱</sup>

### تأثیر شخصیت زن اسلامی از اسلام

شاید مهم‌ترین بُعدی که شخصیت زن اسلامی می‌تواند آن را در مقابل چشم

۱. دیدار گروهی از بانوان ۱۳۷۱/۹/۲۵.

جنگی، در شمار وظایف مهم کنونی است. این کار و بازسازی یادگارهای دوران مقاومت پیروز و تشکیل موزه جنگ، باید در برنامه‌های دولت و سازمانهای نظامی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### تخلّف از برنامه توسعه باید ضد ارزش محسوب شود

طراحی و اتقان سرعت دادن به برنامه و پیروی از آن، باید ارزش بشود. اگر روزی کسی خود را مأمور می‌دانست که به اجتهاد خودش عمل کند، این دیگر بایستی تمام بشود و از بین برود. اجتهاد و تشخیص و فهم شخصی، باید در چارچوب برنامه - و نه بیرون از برنامه - باشد. این کار باید یک تلقی بشود و تخلّف از برنامه، ضد ارزش محسوب گردد. اگر برنامه نقص دارد، کاملش کنید؛ اما وقتی برنامه وجود دارد، باید همه به‌عنوان چارچوب کار بپذیرند. تمام دستگاههای دولتی و مجلس و قضایی و نظامی، باید این کار برایشان ارزش باشد و مسابقه برای اینکه بخشهای گوناگون برنامه، حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده تحقق پیدا کند، راه بیفتد. یکی از خصوصیات برنامه، «زمان» است که باید در وقت یا زودتر از وقت، تحقق پیدا کند.<sup>۲</sup>

### تبیین، مستند و مستدل کردن قضایای دوره دفاع مقدس

برای حوزه هنر کشور، یکی از مهم‌ترین جلوه‌گاهها، دوره جنگ تحمیلی بر ما و دوره دفاع مقدس بوده و هنوز هم هست؛ باید از این استفاده کرد. ... قضایای دوره دفاع مقدس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا براساس آنها آثار هنری به‌وجود بیاید، که کاملاً درست است.

۱. پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی. ۱۳۶۸/۶/۳۰.

۲. دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی. ۱۳۶۸/۱/۱۹.

دو طرف نفوذ می‌کند: از آن طرف به‌عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هرگونه تحوّل مخالف می‌کند؛ حتی با راههای رفته هم مخالفت می‌کند و می‌خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناک‌تر، این طرف قضیه است؛ به‌عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تدین مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفت؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفت؛ با نام دین هم مخالفت، ولو به زبان نیاورند! اینها به نام تحول، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میداننداری کنند. اینها ممکن است در بدنه اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. اما از آن خطرناک‌تر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند. همان چیزی اتفاق بیفتد که در صحنه مطبوعات و صدا و سیمای دنیای غرب اتفاق می‌افتد؛ یعنی سرمایه‌سالاری. همچنان که رادیوها و تلویزیونهای بین‌المللی امپراتوری خبری دنیا در دست سرمایه‌دارهاست، اینها به داخل کشور ما بیایند و مراکز فرهنگی را هم تصرف کنند و از طریق فرهنگی بخواهند اثر بگذارند. این همان چیزی است که بنده چند سال قبل از این، نشانه‌های آن را در گوشه و کنار مشاهده کردم و «تهاجم فرهنگی» را گفتم. بعضی پذیرفتند، بعضی هم اصلش را انکار کردند و گفتند اصلاً تهاجم فرهنگی وجود ندارد!<sup>۱</sup>

### ضرورت تشکیل موزه جنگ

همان گونه که امام عزیز فرمودند، حفظ آثار جنگ در بعضی از شهرها و مناطق

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۳/۲۳.



این گونه عمل کرده: نه به نظر من غیرعادی می‌آید. البته تقصیر از مسئولان و سردمداران مسائل هنری و فرهنگی کشور است؛ آنها هم باید سازماندهی کنند؛ باید کار کنند.

... آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بر روی قهرمانهای ملت‌ها متمرکزند؛ حتی آنجایی که شکست خوردند. در لشکرکشی ناپلئون به روسیه، دو نفر روایتگر بزرگ هنری، این ماجرا را روایت کردند: یکی فرانسوی است که ویکتور هوگوست؛ یکی روسی است. طرف شکست خورده، که اول کار شکست خورد. که تولستوی است. آن طرف پیروز طبعاً گرازشهایی را ممکن است بدهد؛ اما شما ببینید، در این کتاب آن طرف شکست خورده، شکست را آن چنان تصویر می‌کند که مایه غرور و سربلندی ملت است. یعنی در حرکت ملت، آن نقاط ارزشمندی را که یک هنرمند می‌تواند ببیند، اینها را بیرون می‌کشد، برجسته می‌کند، رنگ و روغن می‌زند و جلو چشمها می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### جایگاه حقیقی و والای خاطرات دفاع مقدس

بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری علیها السلام است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب نمی‌بود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه اهل بیت علیهم السلام - حضرت سجاد و دیگران - نمی‌بودند، حادثه عاشورا در تاریخ نمی‌ماند. بله، سنت الهی این است که این گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه سنت‌های الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ این است که اصحاب بزرگ، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقائق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند. بنابراین خاطره گویی و تدوین و پخش خاطرات را باید در جایگاه حقیقی خودش نشانند، که جایگاه بسیار بالا و

۱. دیدار مدیران و هنرمندان دفاع مقدس ۱۳۷۹/۷/۶.

... ما هرچه برای دوره دفاع مقدس سرمایه گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده خوب و درخوری نشده.<sup>۱</sup>

### فهرست نمودن حوادث هشت سال دوره دفاع مقدس

این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من می‌خواهم این راز جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری‌ای که تا امروز درباره جنگ شده است. که البته بسیار هم ارزشمند است. ببینند که چقدر از این فهرست را ما بر کرده‌ایم. من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!

... بعضی از آثار در گوشه و کنار پیدا می‌شود که نه فقط عظمت را نمی‌بینند؛ می‌گردند یک نقطه ضعفی، یا واقعی، یا حتی پنداری، پیدا می‌کنند و آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند! هدف از این کارها چیست؟ چرا باید ما این فرآورده عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است. این گونه مردانه ایستاده و این طور شجاعانه دفاع کرده. ما بپاییم آن رازبر سؤال ببریم؛ آن هم با زبان هنر؟! این کارها را می‌کنند. اینها به نظر من تصادفی هم نیست؛ یعنی نمی‌شود گفت حالا یک هنرمند به این فکر افتاده که می‌شود

۱. دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت ۱۳۸۴/۶/۳۱.

### از بین بردن هویت ایرانی و اسلامی ملت

همیشه باید گذشته‌ها را زنده نگه‌داشت. یک عده از بدخواهان ملت ایران و اسلام سعی می‌کنند گذشته‌های پُرافتخار این ملت را به بوته فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کنند مردم را از گذشته پُرافتخار خودشان جدا کنند؛ این خیانت است. گذشته ملت ایران را، چه دوران متمدن پُرافتخار ما - به‌خصوص بعضی از نقطه‌های اوج آن - و چه گذشته ملت عزیز ایران در بیست و پنج شش سال اخیر که هر روز یک حادثه و یک حماسه و یک عظمت‌آفرینی است، مطلقاً نباید فراموش کرد؛ عرصه‌های دفاع مقدس را نباید فراموش کرد؛ پیروزیهایی را که جوانان شهادت‌میدانهای دشوار به‌دست آورده‌اند، نباید بگذارید فراموش شود؛ این پیروزیه‌ها بسیار بزرگ است؛ فقط پیروزی در یک جنگ و پیروزی بر یک دشمن متجاوز نیست؛ پیروزی بر دنیای استکبار قهار جهانی است که وقتی می‌بیند در یک نقطه حساس دنیا مثل ایران، ملتی به پا خاسته و استقلال خود را در زیر سایه دین به‌دست آورده است، احساس می‌کند همه محاسبات او غلط از آب درآمده؛ لذا با همه وجود به میدان مبارزه با این ملت می‌آید. پیروزی شما در دوران بیست و پنج شش سال گذشته در میدانهای مختلف، پیروزی بر چنین دشمنی است. این، برای همه ملت‌ها و همه نسل‌های ما در آینده، درس است. خلاصه این درس هم این است که اگر ملتی عمل و تلاش خود را با ایمان و اعتقاد جازم همراه کند، پیروزی او در مقابل هرگونه دشمنی قطعی است. از این درس - که هرگز نباید آن را فراموش کنیم - باید برای آینده بهره بگیریم.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۳/۳.

ولایی است و بسیار مهم است.

بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کمالاتی که خطبه حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذابیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ‌کس نمی‌تواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می‌شنود، مثل تیر ترنده و تیغ تیزی، خواهی نخواهی این بیان کار خودش را می‌کند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب رضی الله عنها و امام سجاد در خطبه شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام این کارها را کردند.<sup>۱</sup>

### نابود کردن فرهنگ کشورها

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه، اولین کاری که سلطه‌گران می‌کنند - که از قدیم مرسوم بوده است - این است که فرهنگ این کشورها را؛ زبانان، ارزشهایشان، سنتها و ایمانشان را با تحقیر، با فشار، با زور، و در مواقعی به زور شمشیر و در آوردن چشم - که در تاریخ مواردی از آن را داریم - نابود می‌کردند و نمی‌گذاشتند که مردم به زبان خودشان تکلم کنند؛ برای اینکه زبان وارداتی را قبول کنند. وقتی انگلیسیها به شبه قاره هند آمدند، زبان فارسی را که زبان دیوانی رایج بود، نگذاشتند پیراجا بماند و با گلوله و با فشار گفتند که حق ندارید فارسی حرف بزنید؛ فارسی را منسوخ کردند؛ انگلیسی را به جایش آوردند. در دوره حکومت سیاه پهلویها هم باورهای مذهبی و عمومی و نیروبخش به جامعه؛ ایمان و اعتقادات، را از مردم بتدریج بیرون کشاندند و غیرت‌زایی و ایمان‌زایی کردند.<sup>۲</sup>

۱. دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت ۱۳۸۴/۶/۳۱.

۲. دیدار اعضای شوراها و هیأت علمی جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱.

Leader\_Khamenei.com

فصل هفتم

الگوها

### مسؤولین خود را با الگوی اسلامی منطبق کنند

هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسؤولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقویاتان، رعایتان نسبت به حال مردم، رعایتان نسبت به شرع، رعایتان نسبت به بیت‌المال، اجتنابان از خودخواهیها و خودپرستیها و رفیق‌بازیها و قوم و خویش پرستیها و اجتنابان از تنبلی و بی‌کاری و بی‌عملی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه‌ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام این کار را می‌کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن‌طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه‌مان وظیفه داریم.<sup>۱</sup>

### امیرالمؤمنین بهترین الگوی مسؤولان

ما به تاسی و پیروی کردن از امیرالمؤمنین احتیاج داریم. امیرالمؤمنین در

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲.

شاخص چهارم، صفا و اخوت است. در نظام نبوی، درگیریهایی برخاسته از انگیزه‌های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت‌طلبی مبنوعض است و با آن مبارزه می‌شود. فضا، فضای صمیمیت و اخوت و برادری و همدلی است. شاخص پنجم، صلاح اخلاقی و رفتاری است. انسانها را تزکیه و از مفساد و رذائل اخلاقی، پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مرکزی می‌سازد؛ «و بزرگیم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»<sup>۱</sup> تزکیه، یکی از آن پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکایک افراد، کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد.

شاخص ششم، اقتدار و عزت است. جامعه و نظام نبوی، توسری خور، وابسته، دنباله‌رو و دست حاجت به سوی این و آن درازکن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را پیش می‌برد.

شاخص هفتم، کار و حرکت و پیشرفت دائمی است. توقف در نظام نبوی وجود ندارد؛ به طور مرتب، حرکت، کار و پیشرفت است. اتفاق نمی‌افتد که یک زمان بگویند: دیگر تمام شد؛ حال بنشینیم استراحت کنیم! این وجود ندارد.<sup>۲</sup>

### خشونت و نرمش هر دو لازم است

اسلام درباره معاشرت و اخلاق فردی پیامبر می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك»<sup>۳</sup> پیامبر را به خاطر نرمش او و به خاطر لينتش در برخورد با مردم، ستایش می‌کند و می‌گوید تو غليظ و خشن نیستی. همین قرآن در جای دیگر به پیامبر می‌گوید: «يا أيها النبي جاهد الكفار و

۱. قرآن کریم، سوره جمعه، آیه ۲.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۷/۲۸.

۳. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

شخصیت خود، مظهر خصوصياتی است که امروز اگر ما مردم و مسؤولان این خصوصيات را در رفتار و گفتار خودمان منعکس کنیم، جامعه اسلامی مان‌اوج و اعتلاء پیدا خواهد کرد. راه تعالی و پیشرفت و اصلاح دنیا و آخرت یک ملت، یک راه پیمودنی است.

... امروز هم می‌گویم؛ وظیفه مسؤولان سنگین است. باید رفتار علوی در میان ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی نهادینه شود. آن روز است که هیچ‌گونه آسیب و خطری این نظام را تهدید نخواهد کرد.

... اگر عملکرد مسؤولان در گذاردن و اجرای قانونها، در صداقت و پاکدامنی، در تلاش و خستگی‌ناپذیری، در به میان آوردن ابتکارهای خلاق و کارساز، در الگوقرار دادن انسانهای برجسته و نمونه، در طرد کردن انسانهای فاسد - که این زمینه‌ها هم جز با ایمان مخلصانه به خدا به طور کامل میسر نیست - عملکرد خوبی باشد، ملت احساس اقتدار می‌کند.<sup>۱</sup>

### هفت شاخص مهم در نظامی که پیغمبر ساخت

نظامی که پیغمبر ساخت، شاخصهای گوناگونی دارد که در بین آنها هفت شاخص از همه مهم‌تر و برجسته‌تر است:

شاخص اول، ایمان و معنویت است.

... شاخص دوم، قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر

حقی به حقدار - بدون هیچ ملاحظه - است.

شاخص سوم، علم و معرفت است. در نظام نبوی، پایه همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص، به نیروی فعال - نه نیروی منفعل - بدل می‌کنند.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد ۱۳۸۰/۱/۱.

پوشیده و آمده‌اند! فرمود چرا اینها را پوشیده‌اید؟ گفتند غنیمت و زکات است؛ لذا متعلق به ماست! فرمود تا قبل از آنکه به پیامبر برسد - به تعبیر امروز - به خزانه وارز شود - قابل تقسیم نیست؛ این خلاف مقررات و خلاف دین است. لذا حله‌ها را از آنها گرفت. بعضی نمی‌دادند، به زور از آنها گرفت. طبیعی است اگر از کسی امتیازی را بگیرند، چنانچه خیلی مؤمن نباشد، ناراحت می‌شود. پیش پیامبر آمدند و از امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کردند؛ پیامبر فرمود: چرا شکایت می‌کنید؛ مگر چه شده است؟ عرض کردند علی آمد و اینها را از ما گرفت. پیامبر در جواب آنها گفت: علی را بر این کار ملامت نکنید؛ «الله خشن فی ذات الله»؛<sup>۱</sup> او در مسأله مقررات خدایی، مرد خشنی است. آن مرزی که اسلام معین می‌کند، همین است.<sup>۲</sup>

### زندگی پیامبر الگوی مسوولین

زندگی پیامبر، رفتار آن حضرت با مردم بود. هرگز خلق و خوی مردمی و محبت و رفق به مردم و سعی در استقرار عدالت در میان مردم را فراموش نکرد؛ مانند خود مردم و متن مردم زندگی کرد؛ با آنها نشست و برخاست کرد؛ با غلامان و طبقات پایین جامعه، دوستی و رفاقت کرد؛ با آنها غذا می‌خورد؛ با آنها می‌نشست؛ با آنها محبت و مدارا می‌کرد؛ قدرت، او را عوض نکرد؛ ثروت ملی، او را تغییر نداد؛ رفتار او در دوران سختی و در دورانی که سختی بر طرف شده بود، فرقی نکرد؛ در همه حال با مردم و از مردم بود؛ رقی به مردم می‌کرد و برای مردم عدالت می‌خواست. ... با اینکه پیامبر هیبت الهی و طبیعی داشت و در حضور او مردم دست و پای خودشان را گم می‌کردند، اما او با مردم ملاطفت و خوش اخلاقی می‌کرد. وقتی در جمعی نشسته بود، شناخته نمی‌شد که او پیامبر و فرمانده و بزرگ این جمعیت

۱. از شاد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱/۲۶.

المنافقین و اعطظ علیهم»؛<sup>۱</sup> با کفار و منافقان با خشونت رفتار کن. همان ماده غلط که در آیه قبلی بود، در اینجا هم هست؛ منتهای آنجا با مؤمنین است، در معاشرت است، در رفتار فردی است؛ اما اینجا در اجرای قانون و اداره جامعه و ایجاد نظم است؛ اینجا غلظت بد است؛ اینجا خشونت خوب است. آنجا خشونت بد است؛ اینجا خشونت خوب است.

پیامبر اکرم وارد مکه شد و با مردمی روبه‌رو گردید که سیزده سال او را ادیت و تکذیب و شکنجه کرده و همه سختیها را بر سر او آورده بودند؛ اما به همه آنها گفت شما آزادید؛ از آنها انتقام نگرفت. ولی در همان سفر، پیامبر عده‌ای را به نام ذکر کرد و گفت هر کجا اینها را یافتید، بکشید! در میان آنها، چهار نفر زن و چهار نفر مرد بودند. اینجا خشونت لازم بود؛ اما آنجا نرمش لازم بود.

... وقتی که پیامبر در سال هشتم هجری برای حج آخر - حجّه الوداع - به مکه رفته بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام در یمن مأموریت داشت. پیامبر آن حضرت را به یمن فرستاده بود، برای اینکه در آنجا دین را به یمنیها یاد دهد؛ زکات آنها را بگیرد و کمکشان کند. وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام شنید که پیامبر به حج رفته است، به سرعت خود را به مکه رساند. از مردم یمن می‌آلنی زکات گرفته شده بود که در بین آنها مقداری حله یعنی هم وجود داشت؛ یعنی لباسهای دوخت یمن آن روز که بسیار مطلوب و مقبول بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرصت نداشت که باین کاروان حرکت کند. او عجله داشت خودش را به پیامبر برساند؛ لذا یک نفر را در رأس کاروان گذاشت که آن اموال را بیاورد؛ خودش را هم به پیامبر در مکه رساند که اول اعمال حج با پیامبر باشد. بعد که آن کاروان رسید، امیرالمؤمنین علیه السلام سراغ آنها رفت؛ اما دید حله‌های یمنی را در غیاب حضرت، بین خودشان تقسیم کرده و هر کدام یک حله زیبا

۱. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۷۳.

مسئولیتی دارم، باید بگویم و دیگران بی‌چون و چرا حرف من را گوش کنند، «ادغال فی القلب» است؛ دل تو را فاسد می‌کند. «و منهكة للدين» منهنکه، یعنی ضعیف‌کننده روح دین، دینداری و ایمان انسان. «و تقرب من الغير» این حالت، تغییرات ناخواسته را نزدیک می‌کند. اعجاب به نفس و غرور و اینکه در مسئولیتی که من هستم، کسی نباید روی حرف من حرف بزند، از آن چیزهایی است که تغییر را نزدیک می‌کند؛ تغییری که برای انسان نامطلوب است؛ تغییرات زمانه که آدم نمی‌خواهد پیش بیاید؛ یعنی ملک و دولت و اقتدار و توانایی و فرصتهای خدمت را از انسان می‌گیرد.

یک جمله دیگر این است که می‌فرماید: «انصف الله وانصف الناس من نفسک و من خاصة اهلك و من لک فيه هوی من رعینک»، معنای «انصف الناس من نفسک» در عربی این است که داد مردم را از خودت بگیر. «انصف من نفسک» یعنی داد کسی را از خودت بگیر؛ خودت را در مقابل او محکوم کن؛ از خود به نفع دیگران بازخواست کن. حضرت در اینجا می‌گوید: «انصف الله من نفسک»؛ داد خدا را از خود بگیر. معنای این جمله این است که در مقابل خدا کاملاً احساس مسئولیت کن و خودت را در قبال تکلیف الهی محکوم کن. این‌طور نباشد که خیال کنی آنچه را که بر عهدۀات بوده، به تمام و کمال انجام داده‌ای؛ نه، همیشه خودت را بدهکار و مدیون بدان. این در مورد خدا. آن وقت «انصف الناس من نفسک»؛ داد مردم را هم از خودت بستان؛ یعنی همیشه در قضاوت‌های خودت مردم را حاکم و طلبکار و مجق بدان و خودت را بدهکار. البته این معنایش این نیست که در موردی هم که ظلم بخصوصی به تو دارد می‌شود، باز بگویی حق با من نیست؛ نه، این نگاه عمومی است. مردم مطالبات دارند، حرف می‌زنند، صدایشان بلند می‌شود، گاهی سر آدم داد می‌کشند؛ فرض بفرمایید در ادارهای جمعی مراجعه می‌کنند و حرفی می‌زنند؛ اولین فکری که به ذهنت می‌رسد، این نباشد که اینها را تحریک کرده‌اند تا بیایند علیه من. که هیچ تقصیری ندارم.

است. مدیریت اجتماعی و نظامی او در حد اعلی بود و به همه کار سر می‌کشید. البته جامعه، جامعه کوچکی بود؛ مدینه بود و اطراف مدینه، و بعد هم مکه و یکی، دو شهر دیگر؛ اما به کار مردم اهتمام داشت و منظم و مرتب بود. در آن جامعه بدوی، مدیریت و دفتر و حساب و محاسبه و تشویق و تنبیه را در میان مردم باب کرد. این هم زندگی معاشرتی پیامبر بود، که باید برای همه ما - هم برای مسؤلان کشور، هم برای احاد مردم - اسوه و الگو باشد.

... در روز عزت، در روز ذلت، در روز سختی، در روز راحتی، در روزی که دشمن انسان را محاصره کرده است، در روزی که دشمن با همه عظمت، خودش را بر چشم و وجود انسان تحمیل می‌کند، و در همه حالات خدا را به یاد داشتن، خدا را فراموش نکردن، به خدا تکیه کردن، از خدا خواستن؛ این، آن درس بزرگ پیامبر به ماست.

... راز اصلی عبودیت پیامبر در مقابل خدا این است؛ هیچ قدرتی را در مقابل خدا به حساب نیارودن، از او و اهرمه نکردن، راه خدا را به خاطر اهوای دیگران قطع نکردن. جامعه ما با درس گرفتن از این اخلاق نبوی، باید به یک جامعه اسلامی منقلب شود.<sup>۱</sup>

### منطق علوی در باب مسائل کلان اداره کشور

و اما آنچه ما از کلمات حضرت در این نامه انتخاب کردیم، چند جمله است: یک جمله این است که حضرت می‌فرمایند: «ولا تقولن ائی مؤتمراً فاطاع»؛ این‌طور نباشد که تو بگویی چون در این کار به من مسؤلیت سپرده شد، من باید دستور بدهم و دیگران از من اطاعت کنند. «ولا تقولن» یعنی با تأکید و مبالغه می‌گوید مبدا چنین فکری بکنی و چنین حرفی بزنی. این روحیه که من اینجا چون

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۱/۱۵.

جنجال کنند؛ نه، اولین فکر این باشد که اینها مطالبه به حقی دارند؛ من مسؤولم بینم اینها چه می‌گویند.

بنابراین هم داد مردم را از خود بستان، هم «من خاصة اهلك» از کسان نزدیک خود؛ فرزندان، برادر و قوم و خویش. «ومن لک فيه هوی من رعیتک»؛ اگر در بین مردم قشر و جماعتی هستند که مورد حمایت خاص تو هستند، از آنها هم داد مردم را بگیر. شما به‌عنوان یک حاکم، یک رئیس یا یک وزیر، وقتی طرفدار قشری هستی، قهراً به آن قشر امکاناتی تعلق می‌گیرد و آن قشر تمکنی پیدا می‌کند که همین امکان تطاول آنها بر حقوق مردم را به وجود می‌آورد؛ پس حواستان باشد.

یک جمله دیگر در این فرمان بسیار مهم این است که «ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة»؛ فهرست کارهایی که انسان باید انجام دهد، یک چیز طولانی است و به همه اینها هم نمی‌رسد. حضرت می‌فرماید: محبوب‌ترین کاری که می‌خواهی انتخاب کنی، اولاً «اوسطها فی الحق» یعنی وسط‌تر باشد. وسط، یعنی میانه افراط و تفریط؛ نه در آن افراط وجود داشته باشد، نه تفریط. حق هم درست همین است؛ هیچ‌گاه نه در جهت افراط است، نه در جهت تفریط. «اوسطها فی الحق» یعنی به‌طور کامل در آن رعایت حق بشود؛ یعنی دقیقاً در حد وسط بین افراط و تفریط باشد. ثانیاً «و اعمها فی العدل» باشد؛ عدالتی که از آن ناشی می‌شود، سطح وسیع‌تری از مردم را فرا بگیرد. گاهی ممکن است کاری عادلانه باشد؛ اما کسانی که از این عدل سود می‌برند، جماعت محدودی باشند. ممکن است کاری ظلم هم نباشد، کار عادلانه و درستی هم باشد؛ اما دایره این کار، محدود باشد. یک وقت نه، انسان دایره وسیعی از کار را مورد اهتمام خودش قرار می‌دهد و جماعت کثیری از آن استفاده می‌کنند. حضرت می‌فرماید این کار بیش تو محبوب‌تر باشد. محبوب‌تر بودن هم طبعاً معنایش این است که اگر امر دایره‌شد بین این کار و یک کار دیگر،

این را انتخاب کنی؛ یعنی همان اولویتها و تقدمهایی که ما همیشه می‌گوییم رعایت کنید. این، یکی از ملاکهای اولویتهاست.

ثانیاً «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ دیگر اینکه کاری که انتخاب می‌کنی، رضایت مردم را با خودش داشته باشد. «رعیت» به مردم اطلاق می‌شود؛ یعنی کسی که مراعات او لازم است. رعیت چیز بدی نیست. بعضیها خیال می‌کنند رعیت فحش است! رعیت یعنی کسی که مراعاتش لازم است؛ یعنی توده مردم و عامه مردم. اصطلاح «ناس» و «رعیت» غالباً به قشر سواد مردم گفته می‌شود، نه گروههای خاص. تکیه امیرالمؤمنین و پیغمبر و قرآن هم روی همین مجموعه‌های عمومی مردم است؛ همین که ما عوام مردم می‌گوییم؛ یعنی رعیت و توده مردم و سواد مردم؛ همین چیزی که خواص خاص خرج کنی امروز، با طرح آن در مسائل سیاسی و اجتماعی مخالفند و اسمش توده گرانی و پوپولیسم است. اینکه جماعت و حزب و گروه و دسته خاصی را انتخاب کنید و اینها بشوند محور تصمیم‌گیری و محور کار و طبعاً محور خیرات، خیلی خوش‌خیالی است؛ اینکه آدم خیال کند جماعت خاصی محور تصمیم‌گیری‌اند، کارها را آنها می‌کنند، انتصاحبها را آنها می‌کنند؛ اما وقتی نوبت تقسیم غنائیم می‌شود، خودشان را زاهدانه کنار می‌کشند و می‌گویند نخیر، بروید بدهید به مردم، دیدیم و تجربه کردیم که این‌طور نیست؛ منطقی هم این‌گونه نیست. لذا است که در منطق علوی، نگاه و توجه به عامه مردم است. گروههای خاص و قشرهای خاص و جماعت‌هایی که اسم خاص و عنوان خاصی پیدا می‌کنند برای خودشان تخصص خاصی به دست می‌آورند، مورد اعتبار نیستند؛ نه اینکه باید به اینها ظلم شود؛ نه، اینها هم مثل بقیه مردم تخصصی ندارند؛ از نظر اسلام تعینی ندارند؛ لذا می‌گوید: «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ باید رضایت عامه مردم جلب شود.

بعد حضرت استدلالی دارد که خیلی عجیب و جالب است. می‌فرماید: «فان سخط العامة یجحف برضی الخاصة»؛ ملاک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و



عدم رضایت عامه مردم است. چرا؟ چون اگر عامه مردم ناراضی داشته باشند، رضایت و خشنودی گروه‌های خاص از توکل با مال می‌شود و از بین می‌رود. ای بسا جماعتی به اسم روشنفکر و نخبگان سیاسی، طرفدار حکومت و حاکمی هستند، اما عامه مردم ناراضی‌اند؛ این ناراضی عمومی مردم، خشنودی و رضایت آن جماعت ویژه را لگدمال می‌کند و از بین می‌برد؛ کم‌اینکه دیدیم همین کار را کردند. عکس این هم صادق است؛ و آن سخط‌الخاصه یغفر مع رضی‌العامه؛ اما اگر مردم را رضی کردی و رضایت عمومی را به دست آوردی، سخط و ناخشنودی گروه‌های خاص قابل بخشش است؛ یعنی خیلی اهمیتی ندارد و خیلی تأثیری نمی‌گذارد؛ بنابراین بروید سراغ رضی کردن عموم مردم. آن وقت حضرت نگاه حکیمانه‌ای دارد. ما هم در همین مدتهایی که دستمان توی کار بوده، این را واقعاً دیدیم، لمس کردیم، «ولیس احد من الرعیة انقل علی‌الوالی مؤونه فی الرخاء، و اقل معونه له فی البلاء، و اگره للانصاف، و اسأل بالاحفاف، و اقل شکراً عند الاعطاء، و ابطاً عدراً عند المنع، و اضعف صبراً عند ملتمات الذهر من اهل الخاصه»؛ گروه‌های خاص در همه‌جا مایه اذیتند؛ و لا در وقت رخاء و آسایش و فراوانی، مؤونه‌شان بر والی از همه بیشتر است؛ توقفاشان زیاد است؛ فلان چیز را به ما بدهید، فلان امکان را به ما بدهید. هنگام آسایش و راحتی کشور و دولت، که امنیت است و جنگی نیست و مشکلی نیست، بیشترین هزینه را بر حکومت غالباً همین گروه‌های خاص دارند. ما روی ضعف خودمان می‌گوییم غالباً، اما حضرت نه، به‌دور مطلق حکم کلی صادر می‌کنند؛ و اقل معونه له فی البلاء؛ در سختی‌ها کمترین مقدار کمک را اینها می‌کنند. مثلاً اگر جنگی پیش می‌آید، ناامنی‌ای پیش می‌آید، دشمنی حمله می‌کند، از این گروه‌های خاص هیچ خبری نیست؛ کمتر در میدان هستند. «و اگره للانصاف»؛ از همه نسبت به انصاف، ناخشنودتر و کاره‌ترند؛ از انصاف و عدل و مساوات، بیشتر از همه، اینها بدشان می‌آید. «و اسأل بالاحفاف»؛ از همه مصرتر در درخواست،

اینها بندگان. البته مردم معمولی هم نامه می‌نویسند و چیزی را درخواست می‌کنند؛ یک وقت انسان امکان دارد، اجابت می‌کند؛ یک وقت هم اجابت نمی‌کند؛ دیگر دفعه دوم و سوم ندارد. اما گروه‌های خاص - اینهایی که جزو ویژه‌خواران سیاسی و اقتصادی‌اند - اگر چیزی می‌خواهند، مثل کنه می‌چسبند. الحاف، یعنی الحاح و اصرار. ول نمی‌کنند تا بالاخره یک چیزی بکنند و ببرند. «و اقل شکراً عند الاعطاء»؛ وقتی به آنها چیزی می‌دهی، کمترین سپاس را می‌گذارند؛ گانه حتی بوده و باید به آنها می‌رسیده؛ هیچ شکرگزاری ندارند. مردم عادی و معمولی نه؛ اگر در فلان گوشه محروم مملکت، شما مدرسه کوچکی می‌سازید، دعا می‌کنند، محبت می‌کنند، شکرگزاری می‌کنند. در مقابل، اگر بهترین امکانات را هم به آن افراد بدهید، کم‌سپاس‌ترین هستند. «و ابطاً عدراً عند المنع»؛ وقتی انسان چیزی به آنها نمی‌دهد، اگر عذری هم داشته باشد، اینها عذر را قبول نمی‌کنند. «و اضعف صبراً عند ملتمات الذهر»؛ وقتی مشکلات زمانه پیش می‌آید، اینها از همه کم صبرترند. اگر بلائی طبیعی یا بلایای اجتماعی پیش بیاید، از همه کم صبرتر و نق‌زتر اینها بندگان؛ بی‌صبری نشان می‌دهند و هی پایه زمین می‌کوبند. «و آتما عماد الدین و جماع المسلمین و العده للاعداء العامه من الامة»؛ پایه دین، توده مردمند. این جمله را امیرالمؤمنین دارد می‌گوید. این اگر پوپولیسیم هم هست، پوپولیسیم علوی است؛ مورد احترام و تقدیس ماست. «و العده للاعداء»؛ در مقابل دشمن، عده و امکان و استعداد عبارتند از همین عامه. «فلیکن صغوک لهم و میلک معهم»؛ میل و گرایش عمومی‌ات به طرف عامه باشد. البته اینکه گفتیم «اوسطها فی الحق»، من این نکته را هم تذکر بدهم. پیدا کردن حد وسط با توجه به پیچیدگی‌های مسائل اقتصادی و اجتماعی امروز کار ظریفی است. هنر شما به‌عنوان وزیر و مدیر این است که بتوانید با ظرافت این کار را انجام دهید، که هم آنچه را که «اعم للعدل» و «اشمل للرضی‌العامه» و «اوسط الی

استعمال الامانة و الفرق بالرعية؛ این موجب می‌شود که اینها بتوانند امانت را بیشتر حفظ کنند.

بعد می‌فرمایند: «فان احد منهنم بسط يده الي خيانة اجتمعت بها عليه عندك اخبار عيونك»؛ اگر ثابت شد که کسی خیانت کرده - نه اینکه تاگزارشی رسید، فوراً به آن ترتیب اثر بدهید؛ نه، همه متفق باشند؛ یعنی معلوم باشد و گزارشهای متواتر و مسلمی برسد که این شخص خیانت کرده - آن وقت «اكتفيت بذلك شاهدا فبسطت عليه العقوبة في بدنه و اخذته بما اصاب من عمله»؛ دیگر باید مجازات شود. البته مجازات انواع و اقسامی دارد، شکلهای گوناگونی دارد، اقتضانات گوناگونی دارد؛ هر طور که اقتضای مجازات است، عمل شود.

... می‌فرماید «و آياك و الاعجاب بنفسك و الثقة بما يعجبك منها»؛ برحذر باش از اینکه خودشگفتی به سراغ تو بیاید. اعجاب به نفس، یعنی خودشگفتی؛ اینکه انسان از خودش خوشش بیاید. حضرت می‌گویند مواظب باش در این دام نیفتی. انسان گاهی در خودش امتیازاتی مشاهده می‌کند - فهم خوبی دارد، قدرت بدنی خوبی دارد، قدرت ذهنی خوبی دارد، اطلاعات وسیعی دارد، بیان و نثرهای دارد، صدای خوشی دارد، جمالی دارد - به مجرد اینکه دیدید نسبت به خودتان حالت خودشیفتگی وجود دارد - که معنایش این است که با دیدن این امتیازات، عیوب را در کنارش نمی‌بینید - بدانید که این خطر است؛ این همان چیزی است که می‌فرمایند برحذر باش. ممکن است شما بگویید من این امتیاز را در خودم می‌بینم، حالا چه کار کنم؟ بالاخره من مثلاً در میان این همه جمعیت شاگرد اول فلان دوره تحصیلی شده‌ام یا در فلان کار اساسی امتیاز برجسته‌ای به دست آورده‌ام؛ چه کار کنم؟ این امتیاز را نبینم؟ نه، این امتیاز را ببینید؛ اما آن نقصها و عیبها و کمبودها و نقاط بسیار منفی‌ای هم که در خودتان هست، در کنارش ببینید. آنچه انسان را شیفته خودش می‌کند، جمع‌بندی انسان است. ما نقاط خوب خود را می‌بینیم، اما نقاط نفرت‌انگیز و بد و زشت را

الحق» است، تأمین شود؛ هم با محاسبات صحیحی که امروز با توجه به پیچیدگی مناسبات اجتماعی و اقتصادی بر انسان تحمیل می‌شود، منافاتی پیدا نکند. این ظرافت را حتماً رعایت کنید.

... یک جمله دیگر از این نامه مبارک این است: «ثم انظر في امور عمالك»؛ کارها و امور کارگزاران خود را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فاستعملهم اختاراً»؛ با آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری‌ای که امروز بر زبان ماها تکرار می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام هم در اینجا به آن سفارش می‌کنند. «و لا تولهم محاباة و اثره»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاکها را در او رعایت نکنی - فقط چون رفیق ماست، انتخابش می‌کنیم - نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید می‌خواهم این فرد باشد؛ بدون اینکه ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند.

بعد خصوصیات این افراد را ذکر می‌کند: اهل تجربه باشند، اهل حیا باشند و ... بعد می‌رسد به اینجا که «ثم اسبغ عليهم الازراق»؛ وقتی کارگزار خوبی را انتخاب کردی، زندگی‌اش را تأمین کن. من همیشه به مدیران می‌گویم، در گذشته هم گفته‌ام، الان هم به آقای دکتر احمدی‌نژاد و به شماها می‌گویم؛ دائم مأموران و منتخبان خودتان را زیر نظر داشته باشید؛ دائم نگاه کنید و از اینها غافل نشوید. دیده‌اید که نگهبانها در شب نورافکنهایی را دائم می‌چرخانند و گوشه‌ها را نگاه می‌کنند؛ شما هم همین‌طور باید به‌طور دائم امور را زیر نظر داشته باشید و نگاه کنید؛ بنابراین از کارگزارانتان غفلت نکنید. «ثم تفقد اعمالهم»؛ یعنی از کارهای اینها جستجو کن، بین کار انجام می‌دهند یا نه؛ درست انجام می‌دهند یا نه؛ آیا تخلفی در کارهایشان وجود دارد یا خیر. «و ابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم»؛ کسانی را که چشم و گوش تو هستند، بگمار تا کارهای اینها را نگاه کنند. «فان تعاهدك في السر لا مورهم حدوة لهم علی

است؛ اما تا آنجایی که توان و قدرت در شما هست، تلاش کنید وعده‌ای را که به مردم دادید، عمل کنید و منت هم نگذارید. «فانّ المنّ یبطل الاحسان و التّزید یدهب بنور الحقّ»؛ منت، احسان را باطل می‌کند و بزرگ‌نمایی نور حق را از بین می‌برد. «و الخلف یوجب المقّت عندالله و الناس»؛ خلف وعده موجب می‌شود انسان، هم از چشم مردم بیفتد و هم از نظر خدای متعال. «و ایّاک و العجلة بالامور قبل اوانها»؛ در کارها پیش از موعد عجله نکنید و شتابزدگی به خرج ندهید. امیرالمؤمنین در خطبه دیگری، عجله کردن و پیش از موعد کار را انجام دادن، تشبیه می‌کنند به چیدن میوه قبل از رسیدن خودش. می‌فرمایند کسی که میوه را قبل از اوان چیدنش می‌چیند، مثل کسی است که برای دیگران زراعت کرده؛ یعنی خودش هیچ سودی نمی‌برد. شما اگر در زمینی که مال دیگری است، تخمی بپاشید، سودش را او می‌برد؛ شما هیچ سودی نمی‌برید. بذری که داخل ملک خودتان می‌کارید و نهالی که آنجا می‌نشانید و زحمتش را می‌کشید، اگر میوه هم داد، لیکن میوه را قبل از آنکه برسد و قابل استفاده بشود، چیدید؛ در واقع همه زحمات خودتان را به هدر داده‌اید. عجله و قبل از اوان به کاری دست زدن را حضرت در آن بیان مطرح می‌کنند. اینجا هم که می‌فرمایند عجله نکن، «او التسقط فیها عند امکائها»؛ تسقط هم نکن. تسقط، یعنی اهمال و کوتاهی کردن و کار را به تعویق انداختن. پس عجله و اهمال کاری هم ممنوع، «او اللّجاجة فیها اذا تنگرت»؛ وقتی معلوم شد کار غلط است، روی آن پافشاری و لجاجت نکن؛ مثلاً ما ایده‌ای را مطرح کردیم و استدلال کردیم و دنبالش هم رفتیم و زحمت هم کشیدیم، اما کسانی مخالفت کردند و ما هم گفتیم نه و پیش رفتیم؛ حالا رسیدیم به جایی که دیگر واضح شد غلط است؛ اینجا حرفتان را پس بگیرد؛ هیچ اشکالی ندارد. پس لجاجت به خرج ندهید؛ اگر «اذا تنگرت»؛ وقتی منکر بودن آن واضح شد. «او الوهن عنها اذا استوضحت»؛ آنجایی که معلوم شد لازم است این کار انجام بگیرد، انسان نباید کوتاهی کند.

مشاهده نمی‌کنیم؛ لذا جمع‌بندی ما می‌شود جمع‌بندی انسانی که شیفته خودش هست؛ این اشکال دارد. بنابراین ما باید ضعفها را هم در کنار نقاط قوت ببینیم. «و ایّاک و الاعجاب بنفسک و الثّقة بما یعجبک منها»؛ به آن چیزی که در وجود تو هست و تو را شیفته خودت می‌کند، اعتماد نکن؛ یعنی حتماً باور نکن که این نقطه امتیاز در تو وجود دارد. گاهی انسان خیال می‌کند نقطه برجسته‌ای در او وجود دارد؛ در صورتی که تصور و توهم است؛ چون خودش را با آدم سطح پایینی مقایسه کرده، و به خودش نمره داده؛ در حالی که اگر با افراد دیگری مقایسه می‌شد، اصلاً نمره خوبی نمی‌گرفت. بنابراین خیلی هم اطمینان نکن به آنچه در خود می‌بینی.

«وحب الاطراء»؛ از علاقه به ستایش شدن از طرف دیگران بجزدراش. «فانّ داک من اوتق فرص الشیطان فی نفسه لیمحق ما یكون من احسان المحسنین»؛ اینکه انسان دوست داشته باشد او را ستایش کنند، از بهترین فرصتهای شیطان است که از آن بهره می‌برد؛ می‌آید احسان محسنین را از بین می‌برد؛ یعنی آن نیکوکارها و زیباییها و آرایشهای معنوی و روحی را از شما سلب می‌کند.

دنبال این، باز فقره مهم دیگری است که می‌فرمایند: «ایّاک و المنّ علی رعیتک باحسانک»؛ سر مردم منت نگذارید و بگویید ما این کارها را برای شماها کرده‌ایم، وظیفه بوده، انجام داده‌اید. اگر انجام داده باشید، وظیفه‌تان را انجام داده‌اید؛ منتی سر مردم نگذارید. «او التّزید فیما کان من فعلک»؛ کارهایی را که انجام داده‌اید، بزرگ‌نمایی نکنید. گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد، بعد در ستایش آن کار خیلی مبالغه می‌کند؛ چندین برابر آنچه حقیقت کار است. «او ان تعدّم فتتبع موعدک بخلفک»؛ خلف وعده هم با مردم نکنید. آنچه به مردم وعده می‌دهید، اصرار داشته باشید که آن را انجام دهید؛ یعنی خودتان را گردنگیر آن وعده بدانید. این طور نباشد که بگوییم نشد که نشد؛ چه کار کنیم؛ نه، اصرار کنید. البته یک وقت انسان به اضطراب برخورد می‌کند، آن بحث دیگری

... عزیزان من! کسانی که پایشان نغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعاعثری بود، شعاعهای بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت.

... یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال اینهاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند. بسیار کسانی بودند که عمق نداشتند. یکی از راههایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآن با تدبیر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.

یکی هم این دعاهاست. در دعاهای معتبر خیلی معارف وجود دارد که انسان اینها را در هیچ جا پیدا نمی‌کند؛ جز در خود همین دعاها. از جمله این دعاها، دعاهای صحیفه سجاده است. در منابع معرفتی ما چیزهایی وجود دارد که جز در صحیفه سجاده یا در دعاهای مأثور از ائمه علیهم‌السلام انسان اصلاً نمی‌تواند اینها را پیدا کند. این معارف با زبان دعا بیان شده. نه اینکه خواستند کتمان کنند؛ طبیعت آن معرفت، طبیعتی است که با این زبان می‌تواند بیان شود؛ با زبان دیگری نمی‌تواند بیان شود؛ بعضی از مفاهیم جز با زبان دعا و تضرع و گفتگو و نجوای با پروردگار عالم اصلاً قابل بیان نیست. لذا ما در روایات و حتی در نهج البلاغه از این گونه معارف کمتر می‌بینیم؛ اما در صحیفه سجاده و در دعای کمیل و در مناجات شعبانیه و در دعای عرفه امام حسین و در دعای عرفه حضرت سجاد و در دعای ابوحمره ثمالی از این گونه معارف، فراوان می‌بینیم. از دعاهای غفلت نکنید؛ به دعاها بپردازید. دعا هم بکنید. شما بارهای سنگینی بر دوش دارید.<sup>۱</sup>

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۱۷.

## فصل هشتم

### ما می‌توانیم

### دوره پهلوی و تبلیغ «نمی توانیم»

در دوره پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی توانیم» بود. همه ما از بچگی این طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت می تواند؛ می تواند تولید کند، می تواند رشد بدهد، می تواند ابتکار کند، می تواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.<sup>۱</sup>

### بی خبری و ناآگاهی منشأ عقب‌افتادگی

اگر شما می بینید ملت ایران در طول یکی دو قرن از کاروان علم و تمدن عقب افتاد و کشور به دست بیگانگان و دشمنان با دست نشانگان آنها اداره شده، منشأ این من. : ناآگاهی بود. ملت و جوانان و قشرهای مختلف را در بی خبری و ناآگاهی نگه می داشتند تا نفهمند بر سر کشور چه دارد می آید.<sup>۲</sup>

۱. دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت ۱۳۸۴/۶/۳۱.

۲. دیدار عمومی مردم جیرفت ۱۳۸۴/۲/۱۷.

وقتی روح دینی در ملتی بود، اثر آن فقط این نیست که از لحاظ شخصی، مردم خوب و پاکیزه و پارسایی خواهند شد؛ اثر روح دینی، در زندگی اجتماعی منعکس می‌شود؛ اگر دین درست باشد. برای همین هم بود که با دینی که امام ترویج می‌کرد، اسلامی که امام آن را اسلام ناب می‌نامید، همه دشمنان بزرگ دنیا و دنباله‌هایشان در داخل کشور، شروع به مخالفت کردند؛ به‌عنوان اینکه این دین، سیاسی و حکومتی است. گاهی هم دایه دلسوزتر از مادر می‌شدند - حالا هم گاهی می‌شوند - که آقا شما دین سیاسی و دین حکومتی را که مطرح می‌کنید، دین از نظر مردم ضعیف می‌شود؛ ایمان دینی مردم سست می‌شود! این، درست عکس واقعیت است. وقتی دین در یک جامعه بود، روح فداکاری در آن جامعه هست.<sup>۱</sup>

### اگر همت کنیم، می‌توانیم

وقتی ما می‌گوییم مرزهای علم را باید بشکافیم و باید از سخن روز علم یک قدم جلوتر برویم، این برای بعضی باور نکردنی است. وقتی من می‌گویم ما باید به آنجا برسیم که اگر در اکناف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه علمی یا نظریه فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، بعضی با نگاه انکارآمیز به این نگاه می‌کنند. من معتقدم و می‌بینم در مقابل خودم که چنین چیزی شدنی است. ما اگر همت کنیم، می‌توانیم تا بیست سال دیگر، تاسی سال دیگر، کاری کنیم که وقتی نام‌آوران عرصه علم و فناوری را در دنیا نام می‌آورند، ایرانیان و کشور ما در صدر قرار بگیرد؛ می‌توانیم این کار را بکنیم؛ ما استعدادمان خیلی خوب است؛ همه چیز این را گواهی می‌دهد. آنچه ما کم داشتیم - که انقلاب به ما داد - اعتماد به نفس بود؛ ما امروز اعتماد به نفس پیدا کرده‌ایم.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۹.

### احیای روح خودباوری و استقلال

اگر به بیانات امام نگاه کنید، رفتار امام را ببینید و آنچه را که از امام می‌دانید، جلوتان بگذارید، همین دو چیز را به‌طور برجسته مشاهده می‌کنید:

اول، احیای روح خودباوری و استقلال در مردم. در طول سالیان دراز به مردم تفهیم شده بود که شما نمی‌توانید. هرچه افراد از همه طبقات - روحانی، غیرروحانی، دانشگاهی، عالم، جاهل - می‌گفتند، پاسخ می‌دادند که نمی‌شود و فایده‌ای ندارد. این روحیه باید عوض می‌شد. این‌گونه خَلقیات اجتماعی، مثل خَلقیات فردی نیست. خَلقیات فردی هم به آسانی عوض نمی‌شود؛ اما خَلقیات اجتماعی خیلی دشوارتر است. امام باید این را به روح خودباوری و اتکاء به نفس و مشی مستقل تبدیل می‌کرد. برای خاطر این خصوصیت، امام باید هیچ‌گونه دخالت و نفوذی را از غیر این ملت بر این ملت تحمل نکند و نکرد. اینکه می‌بینید امام این‌گونه در مقابل امریکا و در مقابل شوروی آن روز می‌ایستاد، به‌خاطر این بود. امریکاییها بیست و پنج سال تمام، سرشان را پایین انداخته بودند و به اینجا آمده بودند. سفره گسترده‌ای بود که اینها و یک مشت مز‌دور، هر کار خواسته بودند، کرده بودند؛ تا ماههای اول انقلاب هم هنوز قطع امید نکرده بودند؛ من قضایایی را در ذهن دارم که حالا وقت نیست آنها را بگویم. امام، به‌کل نوک همه این پُرمدعاها را چیدا! اگر اندک غفلتی از امام سر می‌زد، از طرق مختلف و از پنجره‌های متعدد، همان کسانی که از در بیرون شده بودند، دوباره وارد می‌شدند. امام فرص و محکم جلو نفوذ و تسلط بیگانه را به هر کیفیتی بست و ایستاد. این اولین نقطه بود.

دومین چیزی که امام بر روی آن نهایت اهتمام را داشت، احیای روح دینی و تقویت ایمان در مردم بود؛ همان ایمانی که در خودش وجود داشت؛ لذا روی مسائل دین - تعبد و هر آنچه که به دین مربوط می‌شد - نهایت کوشش و دقت را داشت و هیچ حاضر نبود در این زمینه کوتاه بیاید؛ چون دین علاج‌کننده است.

که اگر این نباشد، به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. تمام مسئولانی که در بخش‌های مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت بشود. بعضاً ممکن است برخی از مسئولان، بعضی از کسانی که در بخش‌های مختلف مشغول کار هستند - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی و غیره - به تحلیلهایی دلبسته باشند که دیگران، حتی مثلاً یک فرد عالم یا نویسنده‌ای، در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آن چنان نظر‌ها را به خودش جلب کند، که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه‌ای که ناشی از دیدن واقعیتها در کشور است - چون هر کشوری اقتضات و واقعیاتی دارد - غافل کند و منصرف سازد!

باید سعی بکنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه، و دانشجویان ما و کسانی که تازه وارد کار شدند، روح اعتماد به نفس را اینکه می‌توان با تحلیلهای و انگیزه‌ها و فهم خودی از مسائل کشور، مسائل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند. نباید به آنچه که فلاں روزنامه‌نویس نوشته است و فلاں تحلیلگر خارجی می‌گوید که ایران باید این راه را طی بکند، تا بتواند مثلاً به سازندگی و رفع مشکل اقتصادی برسد، اعتنا کرد. البته مسائل علمی در هر جای دنیا، از هر زبانی که صادر بشود، قابل اعتناست؛ منتها نه به صورت پذیرش بی‌قید و شرط، بلکه به صورت پذیرش تحلیلی که انسان حرفی را بگیرد، آن را با شرایط گوناگون کشور بسنجد و به مرحله عمل در بیاورد.<sup>۱</sup>

**«نمی‌توانی»، ته‌جم فرهنگی دشمن**  
پنجاه و چند سال اینها این مملکت را در درخشان‌ترین فرصتهای جهانی معطل

۱. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۷۵/۶/۸.

... ما کسانی بودیم که در اول انقلاب در بسیاری از نیازمندیهای خودمان محتاج بودیم که از فرآورده فکر و سرانگشت دیگران استفاده کنیم؛ اما امروز دیگران زیادی در دنیا هستند که از فرآورده فکر و سرانگشت ایرانی دارند استفاده می‌کنند؛ این واقعیت است؛ ما پیش رفته‌ایم. این، به‌خاطر اعتماد به نفس است؛ باید این اعتماد به نفس ملی را در زمینه علم تقویت کرد و اسلام این را به ما می‌آموزد.<sup>۱</sup>

**مصایب دنیا نردبان پیشرفت**  
همه مصایب دنیا می‌توانند نردبانی باشد برای پیشرفت یک انسان و یک ملت. در دوران جنگ و دفاع مقدس، اطراف این کشور را بستند؛ راه‌های علم و معرفت و فناوری و محصولات مورد نیاز را بر روی ما بستند؛ گلوله معمولی و سلاح معمولی به ما ندادند؛ اما ملت ما از این تنگنا و سختی بزرگ برای پیشبرد خود استفاده کرد. امروز دنیا در واهمه سلاح اتمی ملت ایران است. ما دنبال سلاح اتمی نیستیم؛ اما ظرفیت و قابلیت ملت ایران به آنجا رسیده است که دنیای مدرن و دنیای دارنده سلاحهای مخرب و وحشتناک و دارنده سلاح اتمی، از ملت ایران، از جوانان ایران و از دانشمندان ایران در واهمه است؛ این خیلی پیشرفت است؛ این پیشرفت را چگونه و از کجا به دست آوردیم؟ ملت ایران توانست از آن تنگناها و سختیها و مصیبتها به‌عنوان نردبانی استفاده کند و خودش را بالا بکشد، و کشاند.<sup>۲</sup>

**اعتماد به نفس مدیران**  
مسأله اعتماد به نفس مدیران و مسؤولان کشور یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛

۱. دیدار نخبگان استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۴.

۲. دیدار مردم زرت ۱۳۸۴/۲/۱۴.

سینه خود نگه داشته‌اند و امروز به جوانهای ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند!<sup>۱</sup>

**می توانیم آینده را بسازیم**  
والله من اعتقاد ندارم که این کار، مردم‌فریبی و دروغ‌گویی است؛ برعکس، در شرایط حاضر، امیدوار کردن مردم، مبتنی بر واقعیت است. جمهوری اسلامی می‌تواند بزرگتر از این کارها را انجام دهد. ما نظام طاغوتی را از بین بردیم و ده سال با امریکا و شوروی و قدرتهای شرقی و غربی جنگیدیم. ما می‌توانیم آینده را بسازیم و با همت و تدبیر مدیران قوی این کشور، برای مردم زندگی مناسبی به وجود آوریم.<sup>۲</sup>

**می توانیم دژ استبداد جهانی را، بشکنیم**  
ملتها و دولتهای متکی به ملتها، آسیب‌پذیر نیستند. این، برای ما و برای همه ملتها یک درس است. ما می‌توانیم بینی استکبار را به خاک بمالیم. ما می‌توانیم مانع از نفوذ استبداد جهانی باشیم.

بالا تر عرض کنم: ما می‌توانیم دژ استبداد جهانی را، در سطح بین‌المللی، بشکنیم. البته با صبر، با حوصله، با استمرار مبارزه و تلاش، این کارها شدنی است. یک روز، قدرت شوروی را هم کسی خیال نمی‌کرد از بین برود، اما دیدید که رفت. ملتها می‌توانند معجزه‌ها کنند، و این معجزه، آن شاء‌الله، به وقوع خواهد پیوست.<sup>۳</sup>

**اتکاء به خود**  
ملت ایران به اعتماد اروپا و آسیا و این و آن، به این میدان قدم نگذاشته است که با

۱. دیدار جوانان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۲. مراسم نیت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۲۴.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۱/۷.

و معوق گذاشتند. نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز ما را عقب نگه داشتند. من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پیروی موهابیش را تا اینجا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا اینجا مخالفم. مسأله تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجاست که آن نظریات، کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به‌عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می‌کنند؛ اینها دو عیب دارند: یکی اینکه تقلیدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در



### ما یک سرزمین بسیار غنی هستیم

ما ملتی هستیم که اولاً در نقطه بسیار حساسی واقع شده‌ایم. اگر ما در غرب آفریقا و در یک گوشه دورافتاده دنیا بودیم و یا در مرکز دنیای اسلام نبودیم، اینقدر روی ما حساسیت نبود. ثانیاً از لحاظ امکانات طبیعی، ما یک سرزمین بسیار غنی هستیم. علاوه بر نفت و گاز - که حضور ایران تعیین کننده است و من در اجتماع مسوولان نظام، چند ماه قبل این را با آمار بیان کردم - ما امروز در اصلی ترین مواد فلزی دنیا، نسبت به سهم خودمان از جمعیت و وسعت دنیا، چند برابر بیشتر داریم. ما تقریباً یکصدم جمعیت دنیا و یکصدم سطح مسکون عالم را داریم؛ اما در آن چهار فلز اصلی، سهم ایرانها حدود سه درصد، چهار درصد، پنج درصد شده است؛ یعنی چند برابر سهم خودمان از جمعیت و وسعت دنیا. ما امکانات کشاورزی داریم؛ آب خوب داریم - البته مجموعه کشور، پر آب نیست؛ اما در مناطقی سهم آب ما خیلی بالاست - بازار مصرف بزرگی داریم. امروز مصنوعات دنیا چشمشان به بازار مصرف است؛ ما در این زمینه یک بازار بزرگ هستیم؛ حدود هفتاد میلیون نفر جمعیت داریم. ما استعدادهای درخشان داریم. این موقعیت، هر قدر استعمارگر فزون طلب زاده خواهی را در دنیا به خودش جذب می کند. انگلیسیها اول به عنوان نفت به ایران آمدند؛ اما آنها خبر نداشتند که غیر از نفت، این همه ثروت هم در ایران هست. بعد هم که امریکاییها آمدند و در اینجا ساکن شدند.

...بنده به عنوان یک مسوول - که آماج اولین دشمنیهای دشمن هستیم - و به عنوان کسی که اطلاعاتش از کشور وسیع است؛ یعنی هم از امکانات، هم از تهدیدها، و هم از دشمنیهای دشمنان باخبر است؛ وقتی نگاه می کنیم، می بینم می توانیم این استنباط، احساساتی نیست؛ بررسی شده و محاسبه شده است. ما می توانیم سند چشم انداز بیست ساله را - که چند ماه قبل تصویب و به دستگاهها ابلاغ شد -

رفتن آنها احساس خالی بودن پشت خود را بکند. ملت ایران در هیچ شرایطی، در هیچ وضعیتی، با هیچ کیفیتی، جز به قدم استوار خود، جز به حضور مردمی خود، جز به اصول خود و جز به ایمان محکم خود متکی نیست. لذا به فرض اگر بتوانند همه اروپا را هم از ایران جدا کنند - که البته نخواهند توانست - اگر ده دشمن مثل اروپا هم در اطراف دنیا برای ایران درست کنند، این ملت با این ایمان و با این قدم استوار، در مقابل زورگوئیهای نه امریکا و نه هیچ دولت دیگری، یک قدم به عقب نخواهد برداشت.<sup>۱</sup>

### روز فرج ملت ایران

این ملت، ملتی با شصت میلیون نیروی انسانی و با ذخیره بسیار بالارزشی از تجربه ها و سرمایه ها - سرمایه های مادی، سرمایه های انسانی، سرمایه های معنوی - و دانش و تجربه است. این ملت، خیلی چیزها را در درون خود دارد. ما اگر همه دروازه ایمان را هم ببندیم، از پا نخواهیم افتاد. ما به خودکفایی نسبی کاملی در همه جوانب رسیده ایم. اگر این ملت، یک وقت مصالحتش ایجاب کند که همه درها را هم ببندد، می تواند. بدانید که اگر چنان روزی برای ملت ایران پیش آید، روز فرج است. چرا؟ برای اینکه ما همیشه آن وقتی که احساس کرده ایم باید از خودمان استفاده کنیم، درخشیده ایم. دیدید که در جنگ، به مجرد اینکه درهای سلاح و تجهیزات جنگی بر روی ما بسته شد، ما به درون خودمان برگشتیم که خودمان را تامین کنیم. این پیشرفت هایی که ما امروزه در صنایع نظامی داریم، به همین خاطر پیش آمد، و الا ایران نمی توانست سلاح سبک کوچک هم تولید کند. امروز ایران سلاحهای پیچیده را هم تولید می کند و می تواند تولید کند.<sup>۲</sup>

۱. دیدار فرماندهان و پرسنل ارتش به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۶/۱/۲۷.

۲. دیدار فرماندهان و پرسنل ارتش به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۶/۱/۲۷.

مردم این باشد که این خانه، بایستی به‌دست صاحبان خانه - یعنی آحاد مردم - ساخته بشود و دولت هم مدیر و سرپرست این خانه است که باید برنامه‌ریزی بکند و کار هر کس و وظیفه هر مجموعه و قشری را معلوم بکند تا مردم بدانند تکلیفشان چیست و انجام بدهند.<sup>۱</sup>

**با تکیه به خدا و دستورات قرآن می‌ایستیم**  
ما کسی را تهدید نمی‌کنیم؛ اما در مقابل آن قدرتهایی که عادت کرده‌اند همه ملت‌هایی را که حاضر نیستند در مقابل آنها زانو بزنند، تهدید کنند و به آنان زور بگویند، این ملت با قدرت و توانایی خود و با تکیه به خدا و دستورات قرآن مقدس که به او گفته است به خدا تکیه کن و از کسی ترس، تصمیم دارد که بایستد، تهدید نشود و تهدید آنها را جدی نگیرد و از مواضع به حق و از راه و مدعی حقوق طلبانه خود، حتی یک قدم عقب ننشیند.<sup>۲</sup>

### معنای استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا داد و ستد نمی‌کند؛ نه داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، اینها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸.  
۲. دیدار روزندگان شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس ۱۳۷۶/۲/۳.

در طول این مدت تحقق ببخشیم؛ این کارشناسی شده و بررسی شده است.<sup>۱</sup>

### ایران یکی از نادرترین کشورها

کشور ما یکی از نادرترین کشورها در زمینه‌های عمران و آبادانی است. ما اگر دو برابر امروز هم جمعیت داشته باشیم، باز هم می‌توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم. این ظرفیت خوب، هم در خاک بابرکت ما، و هم در استعدادهای انسانی ممتاز کشور، و هم در دستورات و روش و قانون اساسی، و هم در مسؤولان ما وجود دارد.<sup>۲</sup>

### راز اقتدار ملی در ایمان، تعبد، وحدت کلمه

راز این اقتدار ملی و این قدرت بزرگ در چیست؟ در ایمان اسلامی، در تعبد اسلامی، در وحدت کلمه، در همراهی و همدستی و همدلی ملت و دولت و همکاری مسؤولین با مردم. این، راز اصلی است. این را باید حفظ کنید.

من به شما مردم عزیز، مخصوصاً به جوانان، عرض می‌کنم: به وظایف دینی بایستد باشید؛ واجبات را قدر بدانید؛ ایمان اسلامی خود را با عمل اسلامی همراه کنید؛ در مقابل فساد اخلاق و انحراف عقیده، بایستید؛ خود را جسمی و فکری و روحی و ایمانی، روز به روز قوی‌تر کنید.<sup>۳</sup>

### احساس مسؤولیت عمومی نسبت به سرنوشت جامعه

همه باید احساس کنند که نسبت به سرنوشت جامعه تکلیف دارند؛ آن تکلیف را جستجو و پیدا کنند. در کار شخصی خود - چه کار فرهنگی، چه کار اداری، چه کار تجاری، چه کار فنی، چه کارهای بزرگ و چه کارهای کوچک - باید احساس همه

۱. دیدار جوانان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷.  
۲. مراسم بیعت جمع کثیری از افسار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۱۸.  
۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۱/۷.

ما، استعداد و روح خلاقیت زیاد است. این همان ملتی است که تا چند قرن پیش، مشعلدار علم در دنیا بوده است. ما از لحاظ استعداد و توان علمی بالقوه، چیزی کم نداریم؛ چرا باید از کاروان علم و صنعت عقب بمانیم، تا آنجایی که کوچک‌ترین چیزها را هم آنها برای ما درست کنند؟!  
... علم، متعلق به یک شخص و یک ملت نیست؛ علم، متعلق به بشریت است و

بین ملت‌ها دست‌په‌دست می‌گردد. یک روز بود که اروپای متقدم امروز، در نهایت جهل و بی‌خبری بود؛ مسلمین دانشمندان بزرگ آن روز بودند و علم را به اروپاییها یاد دادند. این حرفی است که خود آنها گفتند و می‌گویند؛ نوشتند و می‌نویسند؛ چیز مجهولی نیست که ما آن را ادعا بکنیم. یک روز علم در آسیا بود، یک روز هم در اروپاست، یک روز هم در یک نقطه دیگر است. علم، متعلق به همه بشریت است. علم چیزی نیست که ملتی بگوید مال من است و مال بشریت نیست؛ نه، علم متعلق به بشریت است. ما هر جا علم را پیدا کردیم، آن را به دست می‌آوریم.<sup>۱</sup>

### تکیه بر استعداد‌های خودی

تکیه بیشتر باید بر خود، بر ابتکار خود، بر ثروت خود، بر قدرت دستان پُرهنر خود و مغزهای فعال و پُرابتکار خود باشد. در همه بخش‌ها این را یک دستور کلی به حساب بیاورید و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنید. در کنار آن، نگهداری و بازسازی نیروهای انسانی و استخراج سرچشمه‌های استعداد در آنها در همه بخش‌ها، سرآمد همه کارهاست.<sup>۲</sup>

تا آنجا که می‌توانید به نیروهای داخلی تکیه کنید. البته می‌دانم این توصیه مورد توجه شماست، چون تا حدود زیادی عمل هم شده است؛ لیکن می‌خواهم روی آن تأکید بیشتری کنم. استعداد در داخل کشور ما برجسته و بیش از حد

۱. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۹/۱۳.

۲. دیدار یگانهای نیروی دریایی سپاه و ارتش ۱۳۷۰/۱۰/۱۲.

... البته می‌توانیم امروز ادعای استقلال اقتصادی کنیم؛ اما به شرط‌ها و شروط‌ها. این، چند شرط دارد:

اولاً اینکه در کشور، هر کس، هر کاری را که به عهده دارد، خوب انجام دهد.

... شرط دوم این است کسانی که پول وامکانات دارند، فقط به فکر خودشان نباشند.

... شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته باشد.

... دولت تکیه به متفکرین و علمایی کند که در دانشگاه‌ها هستند و درس می‌خوانند. خیال هم نکنند که تحقیق و حرف فلان متفکر اروپایی که چیزی گفته، همیشه همین است. امروز چیزی می‌گویند و بیست سال دیگر، ده سال دیگر، پنج سال دیگر، یک نفر عالم دیگر می‌آید و آن حرف را باطل می‌کند و حرف دیگری می‌زند. چرا ما عادت کرده‌ایم هر چه غربیها گفتند، بی‌قید و شرط قبول کنیم و دست روی دست بگذاریم و از آنها گوش کنیم و بپذیریم؟! شما باید درستش را پیدا کنید.<sup>۱</sup>

### خط مشی صحیح در زمینه‌های علمی و صنعتی

یک طرز فکر، طرز فکر درست است، و آن اینکه ممکن است ما علم و فن و صنعت را از بیگانگی که آن را دارد و ما نداریم، بگیریم؛ اما اداره آن کار را خودمان به دست خواهیم گرفت؛ خودمان صنعت را انتخاب خواهیم کرد؛ آنچه را که برای کشور لازم است، خودمان به وجود خواهیم آورد. انسان باید علم را از هر کس که دارد، یاد بگیرد؛ اما نه اینکه یاد بگیرد تا مزدور او باشد. غربیها برای ملت ایران و ملت‌های مسلمان دیگر، این را می‌خواستند.

ما باید علم را یاد بگیریم، برای اینکه خودمان کشور را بسازیم. در میان ملت

۱. دیدار جمع کثیری از معلمان و کارگران ۱۳۷۲/۲/۱۵.

معمول و متوسط است. مکرر گفته‌ام که متوسط استعداد در ایران بالاتر از متوسط استعداد در کل جهان است. پیشرفتهایی که در المپیادهای ریاضی و فیزیک و شیمی و ... به‌دست آوردیم، نشان داد ما جوانانی داریم که از استعدادهای بالایی برخوردارند. کسانی که در این مسابقات، مقامات بالا به‌دست آوردند، افراد استثنایی نبودند؛ بلکه فرزندان این مملکتند. یقیناً از قبیل این افراد هزارها و صدها هزار در این مملکت وجود دارند.<sup>۱</sup>

### زنده کردن احساس افتخار و هویت

مقیم در همه دیدارهای استانی، اجمالی از شناسنامه آن شهرستان را به یاد مردم عزیز آن خطه پیورم تا احساس افتخار و هویت و شخصیت کنند. امروز یکی از برنامه‌های اصلی دشمن، جنگ روانی برای کوبیدن احساس هویت و شخصیت ملت عزیز ماست. مردم باید بدانند چه ارزشهای والایی آنها را در طول زمان در اوج قلّه افتخار قرار داده است.<sup>۲</sup>

### آینده باید از آن ما باشد

پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین‌طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمی‌تان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قلّه قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگماریم، قطعی است.<sup>۳</sup>

۱. دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۸.

۲. دیدار عمومی مردم همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵.

۳. دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان سراسر کشور ۱۳۸۴/۷/۳.

## فصل نهم

## عدالت

## اسلام و عدالت

عزیزان من، تلاش ما حکومت حق و عدل است؛ تلاش برای ایجاد عدالت است. شاید در اسلام در مورد مسائل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است.

شما ببینید در مورد ظهور حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه)، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسأله ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً»<sup>۱</sup> هست. خدا به وسیله او، زمین را پر از قسط و عدل می‌کند. البته خدا به وسیله امام زمان، زمین را از دین خودش هم پر می‌کند؛ اما آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته می‌شود، «یملأ الارض به الدین، دین الحق» نیست. مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست. متعلق «یملأ، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج می‌برد. این حکومت در راه عدالت حرکت کرده و در راه عدالت هم حرکت می‌کند؛ قوامش هم به عدالت است.<sup>۲</sup>

۱. الانوار الساطعة، ج ۵، ص ۲۲.

۲. دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.

آزادی اصلاً جزو شعارهای آنها نبود. در همه کشورهای که حرکت کمونیستی در آنجا به شکلی از اشکال - انقلاب یا کودتا - تحقق پیدا کرده بود، عدالت، محور شعارهای آنها بود؛ اما واقعیت زندگی آنها مطلقاً نشان‌دهنده عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده‌ای به اسم کارگر آمدند، که همان طبقه اشرافی رژیمهای طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آنها نداشتند. زندگی سران کشورهای مارکسیستی این‌طور بود. بنده زمان مسؤلیت ریاست جمهوری وضعیت افسار یابین بعضی از کشورهای سوسیالیستی را دیده بودم؛ آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقاً در آنجاها وجود نداشت. طبقه اشراف جدیدی در آنجا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بود و از همه امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهیدستی و بدبختی زندگی می‌کردند. این وضعیت حتی در بعضی از کشورهای درجه یکشان هم دیده می‌شد. بنابراین، این‌گونه عدالت‌طلبی بی‌دوام خواهد بود و از طریق درست خودش منحرف و ریاکارانه و دروغین خواهد بود.

عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید.

... بعضیها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه امکانات موجود است.

آنهایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم -

## ارزش عدالت

نیاید ارزش عدالت به‌عنوان یک ارزش درجه دو کم‌کم در مقابل ارزشهای دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزشهای دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشرفت، توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست؛ اما وقتی ما این ارزشها را عمده می‌کنیم و مسأله عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ اما با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود.

... اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود.

... عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود.

... عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهر‌سازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظامهای کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما می‌گفتیم عدالت و آزادی؛ اما

بود. آن حضرت، عدالت را مایهٔ حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعهٔ اسلامی می‌دانستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام، عدالت را در بین مسلمانان و جامعهٔ اسلامی جاری می‌کردند و مانع از این شدند که بیت المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تطاول باز شود. نگذاشتند کسانی بیت‌المال مسلمین را به ناحق مصرف کنند.<sup>۱</sup>

### لزوم طراحی سیاستهای عدالت‌طلبانه

باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاستهای عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاستهای عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ و الاً خیلی سیاستهای عدالت‌طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما سازوکار، آدمها، مهره‌ها، قلم‌به‌دستها و امضاءکننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل هربو یا یا دلت خوشه است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آنها را باید اصلاح کرد.<sup>۲</sup>

### عدالت و رفع فساد و تبعیض

اگر خدای متعال توفیق دهد که رئیس‌جمهور کارآمدیبا کفایت پُر نشاط‌شادابی که علاقه به مردم و علاقه به عدالت و علاقه به رفع فساد و تبعیض برای او در درجهٔ اول برنامه‌ها قرار داشته باشد، سر کار بیاید، من به شما عرض بکنم که بسیاری از مشکلات اساسی این کشور - چه مسائل داخلی و چه مسائل خارجی - حل خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۱۷.

۲. دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵.

۳. دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.

یعنی امریکا - کسانی هستند که از گر سنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ اینها که شعار نیست؛ واقعیهایی است که مشاهده می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست

اگر چه قسط و عدل متعلق به دین است، اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند. این نظام اسلامی به‌وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون - مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه - را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به‌دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمهٔ واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور می‌شود به این قضیه بی‌اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی‌اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به‌عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنه‌اییم. به این شعارهایی که در دنیا می‌دهند، نگاه کنید! اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفها و محرومان نیست.<sup>۲</sup>

### عدالت مایهٔ حیات اسلام

پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین علیه السلام، در حقیقت عدل را در جامعهٔ اسلامی اهمیت بخشیدند و امیرالمؤمنین علیه السلام، در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمامشان بر استقرار عدل در جامعه

کسب دنیا برای خود باشد. این یک کاسی مثل بقیه کاسیها نیست؛ این یک مسؤولیت پذیری است. اشتغال به این مسؤولیت نمی تواند برای این باشد که انسان چیزی به دست آورد، مالی جمع کند، آینده خود و فرزندانش را از این راه تأمین کند و یاد در دنیا خوش بگذراند. پس هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی چه باید باشد؟ هدف باید اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن استعدادها، برای تعالی انسانها و برای هدایت و صلاح بنی آدم باشد.<sup>۱</sup>

#### تنبیین سیاستهایی که عدالت را محقق می سازد

یک لحظه باید از خدمت به مردم غافل نشویم. به برکت گفتمان عدالت و خدمت و مبارزه با مفسد، امروز این مجلس و این دولت شکل گرفته. علاقه مردم به این مفاهیم بوده؛ نمی شود این مفاهیم را مجرد و انتزاعی بدانیم؛ اینها مفاهیم واقعی است؛ در میدان زندگی است. عدالت را باید در برنامه های گوناگون معنا کنید. آنچه مربوط به عدالت و خدمت به امور اقتصادی و مادی مردم است، در سیاستهای برنامه چهارم وجود دارد؛ که از جمله آنها تقویت پول ملی، مهار تورم و گرانی، کم کردن شکاف و فاصله بین دهکهای بالا و پایین جامعه و از این قبیل است. این سیاستها باید به برنامه تبدیل شود؛ و الا خود عنوان «عدالت» یک هدف آرمانی است. سیاستهایی که می تواند ما را به عدالت برساند و برنامه هایی که می تواند این سیاستها را محقق کند، باید مورد توجه قرار بگیرد. البته در برنامه چهارم در این زمینه مشکلاتی وجود دارد؛ این مشکلات هم باید بر طرف شود؛ برنامه واقعا طبق سیاستها تحقق پیدا کند تا بتوان امیدوار بود که با این برنامه به آن سیاستها خواهیم رسید.<sup>۲</sup>

۱. خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.  
۲. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸.

#### عدالت هدف امیرالمؤمنین

آن روز هم هدف امیرالمؤمنین این بود که جامعه را قلمرو اراده الهی کند که مظهر اعلاي آن، عدالت است. اینجا ما نباید خودمان را فریب بدهیم. آن جامعه ای الهی است، که در آن، عدالت باشد. والا، جامعه ای که در آن عدالت نبود؛ فاصله های عمیق طبقاتی وجود داشت؛ عدم برخورداری یک جمع کثیر از مردم به سوید برخورداریهای نابحق دیگران وجود داشت، این جامعه، اسلامی نیست. این جامعه، جامعه علوی نیست.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام در زندگی حکومتی خود، نسبت به عدالت، نسبت به حقوق ضغفا و در ماندگان و پابرهنگان، بی اغماض و بی گذشت بود. ما هم باید همین طور باشیم. آن حضرت نسبت به حق خود و به سهم خود، بسیار پر گذشت بود؛ همه ما نیز باید همین گونه باشیم. او در همه عمر، مظهری از خداپرستی و صفای معنوی و مجاهدت و تلاش و سرزندگی و نشاط بود و با تلخیها، غمها و دردها، شادمانانه برخورد کرد و مسؤولانه وظیفه خودش را انجام داد. این الگوی بسیار خوبی است. ما می توانیم در سایه نزدیکی به امیرالمؤمنین علیه السلام، به آرزوی بزرگ کشور و ملتمان و نظام جمهوری اسلامی - یعنی عدالت اجتماعی - نزدیک شویم. امیدوارم که ما مسؤولان کشور - در درجه اول - و همه آحاد مردم تلاش کنند تا بتوانیم عدالت اجتماعی را در این کشور، مستقر کنیم. این آرزوی بزرگ همه عدالتخواهان، همه مبارزان و شهیدان و همه ادمردان عالم در تاریخ ما و در تاریخ عالم بوده و هست.<sup>۲</sup>

#### عدالت، هدف از قبول مناصب دولتی

در نظر امیرالمؤمنین علیه السلام منصب حکومتی نباید وسیله ای برای راحتی و عیش و

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر ۱۳۷۲/۳/۱۹.  
۲. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید ۱۳۷۹/۱/۱۳.



### برخورد امیرالمؤمنین با کارگزاران متخلف

نزدیک‌ترین انسانها به امیرالمؤمنین علیه السلام، جناب عبدالله بن عباس ... بود. وقتی خطایی از آن بزرگوار سر زد - مقداری از اموال بیت‌المال را که فکر کرده بود سهم او می‌شود، برداشته و به مکه رفته بود - امیرالمؤمنین علیه السلام چنان نامه‌ای به وی نوشت که با خواندن آن، موبر تن انسان راست می‌ایستد.

تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه،<sup>۱</sup> خطاب به عبدالله بن عباس این است که «تو خیانت کردی؛ آن‌گاه می‌فرماید: «فانک ان لم تفعل؛ اگر این کاری که گفتم نکنی، «ثم امکننی الله منک؛ بعد دستم به تو برسد، «لأعذرن الی الله فیک، پیش خدا درباره تو خودم را معذور خواهم کرد. یعنی من سعی می‌کنم به خاطر تو، پیش خدا خجلی و سرافکنده نشوم. «ولأضربنک بسیفی الذی ما ضربت به احدا الا دخل النار؛ تو را با همان شمشیری خواهم زد که به هر کس این شمشیر را زدم، وارد جهنم شد! این جمله باز بالاتر است: «ووالله لو ان الحسن والحسین فعلا مثل الذی فعلت ما کانت لهما عندی هوادة؛ به خدا سوگند، اگر این کاری را که تو کردی، حسن و حسین من بکنند، پیش من هیچ‌گونه عذری نخواهند داشت. و «لا ظفرا متی باراده؛ هیچ تصمیمی به نفع آنها نخواهم گرفت. «حتی أخذ الحق منهما و ادیح الباطل ان مظلمتهما؛ حق را از آنها هم خواهم گرفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام با آنکه می‌داند حسن و حسین معصومند؛ اما می‌گوید اگر چنین اتفاقی هم - که نخواهد افتاد - بیفتد، من ترحم نخواهم کرد. این شجاعت است. البته این شیوه برخورد، عناوین گوناگونی دارد. از یک دیدگاه عدل است و از دیدگاه دیگر ملاحظه قانون و احترام به آن است؛ اما از دیدگاه دیگر هم، شجاعت و قدرت تسلط بر نفس است. امروز من، شما و آحاد ملت ایران، به این شجاعت احتیاج داریم و هر کس که کارگزار این حکومت است و دستش به چیزی

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۱.

### رابطه تقوای الهی و عدالت اجتماعی

عدالت انسانی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، خود را نشان می‌دهد: عدالت یک انسان در قلمرو فردی او، و عدالت یک زمینه حکومت و فرمانروایی او، که به آن عدالت اجتماعی می‌گوییم. هر دوی اینها در زندگی امیرالمؤمنین برجسته است. اینها را ما باید به قصد عمل کردن بدانیم؛ به خصوص کسانی که در جامعه مسؤولیتهایی بر دوش دارند و در قلمرو حکومت، صاحب شأنی هستند. در امیرالمؤمنین عدالت شخصی در حد اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده او از بهره‌های زندگی، در هزینه کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه شؤون او خودش را نشان می‌دهد. در واقع در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه عدالت جمعی و منطقه تاثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هر کس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اول باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا به همان معنایی که در ابتدای خطبه عرض کردم - یعنی مراقبت برای خطا نکردن، البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالاخره هر انسان غیر معصومی دچار خطای می‌شود؛ اما این مراقبت، یک صراط مستقیم و یک راه نجات است و از غرق شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد.

هر کس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد - در هر محدوده‌ای - اول باید شروع به تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند. یعنی اول خودش را اصلاح کند، بعد به سراغ دیگران برود.<sup>۱</sup>

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

اقامة الحق عليه؛ یعنی اگر کسی انسان مؤمنی است، انسان مجاهد فی سبیل الله است، زحمات زیادی داشته، جبهه بوده و کارهای بزرگی کرده، رعایت حق او بر شما واجب است. اگر در جایی این شخص تخطی و حتی را ضایع کرد، شما که مدیر و مسؤول هستید، نباید آن حق واجب، مانع بشود از اینکه در موردی که تخطی کرده، حق اجرا نشود. بنابراین مسائل را از هم جدا کنید. اگر کسی آدم خوبی است، شخص بالارزشی است، سابقه خوبی دارد و برای اسلام و کشور هم زحمت کشیده؛ خیلی خوب، حق او مقبول و محفوظ و ما مخلص او هستیم؛ اما اگر تخطی کرد، رعایت آن حق نباید موجب شود تخلفی که انجام داده، نادیده گرفته بشود. این، منطق امیرالمؤمنین است.<sup>۱</sup>

**قاتل نشدن حق ویژه برای عده‌ای خاص**  
عدالت، یعنی اینکه عده خاصی برای خودشان حق ویژه‌ای قایل نباشند. عدالت، یعنی اینکه حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقول مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.<sup>۲</sup>

**آن مقدار که می‌توانیم باید عدالت را اجرا کنیم**  
حالا بعضی می‌گویند آقا، آن عدالتی که گذاشت علی علیه السلام حکومت مبارک خود را ادامه بدهد؛ شما چطور می‌خواهید آن عدل را امروز اجرا بکنید؟ من می‌گویم آن مقدار که ما می‌توانیم و طاقت داریم، باید اجرا شود. ما ادعا نداریم که باید مثل

۱. خطبه‌های نماز جمعه در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۳/۱/۱۵.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

از بیت المال مسلمانان می‌رسد و مردم بیشتر به او اطمینان دارند، بیشتر به این شجاعت احتیاج دارد.<sup>۱</sup>

### سوابق افراد نباید مانع اجرای عدالت شود

طلحه و زبیر هم - که بزرگان آن روز اسلام و جزو بقایای اصحاب پیغمبر بودند - خدمت امیرالمؤمنین آمدند و حرفهای گله آمیزی زدند؛ از جمله گفتند: «آنک جعلت حقنا فی القسم کحقی غیرنا؛ تو ما را با دیگران در تقسیم بیت‌المال یکسان کردی؛» او سویت بینا و بین من لا یمائنا؛ ما را با کسانی که شبیه ما نیستند، در دادن اموال بیت‌المال یکی قرار دادی. این چه وضعی است؟ چرا امتیاز قائل نیستی؟ «من لا یمائنا فیما افاء الله تعالی باسیافنا و رماحنا؛ با شمشیر ما اینها به‌دست آمد؛ ما بودیم که اسلام را پیش بردیم؛ ما بودیم که زحمت کشیدیم و تلاش کردیم؛ حالا تو ما را با کسانی که تازه آمده‌اند و عجمی و جزو کشورهای مفتوح هستند، یکسان قرار داده‌ای؟»

... حضرت بالای منبر رفت و جواب تندى داد. راجع به مسأله تقسیم مساوی بیت‌المال فرمود: «فان ذلك امر لم احکم فیه بادی بده»؛ من که بنیانگذار چنین روشی نیستم؛ وقد جدت انا و انتما رسول الله صلی الله علیه و آله یحکم بذلک؛ هم من و هم شما بودیم و دیدیم پیغمبر این‌طور عمل می‌کرد. من کار تازه‌ای نکردم؛ همان کار پیغمبر را دارم دنبال می‌کنم؛ می‌خواهم همان ارزشها و همان پایه‌های اعتقادی و عملی جامعه را در این دوران مستقر کنم. و علی مستقر کرد و می‌کرد؛ هزینه‌اش را هم امیرالمؤمنین پرداخت. هزینه این کار، وقوع سه جنگ بود.

... امیرالمؤمنین در همین زمینه یک جمله دیگر دارد. بد نیست ما با معارف علوی یک‌خرده آشنا شویم. ایشان می‌فرماید: «لا تمن انکم رعایة الحق لتهدعن

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.

عوض شده است؛ این قدر جهت‌ها و باطن تغییر کرده است. اما نظام اسلامی کامل، هنوز با ما فاصله دارد. ما می‌گردیم، حرکت می‌کنیم، تا به نظام اسلامی کامل برسیم. همت، این است. امید، این است. بعضی می‌گویند: چه فایده دارد؟ نمی‌شود! در این دنیا، نمی‌شود! ما می‌گوییم: «چرا باید مایوس بود؟! می‌شود! می‌شود که ما در نظام جمهوری اسلامی، عدالت اسلامی را به معنای حقیقی کلمه اجرا کنیم. می‌شود که در نظام جمهوری اسلامی، طوری بشود که صاحب حق، اگر چه ضعیف باشد، بتواند حق خود را بی‌دغدغه از کسی که حق او را گرفته است - ولو آن شخص قوی باشد - بگیرد، می‌توانیم به اینجا برسیم. اصلاً همت ما این است که به اینجا برسیم. بنا بر این است که به اینجا برسیم. حکومت علوی، یعنی این، می‌شود که در نظام اسلامی، هر کارگزاری که در هر جای این نظام خدمت می‌کند عادل باشد که بشود پشت سرش نماز خواند. چرا ما این امور را مستبعد بشماریم؟! می‌شود که ما دستگاه اداری کشور را طوری اصلاح کنیم که اشاره به سوءاستفاده و رشوه، موجب خشم طرف مقابل شود. اینها همه ممکن است.<sup>۱</sup>

### عدالت ملاک قوام و پایداری جامعه اسلامی

جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است.<sup>۲</sup>

### منطق و عدالت اجتماعی عاملی برای گسترش اسلام

یک ابزار اسلام برای گسترش و غلبه بر همه ادیان و جماعات و ملل و کشورها،

۱. دیدار گروه کثیری از آزادگان ۱۳۷۱/۵/۲۶.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۱/۱/۷.

امیرالمؤمنین عدالت را اجرا کنیم. ما می‌گوییم آن مقدار که توان مؤمن امروز دنیا کفاف می‌دهد، باید اجرا کرد. اما این مقدار عدالتی را که می‌شود اجرا کرد و باید اجرا کرد، اگر به صورت یک فرهنگ در بیاید و مردم معنای عدالت را بفهمند، آن وقت قابل تحمل خواهد بود.<sup>۱</sup>

امروز در نظام جمهوری اسلامی هیچ کس حق ندارد بگوید چون ما نمی‌توانیم مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم؛ پس تکلیفی نداریم؛ نه، بین آنچه که ما می‌توانیم عمل کنیم و آنچه که امیرالمؤمنین بود، مراتب بسیاری فاصله است. ما هر چه می‌توانیم، باید این مراتب را طی کنیم و پیش برویم.

مسئولان باید همت کنند تا بتوانند این عدالت مورد نظر اسلام را در همه ابعاد - در ابعاد قضایی، در ابعاد اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصتهای گوناگون و در همه چیزهایی که در کشور برای انسانها اهمیت دارد - اجرا کنند. در هزینه بیت‌المال، در استفاده شخصی، در عزل و نصب و در همه کارهایی که یک مسؤول در قوای سه‌گانه - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه - می‌تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت؛ و روش، روش عادلانه باشد. اگر این طور شد - که در هر بخشی از بخشهای این کشور و این نظام به تحقق عدالت همت گماشته شد و کسانی دنبالش را گرفتند و عدالت در دسترس بود و مردم طعم آن را چشیدند؛ در همه بخشهای زندگی باید سعی کنیم اثری از بی‌عدالتی نماند - آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه مردم دنیا و به همه امت‌های اسلامی، به عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد.<sup>۲</sup>

### می‌توان عدالت اسلامی را، اجرا کرد

این نظام، نقطه مقابل نظام قبلی است. ما این قدر پیش آمده‌ایم؛ این قدر ظواهر

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز میلاد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۳۷۵/۹/۵.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

### گفتمان عدالت را همه گیر کنید

گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و همان طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود برچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض.<sup>۱</sup>

باید عدالت، محور و اساس باشد. باید امنیت همه‌جانبه مورد توجه باشد؛ امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت آبرویی. مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان و مال و فرزندان و ناموس و فکر و عقیده و سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان بر خوردار از امنیت است.<sup>۲</sup>

### ضرورت برنامه‌ریزی برای اجرای عدالت

هم دستگاههای قضایی، هم دستگاههای اجرایی و هم قوه مقننه، هر کدام باید ببینند برای تکمیل و گسترش و هوشمندانه اجرا کردن عدالت در سطح کشور و در همه کارها و فعالیتهای اقتصادی - که مقداری بحمدالله وجود دارد، اما باید تکمیل شود - به خصوص در این دوران، چه وظیفه‌های متوجه آنهاست؛ آن وظیفه را باید انجام دهند.<sup>۳</sup>

۱. دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۳/۸/۱۰.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸.

۳. سخنرانی در صحن امام خمینی مشهد ۱۳۷۶/۱/۱.

عبارت از منطق است و دیگری، عبارت از عدالت اجتماعی است. فرق عدالت اجتماعی با منطق این است که منطق و استدلال را همه مسلمانانی که حتی در اقلیت هم باشند، می‌توانند به کسانی که درباره اسلام دچار تردیدند، ارائه دهند. مثلاً فرض بفرمایید، اگر یک دانشمند اسلامی در کشوری زندگی کند که مسلمانان در آن کشور، در اقلیت قرار داشته باشند، می‌تواند عقاید اسلامی و استدلال و منطق اسلام را ارائه کند. اما عدالت اجتماعی چه؟ عدالت اجتماعی اسلام، فقط در هنگامی قابل ارائه و عرضه کردن است که یک حکومت اسلامی بر پا شود. عدل اسلام در هنگامی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی در کشوری وجود داشته باشد؛ و آلا عدالت اسلامی چگونه قابل اجراست؟

... اگر جامعه‌ای که براساس اسلام به وجود می‌آید، در میان خود، عدالت اجتماعی و عدالت حقوقی و عدالت قضایی و عدالت اجرایی داشته باشد، عدالت به معنای مطلق کلمه در میان مردم اجرا شود و تقسیم صحیح ثروت باشد، خود این عدالت در این جامعه، عاملی برای جذب دلهای ملتها و مردم در همه جای دنیا به اسلام است.<sup>۱</sup>

### عدالت مبنای همه تصمیم‌گیریهای اجرایی

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیریهای اجرایی است و همه مسؤولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسؤولان بخشهای مختلف اجرایی، به خصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجرای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند.<sup>۲</sup>

۱. سخنرانی در صحن امام خمینی مشهد ۱۳۷۶/۱/۱.

۲. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳.

## توزیع عادلانه ثروت

عدل، یکی دیگر از پایه‌های نهضت اسلامی بود. امروز ملاک ثروتمند بودن کشورها را این گونه معین می‌کنند که تولید ناخالص ملی این قدر است و سرانه این قدر. یعنی چه؟ یعنی سرمایه و ثروت به همه مردم، نزدیک به هم و یکسان می‌رسد؟<sup>۱</sup> ابتدا ثروتمندی یک کشور به معنای این نیست که در آن کشور، انسان فقیر محروم بدبخت تهیدست از اولیات زندگی وجود ندارد. امروز حتی در همین آمریکا و کشورهای ثروتمند دنیا، انسانهایی هستند که وضع فقر آنها با وضع فقر انسانی که در کشور فقیری مثل هندوستان یا افغانستان زندگی می‌کند، هیچ تفاوتی ندارد. اسلام تولید و استخراج منابع ثروت را لازم می‌داند؛ اما می‌گوید ثروت باید متعادل تقسیم شود. البته عدل در اسلام، به معنای «تساوی» که کمونیستها حرفش را زدند و هرگز هم به آن عمل نکردند نیست؛ بلکه تعادل یعنی اینکه این شکافهای طبقاتی و حفره‌های عمیق به هیچ وجه نباید وجود داشته باشد. به جامعه خودتان نگاه کنید! هر چیزی که بر خلاف این اصول است، نقاط انحراف ماست؛ جاهایی است که غلط رفتیم؛ مشکلاتی هم که داریم، ناشی از همین غلط رفتنهاست.<sup>۱</sup>

## «عدل» یک نظام اجتماعی است نه یک پیام شخصی

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این طور نیست که هر کس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه قائم به قسط باشد؛ «لیقوم الناس بالقسط».<sup>۲</sup> قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛

۱. دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۲/۳/۱۸.

۲. قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.

## اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ است

ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه دینی و اسلامی کنیم. بنده دوسه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسوولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد.<sup>۱</sup>

۱. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۶.

**تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور**  
 تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نایستی طوری باشد که فاصلهها روزبه‌روز زیادتر بشود و عده‌ای آن‌طور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم، وزارت اقتصاد دارایی و بخش مربوط به مالیات، می‌تواند تأمین بکند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا، از کسانی که سودها و استفاده‌هایی می‌برند. این هم یک معنای دیگر است.<sup>۱</sup>

### ایجاد عدالت در همه سیاستهای اجرایی

ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زورمند و زورمند، هم از تریبونها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هر جا بخوانند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌مانند. اهتمام اصلی دولت در همه سیاستهای اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. باین کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته اینکه چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند. مثلاً اگر می‌خواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه اول باید ببینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم.

عزیزان من! این نکته را در اینجا بگویم: از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشراقگیری در مسئولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشراقگیری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۵/۶/۸.

تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت می‌شود، می‌گویند: ما می‌خواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البته هر کس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است و می‌خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند.

... هدف ما، استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه کارها برای اقامه عدل، ارزش پیدا می‌کند. در جامعه نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است. البته عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان و آدمهای کم عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید بر داشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن، و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن. این معنای عدالت است و برای جامعه لازم است.<sup>۱</sup>

۱. دیدار مسئولان و جمعی از افسار مختلف مردم ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

اینکه شکوفایی نخواهد شد، نظام اسلامی این گونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله اول نیست. آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است - مثل فرصتها و امکانات - متعلق به همه کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد.

ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می گیرد؛ ابتکار و میدان را می گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می کند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن را داریم، نه این را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. این طور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هر چه که در هر دوره ای مصلحت باشد. نخیر! نظر شریف امام (رضوان الله علیه) هم این نبود. من خود یک وقت از ایشان پرسیدم:

اسلام یک روش خاص خود دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن سلک را طی می کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه ریزان کشور، باین سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه ریزی کنند.<sup>۱</sup>

۱. تفهیم حکم ریاست جمهوری حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی ۱۳۲۲/۵/۱۲.

اولش بزرگتر است. عیب اول اشراقگیری، اسراف است - اشراقگیری حلال را می گوئیم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و به حق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ سازی می کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می کند. البته در این زمینه مسؤولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ تلویزیون بسیار نقش دارد؛ منش من و شما هم بسیار نقش دارد.<sup>۱</sup>

### رشد و توسعه، مقدمه عدالت

بعضی این طور تصور می کردند - شاید حالا هم تصور کنند - که ما بایستی دوره ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می پردازیم. این فکر، اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه، مقدمه عدالت است.<sup>۲</sup>

### ایجاد عدالت در جهت رفع محرومیت

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده ما با نظامهای سرمایه داری همین است.

در نظامهای سرمایه داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و از زیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. اینجا مسأله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه داری نیست. در نظام سرمایه داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه داری می گوید: «معنی ندارد که ما بگوئیم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد.

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۸۰/۱۶/۵.

۲. دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۸.

می‌پسندد و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. راه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف، و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌ای از نقاط اگر به یکی از این آفتها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود.<sup>۲</sup>

### رفع فقر و محرومیت در زندگی مردم

چه فایده‌ای دارد که کشوری ثروتمند باشد؛ اما در آن گرسنگان زیادی وجود داشته باشند. تولید بالا داشته باشد؛ اما تبعیض و تفاوت در جامعه وجود داشته باشد. عده‌ای باشند که بتوانند با کمک آن ثروتی که این کشور دارد، بر جمع کثیری از مردم ظلم کنند، زور بگویند و آنها را استثمار نمایند؛ برای این، انسان جا دارد کار کند؟! برای این، انسان باید فداکاری کند؟ فداکاری، برای عدالت و آزادی و شادی و بهجت روح انسانی است و اینها را دین تأمین می‌کند.<sup>۳</sup>

هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم، نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی - یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی - دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحو

۱. دیدار شرکت‌کنندگان در مراسم سالگرد از حال حضرت امام (ره) ۱۳۷۸/۳/۱۲.

۲. دیدار مردم چیرفت ۱۳۸۴/۳/۱۷.

۳. دیدار روحانیون و مبلغین در آستانه ماه محرم ۱۳۷۸/۱/۲۳.

### عدالت، در کنار توسعه و رشد اقتصادی

دوستان به مسأله کوچک کردن، خصوصی‌سازی و حجم زیاد و فربه دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تأیید است. من این نکته را عرض کنم: مادر زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متناقض نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.<sup>۱</sup>

### پیشرفت اقتصادی، منهای فاصله طبقاتی

اسلام به ملتها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصبات جاهلانه و کج فکریها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد.

آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا

۱. دیدار اعضاء هیأت دولت ۱۳۸۳/۶/۴.



### وجود امکانات بیش از حد، برای عده‌ای خاص

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که می‌توانند از موجودیهای کشور، سودها و بهره‌های بی‌حساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورت‌های قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری می‌کنند. یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد، اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد. بدون شک، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار بگیرد. همین توری هم که همیشه از آن می‌نالید و همه می‌نالند و حق هم هست، تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاههای مختلف دولت، توجه دقیقی بشود که جلوی استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیح منتهی و منجر به ثروت‌های کلان، گرفته بشود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را می‌بخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج بشود و مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت و بقیه بخشهای گوناگون، توجه بکنند که این را طوری علاج نمایند و نگذارند آن زمینه را فراهم کند.<sup>۱</sup>

### قانونگرایی کار سختی است

بدانید که قانونگرایی کار سختی هم هست؛ اما با وجود سختیهایش، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، فوایدش از بی‌قانونی بهتر است. وقتی که انسان سوار اتومبیل است و می‌خواهد به منزل برسد، ممکن است از راه میانتر یا ورود ممنوعی، مسیر خود را انتخاب کند. اگر شما از این راه رفتید و به منزل رسیدید، به نظر تان فایده‌نقدی وجود دارد؛ اما خطراتی که در این راه هست، به مراتب

۱. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۵/۶/۱۸.

صحیح میان مردم تقسیم شود؛ هر کس استعداد خود را به صحته بیاورد و بهره آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ‌کس محروم نماند. معنای ریشه‌کنی فقر این است. درباره دولتهای جمهوری اسلامی اینها را باید ملاک قرار داد.<sup>۱</sup>

### مردم باید عدالت را احساس کنند

مهم‌ترین وظیفه مسؤلان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداریها و دسترسیهای همه افراد به امکانات کشور.

...الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطفوت بین قشرها و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.<sup>۲</sup>

همه ما پیشرفتهای این کشور را در زمینه علم، فناوری، تحقیقات و توسعه اقتصادی می‌دانیم و می‌بینیم. این پیشرفتهای برای این ملت طبیعی است. اگر این ملت پیشرفت نکند، غیر طبیعی است. آنچه باید روی آن تکیه و برای آن تلاش کرد، این است که این حرکتها و این پیشرفتهای در سایه عدالت اجتماعی انجام بگیرد تا جوانان و همه مردم بخشهای گوناگون ایران بتوانند از امکانات این کشور استفاده کنند.<sup>۳</sup>

۱. دیدار مردم جیرفت ۱۳۸۴/۲/۱۷.

۲. دیدار مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۲/۱۸.

۳. دیدار مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۲/۱۸.

### بحث عدالت اجتماعی باید تعقیب شود

سؤال: سؤالی راجع به بحث عدالت اجتماعی، دارم. علی‌رغم بیانات شما در چند سال گذشته، این بحث درگیر بازیهای سیاسی گردید و به آن غایتی که جنابعالی فرموده بودید، چندان نزدیک نشد. آیا زمان آن نرسیده است که به طریق اصولی به این بحث بنگریم و داراییهای افراد را مورد بررسی قرار دهیم و این امر را از دولتمردان آغاز کنیم و به مرور در جامعه تسری دهیم؟

جواب: این حرف بسیار خوبی است که گفتنش آسان است، اما عمل کردنش بسیار بسیار مشکل می‌نماید. به مجرد اینکه به سمت بعضی از مسؤولان دست دراز شود، طبعاً اول گله و شکوه و فریاد آنهاست. یک وقت می‌بینید که در اصل کار هم مانع‌تراشی می‌شود و انجام نمی‌گیرد! من یک عقیده جدی دارم که بحث عدالت اجتماعی باید تعقیب شود. شکلی در این نیست و بارها هم این را گفته‌ام. منتها آن کسی که باید تعقیب کند، بنده نیستم؛ دستگاههای قضایی و دستگاههای دولتی هستند که بایستی دنبال کنند. یک مقدار از این قضیه باید به برکت قوانین خوب حل شود؛ یک مقدار باید به برکت اجرا حل شود؛ یک مقدار هم باید به برکت بازرسی دستگاههای برتر و بالاتر حل شود؛ یعنی دستگاههای دولتی، نسبت به بخشهای زیرمجموعه خودشان. به هر حال، من نسبت به این قضیه، با نویسندۀ این نامه هم عقیده‌ام و امیدوارم که پیش برود.<sup>۱</sup>

### علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه

علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه

۱. جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۹/۱.

غیر قابل مقایسه با آن سود است. تمام قوانین همین طورند. از قانون اساسی که اساس کار ماست گرفته، تا قوانین عرفی و عادی و معمولی که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، تا احیاناً مصوبات بعضی از مراکز دیگر مثل هیأت عمومی قوه قضاییه که در حکم قانون است - تا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، که آن هم مصوباتش در حکم قانون است. آنچه که آنها معین می‌کنند و به مسؤولان راهبرد می‌دهند، ارزشش بیشتر است.

البته این حرف هم - همان طور که عرض کردم - حرفی آسان است که در مقام عمل دشواریهایی دارد. بعضی قانون را طوری عمل می‌کنند که اصحاب سبت عمل کردند! اصحاب سبت هم عین مَر قانون عمل کردند؛ یعنی خدا گفته بود روز شنبه ماهی نگیرید، اینها هم روز شنبه ماهی نگرفتند. بله؛ کار کوچکی کردند که آن هم رسماً منع نشده بود و آن بود که حفره‌هایی درست کردند، ماهیها داخل آن حفره‌ها آمدند، راه آن حفره‌ها را در روز شنبه بستند، تا ماهی نتواند برگردد! روز شنبه این کار را کردند، روز یکشنبه همان ماهیها را گرفتند! این ظاهر قانون است. اگر شما نگاه کنید، این مثل همان کلاه شرعی‌هایی است که یک ربای سنگین کذایی را با یک شاخه نبات جا به جا می‌کردند! قانون بود، ظاهر شرع بود؛ اما امام بزرگوار (رضوان‌الله‌علیه) که یک فقیه قوی آگاه به لب و روح دین بود، قبل از اینکه تشکیل حکومت بدهد، این را منع کرد. جزو فتاوی ایشان که در دوران مبارزه، ما به آن فتوا افتخار می‌کردیم و همه جا هم نقل می‌نمودیم - منع حیل را بود. ایشان مطلقاً حیل را منع کرد. شما آقایان، حیل قانون را هم منع کنید و جلوش را بگیرد. بعضی از شرکتها و بعضی از مجموعه‌های علی‌الظاهر قانونی، حامل باطن اصحاب التبتی هستند. مواظب باشید کسانی که می‌خواهند از قانون بگریزند، شما را به این دام نیندازند؛ نیاید شما را قانع کنند که این کار قانونی است.<sup>۱</sup>

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۶/۶/۲.

من احتمال می‌دهم که در مواردی کمبود قانون باشد؛ چون پیش آمده دیده‌ایم.<sup>۱</sup>

### باید همه افراد، در برابر قانون یکسان باشند

در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعال باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به‌خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیانینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و بر برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این رایکی از اساسی‌ترین مسائل جمهوری اسلامی دانسته و قوی‌ترین بیانات را در این باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیر قابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حایلی نباید بتواند مسؤولین نظام و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ماکه بر اثر سیاستهای خانثانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادق‌ترین و با اخلاص‌ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده خود قرار دهد.<sup>۲</sup>

۱. دیدار مسؤولان نیروی انتظامی و بیمه تأمین اجتماعی ۱۳۷۶/۴/۲۵.

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰.

دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.

همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر اینکه یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است.<sup>۱</sup>

### امنیت متعلق به همه است

امنیت افراد مرفه که از سرمایه و امکاناتی برخوردارند، واجب‌تر از امنیت آن کارگری که چشمش به مزد روزانه است، نیست. لذا امنیت، متعلق به همه است؛ نیروی انتظامی هم متعلق به همه است.

... وقتی ما می‌گوییم که باید با طبقه بهره‌مندان از پولهای حرام مقابله شود، فوراً یک عده نگران می‌شوند که امنیت سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی به خطر افتاده؛ امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت تلاش اقتصادی به خطر نمی‌افتد، این کمک به آن سرمایه‌گذار بهیاست.

... نمایندگان محترم! اگر قوه قضاییه و دستگاه انتظامی، برای مقابله با ثروتهای بادآورده دچار کمبود قانونند، در اسرع وقت برایشان قانون فراهم کنید.

۱. خطبه‌های نماز عید فطر تهران ۱۳۸۱/۹/۱۵.

عامة و - به تعبیر امروز ما - توده مردم خشنود و راضی باشند، خشم آن گروهها قابل بخشایش است. باید این را فکر کرد.

عزیزان من! هر انسان عاقلی و هر مجموعه‌ای باید بگردد، لشکریان با اخلاص و با صدق خودش را جستجو کند. امام بزرگوار ما، بزرگ‌ترین هنرش این بود که لشکر خود را شناخت و پیدا کرد و دانست که در روز بعد، چه کسی به داد او خواهد رسید و چه کسی سخن او را خوب گوش خواهد کرد. شما ببینید چه کسانی به سخنان امام گوش کردند؟ خوشبختانه صحنه جنگ تحمیلی که از چندین سو برای ما درس است، از این جهت هم برای ما درس است. آن روزی که امام در سال پنجاه و هشت سر قضیه پاره کلمه‌ای گفتند، ساعت حدود سه و نیم، چهار بعد از ظهر بود که من به طرف جماران می‌رفتم. اصلاً قیافه شهر، قیافه دگرگون شده‌ای بود و مردم همین‌طور بی‌اختیار راه افتاده بودند. این حالت، تقریباً با فراز و نشیبها و کم و زیادهایی، تا سال شصت و هفت ادامه داشت. وقتی که امام اشاره‌ای می‌کرد، فریادی می‌کشید و دستوری می‌داد، چه کسانی می‌رفتند؟ آنها لشکر حقیقی شما نبودند؛ آنها را دریابید.

البته یک دولت، برای گروه یا دودن گروهی فکر نمی‌کند. امنیت برای همه است. فرقی هم نمی‌کند که آن همه‌ای که ما می‌گوییم، جزو مخلصان دولت باشند یا نباشند. ولو آنهايي که مخلص دولت هم نیستند، باید امنیت داشته باشند. آنهايي که با دولت روابط چندان صمیمانه‌ای ندارند، بایستی امکان کار و تلاش داشته باشند. شکی نیست که خدمات شما متعلق به همه است. شما برای جمعی یا دودن جمعی کار نمی‌کنید؛ اما بدانید که در میان اینها، آن کس که وقتی شما فریاد استمداد بلند کردید، به داد شما خواهد رسید، کیست. فرض کنیم، اگر یک روز احتیاج به این داشتید که برق کم مصرف شود و اعلان کردید که برق کم مصرف کنید، ببینید چه کسانی به حرف شما گوش می‌کنند و چه کسانی اعتنا

### مقدم داشتن منافع عموم مردم

در زمینه کارها باید اساس را مردم قرار داد. این، حرف کلی است. همه این حرف را می‌زنند؛ هیچ‌کس هم منکر این حرف نیست.

... گاهی اوقات منافع و خواست عامه مردم، با منافع گروههای خاص تعارض پیدا می‌کند. ... جاهایی است که اگر اقدامی را در زمینه صنعت، در زمینه مسائل اقتصادی، در زمینه مسائل پولی، در زمینه مسائل فرهنگی و در زمینه مسائل گوناگون انجام دهیم، به نفع مردم است؛ اما گروههای خاصی در جامعه هستند. گروههای پولی، مالی، اقتصادی، ثروتمندان، گروههای فرهنگی و گروههای سیاسی - که اینها متضرر خواهند شد. این، آن نقطه حساس است. آن صراط مستقیم، اینجا معلوم می‌شود. این، جای همان فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است که «فان سخط العامة، یجحف برضی الخاصة»<sup>۱</sup> یعنی اگر یک وقت مردم خشمگین بودند، خشنودی گروههای خواص به کل نابود خواهد شد و بر باد خواهد رفت. سخط و خشم عمومی، خشنودی گروههای خاص را پیمان خواهد کرد. گیرم که چند صباحی، ما در فلان سیاسی که اعمال کردیم و فلان کاری که اجرا نمودیم، چهار نفر از گروههای خاص یا گروههای پولی و مالی را هم از خودمان راضی کردیم؛ اما اگر خدای ناکرده با این کار، مردم را ناراضی کرده باشیم، این ناراضی مردم مثل توفانی می‌آید و همه اینها را در می‌نوردد. این، هیچ ارزشی ندارد. بعد عکسش را می‌فرمایند: «وان سخط الخاصة، یقتفر مع رضی العامة»<sup>۲</sup> یعنی اگر فرض کنیم که گروههای خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، سر سیاست و عملی از ما خشمگین و ناراضی شدند و گفتند که دولت چرا این کار را انجام داد، چنانچه «یفتقر مع رضی العامة»؛ یعنی وقتی که

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۲.

**رفع فقر و محرومیت یکی از ارکان عدالت است**  
 پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسؤلیت ماست. همه برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.<sup>۱</sup>

در برنامه‌ریزیهای بعدی مسأله برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه مفهوم عدالت این نیست که مافقر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه بخشها و برنامه‌ریزیهایتان دخالت دهید.<sup>۲</sup>

**نیاید در جامعه ما مستمند وجود داشته باشد**  
 باید وضع زندگی کارگران از لحاظ مادی و معنوی بهبود پیدا کند. با اجرای قوانین مناسب و توسعه اشتغال، نباید در جامعه ما مستمند وجود داشته باشد. کارگران که جزو قشرهای مستضعف جامعه هستند، باید در اولویت برنامه‌ریزیهای توسعه اقتصادی قرار گیرند. اگر کارگر تأمین بود و نیازهایش برآورده شد، کار بهتر انجام می‌گیرد.

**تکلیف الهی ما و مقتضای عدالت اسلامی این است که همه افراد جامعه - از هر قشری - برخورداریهایی لازم و مناسب شأن انسانی یک مؤمن را داشته باشند و تبعیضها و بهره‌مندیهای ناحقی که در جوامع فاسد دنیا وجود دارد و در جامعه**

۱. دیدار معلمان و کارگران ۱۳۸۳/۲/۱۸.

۲. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۱۸.

نمی‌کنند و در منزلشان، صد برابر آن آدمی که با دو شعله برق، مصرف معمولی دارد، مصرف خود را بالا می‌برند؛ یعنی به فکر شما نیستند. ببینید اینها چه کسانی هستند. به نظر من، اینها را خیلی راحت می‌شود شناخت.

من خواهش می‌کنم که در همه بخشها - در زمینه فرهنگ، در زمینه مسائل سیاسی و در زمینه امنیت - مسأله «رضی‌العامه و سخط‌العامه» را در مقابل «رضی‌الخاصه و سخط‌الخاصه» در نظر بگیرید؛ ببینید آنهایی که فریاد و استصراخ شما را در هنگام لازم جواب می‌دهند، چه کسانی هستند.<sup>۱</sup>

### **پر کردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی**

این ملت بزرگ و فداکار، به‌خصوص طبقات محروم و پابرهنگان که بار اصلی انقلاب و کشور را همیشه بر دوش داشته‌اند، حقاً شایسته خدمت و سزاوار صمیمیتند. در تمام برنامه‌ها و تصمیمها، پیش از هر چیز لازم است استیفای حقوق و تأمین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف آنان مورد توجه باشد. اگر در دورانیهای گذشته، همه سرمایه‌ها و پول و شغل و تحصیل و عمران و خلاصه همه خیرات در جهت منافع مرفهین به کار می‌رفت و قشرهای ضعیف - یعنی اکثریت - همواره به فراموشی سپرده می‌شدند، نظام اسلامی به‌عکس باید تمام همت خود را به پر کردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی میان فقیر و غنی مصروف کند و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را در راه خدمت به پابرهنگان که حق حیات به گردن کشور دارند، به کار اندازد. هر لحظه‌ای از عمر مسؤولان که در خدمت مردم صرف کار و اندیشه شود، به عبادت صرف شده است و کارگزاران کشور - که خدمتگزاری مردم، بزرگ‌ترین افتخار آنان است - باید لحظه‌ای را از این عبادت خالی نگذارند.<sup>۲</sup>

۱. دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۴/۶/۲.

۲. پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۶۹/۸/۱۳.

اصول انقلاب احترام گذاشته و آن را رعایت کرده‌ایم. هر جا ناکامی داشته‌ایم، به خاطر آن بوده است که کم و بیش از اصول الهی و اسلامی و انقلابی، انحراف پیدا کرده‌ایم. پیشرفت‌های ما، به برکت اصول انقلاب است.<sup>۱</sup>

### قشر محروم، مدافعین هنگام تهدید مملکت

هر کس وظیفه‌ای دارد و باید وظیفه‌اش را دقیق انجام دهد. مسؤولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابره‌نه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه کارگری، همین مملمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایین قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند.<sup>۲</sup>

### مردم از تبعیض رنج می‌برند

برادران و خواهران عزیز! نیاز عمده امروز کشور ما عدالت است. مردم از تبعیض رنج می‌برند. مسؤولان کشور - که بحمدالله مسؤولان ارشد کشور مؤمن و پاکیزه‌اند - اگر می‌خواهند آنچه را که نیاز حقیقی مردم است، اعمال کنند، باید به عدالت بیندیشند. اگر فکر و انگیزه عدالت در دل‌ها زنده باشد، آن‌گاه فرصت کار و توفیق برای بازگردن گره‌ها یکی یکی به وجود خواهد آمد؛ بیکاری و مسائل اقتصادی و مشکلات گوناگونی که در زمینه‌های فرهنگی وجود دارد، حل می‌شود و رشد علم در دستگاه‌های علمی و در دانشگاه‌ها ممکن خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۲/۱۱.

۲. دیدار جمعی از مملمان و کارگران ۱۳۷۹/۳/۱۴.

۳. دیدار عمومی در مصلاي تهران به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۱/۳/۳۰.

قبل از انقلاب ما نیز به بدترین شکل وجود داشت و هنوز بقایای آن بکلی از بین نرفته است، برچیده شود.<sup>۱</sup>

### هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه

آنچه که من به برنامه ریزان و مسؤولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیر تر شوند. این، به هیچ وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روز به روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درستی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهت‌گیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمام‌تر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند.<sup>۲</sup>

### اصولگرایی انقلابی

ما در گذشته هر جا که توفیق داشته و موفق شده‌ایم، به خاطر آن بوده است که به

۱. مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور ۱۳۶۸/۴/۵.

۲. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۲/۱۱.

### بوترین گام در راه استقرار عدل

امروز در جامعه ما، بوترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه مراحل پرورش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه اقتصادی، با چگونگی و اندازه پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.<sup>۱</sup>

### وابستگی عدالت اجتماعی و اخلاق

عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است. اما مقررات و قوانین، بدون اینکه افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست.<sup>۲</sup>

### عدالت، عدهای را نارضی می‌کند

ما بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن طوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. عدالت، عدهای را زخم‌دار و نارضی می‌کند. عدالت، کسانی را که در صدد سوءاستفاده از اموال عمومی‌اند، به اعتراض وامی‌دارد. آن کسانی هم که در این مواقع اعتراضی می‌کنند، کسانی نیستند که دستشان به جایی نرسد. کسی که امکانات و ثروت دارد، می‌تواند مسأله درست کند. دشمنان خارجی هم به این‌طور آدمها کمک می‌کنند. نظام اسلامی، نظام عدالت است.<sup>۳</sup>

۱. پیام به مناسبت دومین سالگرد ازتعال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳.

۲. دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۲/۴/۲۳.

۳. سخنرانی در صحن امام خمینی مشهد ۱۳۷۶/۱/۱.

مبارزه با فساد، یکی از وظایف دولت  
یکی از وظایف امروز آقایان، مبارزه با فساد است؛ چون کشور به ثمردهی  
رسیده و وقت میوه چینی است. زحمات گذشته شما بتدریج ثمر می‌دهد و  
امکانات در کشور در حال افزایش است. چنین موسمی همیشه و در همه تاریخ،  
موسم خطرناکی بوده است. موسم ورود آدمهای سوءاستفاده کن و فرصت طلب  
و کج‌دست و بددل و سیاه‌روست که وارد می‌شوند و اگر توانستند، از غفلتها  
سوءاستفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

**ثروت کشور را در زندگی مردم بگسترانید**  
ملت و کشور ما بر اثر تلاش دولتهای چندسال گذشته، ثروت متراکمی از امکانات  
به دست آورده است. مدیریتهای آینده باید بتوانند این ثروت را افزایش دهند و  
آن را در زندگی مردم بگسترانند و با فساد به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند. اگر  
ما ملت ایران این توفیق را پیدا کنیم که رخنه‌های فساد را در این مجموعه عظیم  
بیندیم، آن وقت معلوم خواهد شد که دستاوردهای انقلاب برای این مردم چقدر

---

۱. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۱۸.



مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. البته معنای این حرف این نیست که ما از زندگی دنیایی مردم غفلت کنیم؛ نخیر، مگر می‌شود؟ اصلاً آخرت بدون دنیا نمی‌شود و امکان ندارد که انسان بخواهد به آن مواهب معنوی برسد و دنیای ویرانی هم داشته باشد.

... اما دنیای آباد دور از عدالت و دور از معنویت به درد نمی‌خورد. گیرم که رشدمان - به تعبیر غلط که گفته می‌شود نرخ رشد - آمد بالا و فرض بفرمایید درآمد سرانه‌مان دو برابر و سه برابر شد؛ اما عدالت در جامعه نبوده؛ یعنی عمده این درآمد به یک بخش محدودی رسید و بخش عظیمی از مردم، محروم و گرسنه ماندند. این، کاری نیست که ما باید انجام دهیم؛ این، آن تکلیفی نیست که ما برعهده داریم. تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون‌طلبی انسانهای مفتخوار و سوءاستفاده‌کن امکان‌پذیر نیست. بخشی از کار عدالت اینجا تنظیم می‌شود.<sup>۱</sup>

**برای مقابله با فساد، باید لباس مبارزه به تن کرد**  
بنده باز هم با صدای بلند اعلام می‌کنم که مسئولان کشور - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه - باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بین‌المللی ما را تأمین کنند، راهش مبارزه با همینهاست. انواع و اقسام فسادها را باید شناسایی کنند و با آن مبارزه جدی نمایند؛ نه در حرف و زبان.<sup>۲</sup>  
یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاههای فساد است که به‌شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. البته کار سختی هم هست.

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۶/۵.

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۷.

شیرین و گواراست و چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد.<sup>۱</sup>

### خطر همه‌گیر شدن تبعیض و فساد

آنچه کشور ما احتیاج دارد، کار و تولید و توسعه مادی و معنوی، همراه با عدالت و بدون تبعیض و فساد و افزون‌خواهیهای غیرقانونی - و به قول آقایان، رانت‌خواری - است. مهم‌ترین همت قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضاییه باید این باشد که بتوانند در مقابل این بیماریهای صعب‌العلاج بایستند. این بیماریها از بالای زلزله هم برای کشور خطرناک‌تر است؛ چون همه‌گیر است.<sup>۲</sup>

آنچه امروز کشور به آن احتیاج دارد، این است که برای رفع فقر و ریشه‌کنی فساد و برخورد کردن عامه مردم و مناطق گوناگون و همه‌زوایای کشور از منافع و برکات پیشرفت کشور باید برنامه‌ریزی شود؛ سیاستها و برنامه‌ها باید ناظر به این هدف باشد.<sup>۳</sup>

### مبارزه با فساد، پایه مشروعیت ما

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرفهای زیادی زده می‌شود. بنده هم از این حرفها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که اینجا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم، ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین

۱. بیانات در سخن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱.

۲. دیدار مسئولان بازسازی شهرستان بم ۱۳۸۴/۲/۱۳.

۳. دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.

ما مردمانی هستیم ضعیف، انسانهایی هستیم آسیب‌پذیر، که باید به خدا پناه ببریم؛ ولی باید به این نقطه توجه کرد که در هر جایی فساد به وجود بیاید، مثل زخم واگیرداری است. شما که مدیر هستید، شما که مسئول هستید، شما که یک مجموعه به دستتان سپرده شده است، با بروز فساد در زیرمجموعه خود به طور جدی مقابله کنید و حساسیت نشان دهید؛ بدون این، کار پیش نخواهد رفت و اوضاع بسامان نخواهد شد.<sup>۱</sup>

### مبارزه با فساد، در درجه اول، کار خود دولت است

صحنه را تا آنجایی که می‌توانید از فساد پاک کنید. من روی مسأله فساد خیلی تکیه کرده‌ام و ممکن است بعضی به نظرشان بیاید که تکراری است، و چرا؟ نه، من اعتقاد راسخ دارم که ما مجموعه دستگاه اجرایی خودمان را - اعم از دستگاههای قوه مجریه و دستگاههای قوه قضاییه - از فساد مالی و انحراف از روشهای قانونی و صحیح خالی نکنیم، همه کارهای ما ... هدر خواهد رفت.<sup>۲</sup>

مبارزه با فساد، در درجه اول کار خود دولت است؛ به خصوص که دولتمردان سطح بالای ما - یعنی شما وزرای محترم، معاونان محترم رئیس جمهور و بقیه مسؤولان سطح بالای کشور - افراد پاکی هستند. شما می‌خواهید پاک کار بکنید؛ بنابراین می‌توانید خودتان مبارزه کنید و بکنید. بخش قضا مربوط به مرحله آخر کار است.

... من می‌خواهم خواهش کنم که حتماً مسأله مبارزه با فساد را جدی بگیرید و دنبال کنید. اینکه ما دو سه سال قبل گفتیم اصلاحات واقعی در کشور، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است، هر روز که می‌گذرد، اعتقاد بنده به این مسأله راسخ‌تر

۱. دیدار نخبگان و مسؤولان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۹.

۲. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۶/۴.

... بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.

یک جریان فساد هم فسادهای اخلاقی و رواج منکرات است. با این هم باید مقابله و مبارزه کرد. ما خوب می‌دانیم، این جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه داشت. این به جای خود درست است؛ اما با شیوع منکرات و با تظاهر به آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکب منکر و ناصیحت و هدایت می‌کند؛ اما حد هم برای او می‌گذارد. با صرف زبان و توصیه نمی‌شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلو سپر فحشا و فساد را بگیرد. اجازه ندهید که هوسهای یک عده معدود و یک گروه کوچک و اندک در داخل جامعه، موجب اغوای ذهن و فکر دختر و پسر جوان و مرد و زن مؤمنی شود که هیچ انگیزه فسادی ندارند. شما باید جلو آن‌گونه افراد را بگیرید. همه مسؤولان بخشهای مختلف کشور در این زمینه مسؤولند.<sup>۱</sup>

### فساد، واگیردار است

من در دو سه سال اخیر بر مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاههای حکومتی و دولتی اصرار کرده‌ام. من می‌خواهم شما برادران و خواهران عزیز که مسؤول هستید، به این نکته توجه کنید که اگر در دستگاههای حکومتی با فساد اقتصادی و کجروی در مسائل مالی برخورد نشود، همه چیزهایی که مطرح کردند، اگر یکی یکی هم اینها را برآورده کنیم، فایده‌ای ندارد؛ علاوه بر اینکه خیلی از این چیزها با فساد اصلاً نشدنی است. من انتظار ندارم که همه مسؤولان نظام ما فرشته یا فرشته‌گون باشند؛ نه، بالاخره همه ما خودمان را می‌شناسیم؛

۱. مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری حجة الاسلام خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱.

می‌شود که دستهای خیانتکار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به‌وجود آید. بنابراین علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است؛ که اثبات کارآمدی هم این‌گونه است.<sup>۱</sup>

### رشد سرمایه‌گذاری و مبارزه با فساد

بعضی می‌گویند مبارزه با فساد و مفسد موجب می‌شود در کشور سرمایه‌گذارانهای مالی صورت نگیرد. این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است. کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می‌دانند و می‌گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه‌گذاری در آن کشور پایین می‌آید. اینها ثابت شده است. هرچه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری کم‌تر می‌شود؛ اما هرچه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری رشد پیدا می‌کند. من خواهش می‌کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده‌ای نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت‌الشعاع قرار دهند.

... امروز مردم از مبارزه با فساد خرسند و آن را مطالبه می‌کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می‌زند و برای آنها کار می‌کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.<sup>۲</sup>

کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راههای نامشروع می‌شود این همه ثروت به‌دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار

۱. دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵.

۲. دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۱۳.

می‌شود. هیچ اصلاحی در کشور بدون پرداختن به این سه مقوله اساسی و بنیانی ممکن نیست صورت‌گیرد؛ اینها مادر همه اصلاحات است و باید بالاخره در کارها به این قضیه بپردازید.<sup>۱</sup>

### شناسایی نقطه فساد

در مورد برخورد با فساد دو گرایش افراطی و تفریطی هست. بعضیها وقتی صحبت از مبارزه با فساد می‌شود، تصور می‌کنند که مبارزه با فساد، یک بهانه سیاسی برای برخورد با این و آن است؛ این غلط است. مبارزه با فساد، مبارزه با فساد است! در هر جامعه‌ای اگر نقطه فساد، شناسایی، کنترل و قلع و قمع شود، فساد متوقف می‌ماند، و آلا رشد پیدا می‌کند. فرق نظام اسلامی و نظام صالح با نظامهای فاسدی که در مقابل گسترش فساد بی‌دفاعند، این است که در اینجا مسؤولان اصلی کشور و دلسوزان جامعه، برخوردار از صلاحند؛ برنامه و رفتار کشور، برنامه صلاح است. البته آدم فاسد هم پیدا می‌شود، منتها باید با او برخورد شود. بعضی تصور می‌کنند که مبارزه با فساد یک حرکت سیاسی است؛ این تصور غلطی است. مبارزه با فساد حرکت سیاسی نیست؛ یک حرکت حقیقی و کاری لازم است. بعضی هم در نقطه مقابل، از آن طرف افراط می‌کنند؛ یعنی وقتی گفته می‌شود «فساد، خیال می‌کنند همه‌جا را فساد گرفته است؛ خیر، این چنین نیست. آنچه که ما را برمی‌انگیزد، وجود فساد، ولو در یک بخش، در یک گوشه و به وسیله افراد معدودی است.»<sup>۲</sup>

### اثبات کارآمدی نظام

برخورد با فساد، هم موجب می‌شود که افراد، دقت بیشتری بکنند، هم موجب

۱. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱/۶/۴.

۲. سخنرانی در یادگان دوکومه ۱۳۸۱/۱/۹.

پیدا نمی‌کند، این فساد است. اگر روابط جنسی ناسالم در جامعه هست، این فساد است. اگر اعتیاد در جامعه هست، این فساد است. اگر سطح معرفت و شعور عمومی در حد مطلوب نیست، این فساد است. اگر وظیفه‌شناسی در مسئولان نیست، این فساد است. اگر کسانی هستند که خانواده‌ها را ناامن می‌کنند؛ اگر کسانی هستند که شهرها و خیابانها و جاده‌ها و روستاها را ناامن می‌کنند، این برای کشور فساد است. اگر جرم و جنایت هست؛ اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست؛ اگر رسیدگیهای قضایی طولانی می‌شود و پرونده‌ها مدت‌ها می‌ماند، اینها فساد است و باید اصلاح شود. باید از جرم و جنایت پیشگیری کرد. انقلاب، ما را به ایجاد این اصلاحات امر می‌کند و فرمان می‌دهد. همه خوشحالند و دوست می‌دارند که این‌گونه اصلاحات در جامعه انجام گیرد. البته این اصلاحات هم با تعارف انجام نمی‌گیرد؛ این اصلاحات، با قاطعیت و با اقدام انجام می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### مبارزه با فساد، کار دستگاههای حکومتی است

چند سال پیش مسأله مبارزه با فساد را مطرح کردیم، به جای اینکه سینه سپر کنند و به میدان بیایند و پرچم را در دست بگیرند، توجه‌های سیاسی و تعدیلهای غلط و سیاست‌بازانه روی این مسأله گذاشتند و آن کاری که باید بکنند، نکرند. حالا نمایندگان مجلس این کار را بکنند؛ مسئولان دولتی این کار را بکنند؛ شما مسئولان بخشهای مختلف و مدیران دولتی این کار را بکنید. مردم نمی‌توانند با فساد مبارزه کنند. مبارزه با فساد، کار دستگاههای حکومتی است. ذهن هم فقط به سمت دستگاه قضایی نرود؛ دستگاه قضایی آخرالدواء است. من گفتم بعضی از بخشها درباره فساد مطالبات عمیق کنند. چند مجموعه در این زمینه تدوین کردند و برای من آوردند که درباره مسأله فساد و شیوه‌های

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱/۲۶.

نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُردرِدر تولید و مقدمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود.<sup>۱</sup>

### مقرراتی که برای همه یکسان و در آن تبعیض نباشد

ما اصلاح اداری لازم داریم؛ اصلاح اقتصادی لازم داریم؛ اصلاح قضایی لازم داریم؛ اصلاح امنیتی لازم داریم؛ اصلاح در قوانین و مقررات لازم داریم. ما احتیاج داریم که دستگاه اداریمان مقرراتی داشته باشد که برای همه یکسان باشد و در آن تبعیض نباشد. اگر بود، نقطه فاسدی است و باید اصلاح شود. باید رشوه و ارتشاء وجود نداشته باشد؛ اگر بود، فساد است و باید اصلاح شود. راههای کسب ثروت باید مشروع باشد. اگر کسانی از راههای نامشروع کسب ثروت کردند، این فساد است و باید اصلاح شود.

اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود؛ اگر انسانی که می‌خواهد در جامعه کار کند، دست و پایش را بستند و برای تلاش کردن، به او فرصت ندادند، اینها فساد است و باید اصلاح شود. اگر در جامعه گرایش مصرفی روبه رشد است، این فساد است. اگر در تلاشهای اقتصادی، دلالت بر تولید ترجیح دارد، این فساد است. اینها را باید اصلاح کرد. اصلاحات اینهاست. اگر مردم دچار حالت بی‌انضباطیند - به خصوص مسئولان بخشهای اداره کشور بی‌انضاطند - و انضباط اجتماعی نیست، این فساد است. اگر احساس مسؤولیت نیست، این فساد است. اگر در جوانان، ملکات انسانی - یعنی شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار - رشد

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱/۱۹.

کنند، به خاطر همین است. کسی که دچار فساد مالی می‌شود، مشکل او فقط این نیست که مال مردم را می‌خورد و بالا می‌کشد؛ مشکل این است که یک جرثومه فساد، هر چیزی که در مقابل او بایستد، می‌خواهد با آن مبارزه کند و از همه نیروی خود برای برداشتن این مانع بهره بگیرد. حال این مانع اگر شرع باشد، با شرع می‌جنگد؛ اگر قانون اساسی باشد، با قانون اساسی می‌جنگد؛ اگر قوانین عادی باشد، با قوانین عادی می‌جنگد.<sup>۱</sup>

### پیروزی حرکت عدالت‌طلبانه بر دشمنان عدالت

ما با ظلم و قلدری مخالفیم، ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی اینکه در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست.<sup>۲</sup>

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۹/۲۵.

۲. دیدار گروهی از میهمانان خارجی مراسم دهه فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

فساد ورخنه‌گاه‌های فساد، تحقیقی صورت گرفته بود. دیدیم مهم‌ترین بخشی که می‌شود با فساد مبارزه کرد، دولت است.<sup>۱</sup>

### ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به کشور

اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسئولان رایج کنند، ضربه‌ای به کشور می‌خورد که با هیچ چیز جبران نمی‌شود. لذا عرض کرده‌ایم، باز هم تکرار می‌کنیم: مبارزه با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. ... بنده به مسئولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آنجا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اول فساد می‌وجود بیاید.<sup>۲</sup>

### فساد مالی، مقدمه ورود به سایر فسادها

وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرونا متر فیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.

ضرر پنجم اینکه وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند.<sup>۳</sup>

اینکه من هشدار دادم و از مسئولان درخواست کردم که با فساد مالی مبارزه

۱. دیدار نخبگان و مسئولان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۹.

۲. دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۳.

۳. قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۱۶.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

## فصل یازدهم

رسیدگی به مردم

### فلسفه مسؤولیت، خدمت به مردم است

فلسفه مسؤولیت پیدا کردن مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می آورد، باید همه هم و غمش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم. هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است.<sup>۱</sup> خدمت‌رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آنها شود، طبقه محروم و مظلوم و مستضعف جامعه‌اند که محتاج خدمتند. ما باید این خدمت را به آنها برسانیم و خدمت‌رسانی را تسهیل کنیم. این، خود یک قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است.<sup>۲</sup>

### ویرانی زمین، هنگام تنگدستی مردم

«و اما بیوتی خراب الأرض من اعواز اهلها»؛ ویرانی زمین از تنگدستی مردم زمین

۱. بیانات در مرقده مطهر حضرت امام ۱۳۸۰/۳/۱۴.

۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۴/۶/۱۷.

جامعه رکود به وجود نیاورد، بلکه حرکت ایجاد نماید، این با اهداف نظام جمهوری اسلامی منطبق تر خواهد بود. دولت هم باید ان شاء الله کمک کند تا قشرهایی که در پوشش تأمین اجتماعی هستند - مثل بازنشستگان - هر کدام به نحوی مورد اعتنا و توجه ویژه قرار گیرند. بازنشستگان، نیروی فعاله کشور در اندکی پیش از این هستند که تلاش کرده اند، زحمت کشیده اند، بسیاری از آنها شب و روز و عمر و جوانی خود را صرف کار کرده اند و باید کشور به این تلاش و به این زحماتش مستمر دوران عمر پاسخ گوید. این را هم بدانید که وضع فعلی بازنشستگان، در واقع همیشه به صورت یک الگو در مقابل چشم کارکنان فعلی دولت قرار خواهد گرفت. هرچه وضع بازنشستگان در کشور بهتر باشد، کارکنان فعلی دولت با دلگرمی بیشتری کار خواهند کرد؛ چون می دانند فردا که به آن وضع رسیدند، اوضاعشان خوب خواهد گذشت. اگر خدای ناکرده نسبت به بازنشستگان بی اعتنائی، بی احترامی و بی توجهی شود و آنها دچار مشکل شوند، این آینه فرمای کارکنان امروز خواهد بود. یعنی نگاه می کنند، می بینند که فردایشان این است؛ از کار دلزده خواهند شد و به کارهای نامتناسب با شغل خود روی خواهند آورد. لذا است که دستگاه دولتی باید به صورت اساسی به مسأله بازنشستگان - به خصوص کسانی که در پوشش سازمان تأمین اجتماعی و سازمانهای دولتی، بیمه و تأمین هستند - توجه و به صورت ویژه به آنها رسیدگی کند.<sup>۱</sup>

### معنای «مردم» در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

«مردم» که می گوئیم، یعنی همان عامه ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن فرمان تاربخشان به مالک اشتر فرمودند که عامه را داشته باش، خاصه را رها کن. عامه،

۱. دیدار مسؤولان نیروی انتظامی و بیمه تأمین اجتماعی ۱۳۷۶/۴/۲۵.

حاصل می شود؛ یعنی وقتی مردم تنگدست بودند، زمین ویران می شود. حضرت این را به عنوان یک نکته فلسفی بیان نمی کنند؛ به عنوان یک واقعیت بیان می کنند. «ارض»ی هم که اینجا می گویند، همان سرزمین مصر است که مالک اشتر دارد می رود. البته آن وقت شام و عراق و ایران و مدینه و هر نقطه دیگر دنیا که حاکمی دارد، با مصر قابل مقایسه است. می گویند سرزمینی که تو داری به آنجا می روی، اگر توانستی مردمش را ثروتمند کنی، آباد خواهد شد؛ اما اگر مردم را فقیر نگه داشتی یا فقیر کردی و نتوانستی، این سرزمین هم آباد نخواهد شد؛ ویرانه خواهد ماند. مردم هستند که باید با نشاط خودشان و تواناییهایی که پیدا می کنند، سرزمینشان را آباد کنند. ابتکار آحاد مردم است که همه جای زمین را آباد می کند. بعد می فرمایند: «آما یعوز اهلهاء، اعوازا، باب افعال است؛ اما لازم است: مردم تنگدست می شوند. حضرت با لام تعلیل می فرمایند: «لاشراف انفس الؤلاة علی الجمع»؛ فقر مردم، تقصیر فرمانروایان است؛ آنها هستند که موجب فقر مردم می شوند.<sup>۱</sup>

### همکاری دولت و مجلس و مسؤولان

دولت و مجلس و مسؤولان باید دست به دست هم دهند و بهترین راهها و موفق ترین شیوهها را جستجو کنند. تا مشکلات اقتصادی مردم کم شود؛ نمی گوئیم بکلی از بین برود؛ چون در کوتاه مدت، چنین چیزی میسر نیست. ما معتقدیم که مسؤولان کشور و دولت جمهوری اسلامی، باید به شکل ویژه ای، طبقاتی را که نیازمند کمک هستند، مشمول کمک رسانی کنند... نوع کمک رسانیها طوری باشد که خانوادهها را به تلاش متناسب وادار کند و در

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰.

۲. مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴.



ما واقعاً باید با همه وجود کار کنیم و هرچه ظرفیت و ابتکار در جسم و ذهنمان داریم، باید صرف اداره امور کشور و راه اندازی کار مردم به سوی یک زندگی اسلامی کنیم. زندگی اسلامی، به معنای توجه به معنویات و نه مادیات نیست؛ همچنان که به معنای توجه به مادیات و نه آرمانها و معنویات هم نیست.<sup>۱</sup>

### فقر و ناامنی و بی سوادى

کار دیگری که باید انجام دهیم، این است که صحنه جامعه را از سه دشمن بزرگ، یعنی فقر و ناامنی و بی سوادى پاک کنیم. هر جامعه عقب افتاده‌ای، سه دشمن اساسی دارد که باید آن را از جامعه، ما برطرف کنیم. باید برای رفع آن، برنامه‌ریزی و کار و تلاش بشود. ناامنی در یک کشور - چه ناامنی قضایی و چه ناامنی شغلی و مدنی - برخلاف توصیه اسلام است و یک ضد ارزش می‌باشد. باید برای تأمین آن کار شود. بی سوادى و فقر هم همین گونه است.

مبارزه با فقر، غیر از تأمین عدالت اجتماعی است. نباید این دو را یکسان تلقی کرد. عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض، یک ارزش بالاتر و یک مسأله دیگر است. البته این را هم بگوییم که از بین بردن آن سه دشمن و یا تأمین عدالت اجتماعی، همه در محور تعالیم اسلام است.

خیلیها در دنیا خواستند فقر را ریشه کن بکنند اما از چه طریق استفاده کردند؟ همه حرف سر این طریقه‌هاست. مثلاً: همین روش سوسیالیسم استفاده کردند، ولی دیدید که این روش غلط از آب درآمد. آنهایی که از اول روش سوسیالیسم را اختراع کردند، شاید - و یا حتماً - قصد سویی نداشتند؛ بلکه فکر

۱. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۴۸/۶/۸.

یعنی همانهایی که در جنگ با تو هستند، در مشکلات با تو هستند، سخنیها را با تو تقسیم می‌کنند، غم تو را از دلت می‌زدایند، خودشان را سپر بلای تو قرار می‌دهند و صادقند؛ نه عافیت‌طلبهای پُروزی پُرخور پُرخواهی که هیچ وقت هم قانع نمی‌شوند. تا وقتی که خیری به آنها برسد، تو را می‌خواهند؛ به مجرد اینکه ذره‌ای کم شود، رویشان را برمی‌گردانند.

آقایان! ما در قبال مردم دو کار داریم: یک کار این است که به آنها خدمت برساییم؛ کار دیگر این است که محبت و اعتماد آنها را جلب کنیم. خدمت به آنها برساییم، یعنی چه؟ یعنی هر جا که هستید، برنامه شما آن وقتی درست است که نقش به همین مردمی که عرض کردم، برسد. البته دنبال نفع کوتاه‌مدت نیستیم... آن برنامه صحیح و آن راه درست که به خیر عامه مردم منتهی خواهد شد، ملاک است.

... در این راه، از خیلی چیزها باید گذشت. نه فقط از شهوات حرام، از شهوات حلال نیز باید گذشت. نمی‌گوییم مثل پیامبر باشیم، نمی‌گوییم مثل امیرالمؤمنین که شاگرد پیامبر بود. باشیم؛ که انسان آن مطالب را که می‌خواند، تنش می‌لرزد. ... اما در آن راه باید برویم، در آن راه باید قدم برداریم، کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان بپردازیم.<sup>۱</sup>

### حق مردم بر شما

حق مردم بر شما این است که با همه وجود برای آنها کار کنید. این چیز تازه‌ای برای شما نیست. شما این امتحان را همیشه داده‌اید و برای مردم کار کرده‌اید. این تذکر در درجه اول برای خود من و بعد هم برای شما و همه کسانی که مسئولیتی بر دوش دارند، یک نصیحت است.

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳.

و جناحهای سیاسی و گروهها مراقب باشند که با حرفهای دهان پرکن سیاسی بی محتوا وقت این ملت را تلف نکنند.<sup>۱</sup>

### باید خدمت‌رسانی محسوس باشد

کاری کنید خدمت‌رسانی شما محسوس شود. واقعاً گاهی اوقات دولتها سرمایه‌گذاریهایی کردند که خیلی هم کلان نبوده؛ اما اثرش را مردم در مقابل چشمشان دیدند. گاهی هم چند برابر آن سرمایه‌گذاری می‌کنیم و اینجا آنچه هم گفته می‌شود فلان جا سرمایه‌گذاری شد یا از صندوق ذخیره‌آری فلان مبلغ برداشت شد؛ اما هیچ اثری در زندگی مردم مشاهده نمی‌شود. سعی کنید خدمت‌رسانی شما مابازا داشته باشد؛ یعنی واقعاً در همه بخشها و در همه وزارتخانه‌ها تحول در خدمت‌رسانی به وجود بیاید.<sup>۲</sup>

باید حلقه‌سازندگیها و تولیدها و پیشرفت‌ها را به حلقه‌ زندگی مردم وصل کرد؛ مثل آبی که در پشت سد جمع شده است و باید با کانال‌کشی، آن را سر مزرعه مردم کشاند تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند. بنابراین، از این همه پیشرفتی که صورت گرفته است، باید کام مردم را شیرین کرد؛ این، تلاش و برنامه‌ریزی بسیار مهمی لازم دارد.<sup>۳</sup>

۱. دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.  
۲. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸.  
۳. دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.

می‌کردند کار و راه آنها درست است. گفتند بیاییم همه سرمایه‌ها را از مردم بگیریم و به‌دست دولتی که منابع را عادلانه تقسیم می‌کند، بدهیم تا سرمایه‌داری برآفتند. آنها غافل بودند که دولت هم متشکل از یک عده انسان است که آنها هم مثل همان سرمایه‌دارها، همان احساسات را دارند. بعد از مدتی، حتی به چیزی پُر ضررتر و بی‌کارتره از آن سرمایه‌دارها تبدیل شدند.<sup>۱</sup>

### اگر کسی به مردم ظلم بکند، خدا خصم اوست

وقتی مسؤولان بر سر کار آمدند، همه هم‌مشان رفع نیازهای مردم و کار برای آنهاست. این معنا در کلمات امیرالمؤمنین موج می‌زند. در نامه به مالک اشتر از آن حضرت نقل شده است: «من ظلم عباده‌الله کان الله خصمه دون عباده و من خصمه الله ادحض حجه و کان لله حرماً»<sup>۲</sup> اگر کسی به مردم ظلم کند، خدا طرف حساب اوست؛ خدا وکیل مدافع بندگان مظلوم در مقابل اوست؛ اصطلاحاً خصم اوست؛ و کان لله حرماً؛ او در حال جنگ و مقابله با خداست. البته فرق نمی‌کند؛ اگرچه امیرالمؤمنین علیه السلام این نامه‌ها را خطاب به استاندارانش - مالک اشتر، اشعث بن قیس، عثمان بن حنیف و دیگران - نوشته است؛ اما همه رده‌های مسؤول که کاری در دستشان هست، مشمول این خطاب هستند.<sup>۳</sup>

### سرگرم مسائل سیاسی نشوید

مبادا مسؤولان مثل بخشی از دوره‌های گذشته، سر خود را به مسائل سیاسی گرم کنند؛ با شعارهای پوچ سیاسی، خود و مردم را مشغول کنند و از واقعیات زندگی مردم دور بمانند. هم مردم مراقب باشند، هم نخبگان مراقب باشند، هم جریانها

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۸/۱۱/۹.  
۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.  
۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.

Leader.Khamenei.com

فصل دوازدهم

اولویت بندی کارها

### اولویت در مسائل اصلی جامعه

ما باید روشها را اصلاح کنیم. در روشها اشتباه و نقص وجود دارد. گاهی به مرحله‌ای می‌رسیم که امروز دیگر جواب نمی‌دهد؛ باید مرحله دیگری را شروع کنیم.<sup>۱</sup>

نقطه‌ای که در آن رعایت اولویتها لازم است، مسائل کلی جامعه است. ببینید؛ گاهی یک مسأله، مسأله اصلی ماست؛ اما بر ما یک مسأله فرعی را تحمیل می‌کنند که مسأله عمده ما می‌شود؛ کما اینکه الان ملاحظه کنید، مسأله قتلها،<sup>۲</sup> مسأله عمده کشور شد.

من گمان نمی‌کنم اگر کسی نگاه عادی به زندگی مردم بکند، تردیدی به وجود بیاید که مسأله اصلی کدام است. چرا خودمان را به مسائل درجه دو و مسائل فرعی مشغول کنیم؟! ممکن است در فهرست مسائل مردم، مسائل مهمی وجود داشته باشد. مثلاً ده رقم نوشته شده باشد. اما مهم‌ترین را باید پیدا کرد. در اینجا باید اولویتها را مشاهده کنید.

به نظر من به مسأله اقتصادی. که مشکلات مردم عمدتاً امروز بر محور مسائل

---

۱. دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاههای استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹.

۲. قتلهای موسوم به زنجیرهای.

مسئله معیشت قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست.<sup>۱</sup> مهم‌ترین مسئله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی - که همه آنها در خدمت و در جهت آن است - همان چیزی است که همه ما به آن معتقدیم و بارها گفته‌ایم؛ یعنی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه، و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم. واقعاً باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویت‌های بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه - که تعدادشان هم زیاد است - حقاً و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد.<sup>۲</sup>

### ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای

ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. ... من باب مثال عرض بکنم: به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، به دولت‌ها و به رئیس‌جمهور، از جمله توصیه‌هایی که سالهاست بنده دارم و الان هم توصیه می‌کنم و همین اواخر هم که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمده بود، باز به ایشان هم توصیه کردم، این است که طرح‌های نیمه‌تمام را در کشور زودتر جمع و جور کنید. ما چند هزار طرح نیمه‌تمام داریم؛ طرح‌هایی که باید سه سال یا چهار سال تمام می‌شده، اما ده سال یا گاهی بیشتر طول کشیده. چرا؟ یک مقدار از آن مربوط به ضعف مدیریت‌هاست، بخشی از آن هم مربوط به کمبود منابع است. اگر بخواهیم طرح‌های نیمه‌تمام را تمام کنیم، باید مجدداً طرح اضافه

۱. دیدار نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۳/۲۹.  
 ۲. دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران ۱۳۷۰/۶/۳.

اقتصادی است - خیلی باید توجه شود؛ بعضی از بخش‌ها در این زمینه بیشتر کار کنند.<sup>۱</sup>

ببینید اولویت‌ها چیست؛ آن وقت اولویت‌ها خط ما را معین خواهد کرد که چه کار کنیم. اولویت‌ها، مسئله اشتغال، مسئله ارزش پول ملی، مسئله متوقف کردن تورم و یا کاهش آن در حد ممکن، مسئله کود اقتصادی و فعال کردن کشور است.<sup>۲</sup>

### اولویت‌بندی بخش‌های مختلف

اگر بعضی از بخش‌ها را تشخیص دادید که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، برای مدت معینی یک اولویت ویژه برای آنها قرار بدهید. مثلاً بخش کشاورزی در نظام ما، واقعاً یکی از بخش‌های بسیار با اولویت است.

... به‌هرحال، این کار باید انجام بگیرد. فرضاً شش ماه یا یک سال زمان بگذاریم، برای اینکه همه دستگاه‌ها تحت‌الشعاع کشاورزی قرار بگیرند؛ صنعت در خدمت کشاورزی باشد؛ پول نفت در خدمت کشاورزی باشد. یعنی ما این دستگاه کشاورزی را به یک حرکت سریع وادار بکنیم، بعد آن را به حال خودش بگذاریم، تا با دستاوردی که از این حرکت خواهد داشت، کار خودش را ادامه بدهد؛ بعد سراغ یک بخش دیگر برویم.<sup>۳</sup>

### اهمیت به مسئله معیشت و ارتقای فرهنگ دینی

ارتیس‌جمهور باید به این دو چیز اهمیت بدهد؛ یکی از این دو چیز عبارت است از گشایش اقتصادی و ایجاد غنا در کشور - رفع مشکلات و اصلاح امور اقتصادی - دیگری ارتقاء فرهنگ دینی.<sup>۴</sup>

۱. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۸/۶/۲.  
 ۲. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۸/۶/۲.  
 ۳. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران ۱۳۷۰/۶/۳.  
 ۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۳/۲۸.

### رعایت عدل و انصاف در همه امور

مطلبی که باید مورد توجه همه برادران کارگزار از دولت و مسئولان قضایی و همه بخشها قرار گیرد، رعایت عدالت و انصاف در همه امور است. ما باید به سمتی برویم که برخلاف نظام طاغوت، امتیازات غلط و بی دلیل، حذف و ازاله شود و ان شاء الله همان عدل حقیقی اسلامی برقرار شود. قشرهای مظلوم و دورافتاده از مرکز و روستاییان و عشایر و کسانی که مشکلات بیشتری دارند، قطعاً باید در اولویت برنامه ریزنها قرار گیرند و این اولویت، نه فقط در بخش اقتصادی که در انواع و اقسام خدمات فرهنگی نیز باید باشد.<sup>۱</sup>

نکنیم؛ والا اینها هم نیمه تمام خواهد ماند. بدیهی است که اگر بتوانیم پولمان را صرف کنیم و یک مدرسه بسازیم تا دانش آموزان بتوانند در کلاس سر میز بنشینند، این بهتر از این است که ساخت دو مدرسه را شروع کنیم و هر دو در مرحله سفت‌کاری بماند و تمام نشود؛ در نتیجه، یک دانش آموز هم سر کلاس نخواهد رفت. همت را بالا می‌گیریم و ساخت دو مدرسه را شروع می‌کنیم؛ اما یکی هم تمام نمی‌شود. این بهتر است، یا اینکه بیایم همان پول را صرف کنیم، یک مدرسه بسازیم و تمام کنیم تا دانش آموزان بروند سر کلاس بنشینند؟ طرحهای منطقه‌ای: فلان جا فردگاه، فلان جا جاده، فلان جا اتوبان و... توقعاتی وجود دارد؛ نماینده هم اینها ربه مجلس منتقل می‌کند و از آنجا به دولت منتقل می‌شود و در نتیجه، فشار، دولتیها هم بالاخره به هر دلیلی تسلیم می‌شوند و زیر بار می‌روند؛ اما نتیجه چیست؟ نتیجه این است که طرحهای نیمه تمام ما اگر در حدود چهار هزار طرح است، می‌شود پنج هزار، می‌شود ده هزار، کار سختی است، اما باید آن را تحمل کرد.<sup>۱</sup>

### اهمیت در بخش کشاورزی

در بخش کشاورزی، برای اینکه آقای استاندار و دیگران توجه کنند، مسأله سیلو و انبار مهم است. در صحبت‌های دیشب ما با وزرای محترم هم این مسأله مطرح نشده بود. مسأله تأسیس دبیرستانهای تربیت کشاورز بسیار جالبی است. البته در اینجا دانشکده کشاورزی وجود دارد؛ لیکن تربیت دیپلمه‌هایی که در دوران تحصیل، فهم کشاورزی و شوق کشاورزی در آنها باشد، بسیار مهم است.<sup>۲</sup>

۱. دیدار نمایندگان مجلس هفتم ۱۳۸۳/۳/۲۷.

۲. دیدار نجفگان و مسؤولان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۹.

۱. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۶۸/۶/۱۸.

### اساس مسأله، تولید است

در زمینه‌های کار اقتصادی، عمده تلاش را باید روی تولید برد. اساس مسأله، تولید است. ببینید در کدام نقطه از مجموعه مقررات کشور مزاحم با تولید وجود دارد، آن را علاج کنید. البته این کار نگاه کلان و دید وسیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخشها - وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... - که شریک در امر ترکیب و ساماندهی اقتصادی کشور هستند، با همدیگر روی این مسأله فکر کنند و ببینند کجا گیرهایی وجود دارد که مانع تولید - چه تولید صنعتی و چه تولید کشاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقاتی و پژوهشها می‌شود - است. امروز حقیقتاً زمینه تولید در کشور وجود دارد و ما مدیران، متخصصان و فن‌وران خوب و استعدادهای درخشان و بالا و دلهای گرم داریم. چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی به من دادند. این یک کار بسیار عظیم و پیچیده علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی‌سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هستهای که ما کردیم، نخواهد بود.

مهم‌تر است. طلا و نفت وسیلهٔ به‌دست آوردن مایحتاج زندگی است؛ اما محصول غذایی، مهم‌ترین مایحتاج زندگی است. این را برای این عرض می‌کنیم که همهٔ دست‌اندرکاران کشور و به‌خصوص مسؤولان وزارت جهاد کشاورزی توجه کنند. همان‌طور که از اول انقلاب بارها تکرار شده است - که کشاورزی یکی از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشور ماست؛ یک امر حاشیه‌ای نیست. توجه به صنعت - که لازم است - نباید موجب عطف توجه از کشاورزی شود. کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس است. این کار، مقدماتی دارد؛ باید این مقدمات را طی و اجرا کرد.<sup>۱</sup>

### رسیدن به خودکفایی در بخش کشاورزی و دامداری

در بخش کشاورزی و دامداری - که یکی از بخشهای مهم ماست - اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خودکفایی برسیم؛ همچنانی که در یک وقت این کار تجربه شد و جهاد سازندگی در چند سال گذشته، کشور را از واردات مواد لبنی بی‌نیاز کرد. مردم ما ناچار بودند پنیر و بقیهٔ مواد لبنی وارد شده از خارج را مصرف کنند؛ اما امروز احتیاجی ندارند؛ چون خودکفایی پیدا شد و ما امروز صادر هم می‌کنیم. اخیراً مسؤولان بخش کشاورزی به بنده اطلاع دادند که قادرند کشور را در زمینهٔ موارد مصرفی اصلی کشور به خودکفایی برسانند؛ یعنی ما گندم و برنج و روغن نباتی و ذرت وارد نکنیم.<sup>۲</sup>

### ثبات سیاستها در باب کشاورزی

آب در کشور ما به قدر زمین نیست. معروف است که ایران کشور کم‌آبی است؛ اما

۱. دیدار با جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.  
 ۲. دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰.

این کار در آیندهٔ پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به‌عنوان یک انقلاب پزشکی نام می‌برد. یک گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعاً جهادی که از همین بچه‌های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسأله چند سال کار کرده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند - البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی‌اش برسد - که ان‌شاءالله خودشان اعلان خواهند کرد. بنابراین ما چنین زمینه‌های رشد علمی و فکری در کشور داریم که از ارزش بالایی برخوردار است.<sup>۱</sup>

### جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف می‌کند

جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می‌کند. بخش بازرگانی و بخش تولید و صنعت می‌توانند به هم کمک کنند. بازرگانی کشور می‌تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد.<sup>۲</sup>

### کشاورزی پایه و زیربنا و اساس است

دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدفهای بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پُرمعنا و پُرمضمونی دربارهٔ کشاورزان نقل شده است: «الزَّاعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ»؛ یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را می‌دروند و استخراج می‌کنند. مهم‌ترین گنجینهٔ خدا در زمین و خاک عبارات است از موادی که مایهٔ ادامهٔ حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و نفت

۱. دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۶/۵.  
 ۲. دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰.



### وابستگی اقتصاد کشور به نفت

تا آنجا که بتوانیم باید کشور را از مسأله نفت جدا کنیم... و کاری کنید که ما بتوانیم از تنوع در تولید اقتصادی و صادرات و استفاده داخلی کشور برخوردار باشیم و ان شاء الله از همه ظرفیتهای کشور استفاده کنیم.<sup>۱</sup>

من یک نگرانی مختصری دارم - که مربوط به امروز هم نیست؛ سالهاست که این نگرانی را دارم - و آن این است که باید اقتصاد و ملت ایران از نفت جدا شود. این مسأله را اخیراً به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده‌ایم که برایش برنامه‌ریزی کند و در حال برنامه‌ریزی است و کارهایی هم انجام داده است. ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متأسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاستهای بین‌المللی، کمپانیها و غارتگران بزرگ و جهانبخواران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند قیمتش را پایین می‌آورند، تولید را کم یا زیاد می‌کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می‌کنند؛ نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است!<sup>۲</sup>

### به دنبال راه نو و فکر نو باشید

بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربیها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربیها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دلها یک حالت ناآواری به وجود می‌آید؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود.

۱. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۴/۶/۸.

۲. دیدار با مردم مشهد ۱۳۷۵/۱/۴.

اگر با عقل و تدبیر و روحیه خستگی‌ناپذیر پیش برویم، می‌شود از همین آب موجود استفاده کرد. آنها را که هرز می‌رود، مهار کنیم. آنها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدیرانه می‌شود استفاده بهینه کرد. خیلیها قبل از انقلاب به دشواری حاصلخیز ما چشم داشتند. کسانی که از همه چیز این کشور بیگانه بودند، برای دشت قزوین و دشت مغان ما برنامه‌ریزی کرده بودند؛ ما چرا نتوانیم برنامه‌ریزی کنیم تا از این خاکهای حاصلخیز و از این زمینهای واقفاً بالاتر از قیمت مادی استفاده کنیم؟ می‌شود این کارها را کرد و باید بکنیم؛ با روح جهادی ممکن است.

... یکی از اساسی‌ترین کارها این است که در باب کشاورزی و محصولات کشاورزی، سیاستها ثابت، ماندگار و پیگیری شده باشد و به مسائل تولیدکنندگان کشاورزی رسیدگی شود. این طور نباشد که یک سال ما به خاطر کمبود پیاز، پیاز وارد کنیم؛ اما سال بعد که کشاورز ما پیاز تولید کرد، این محصول در انبارها بپوسد. کشور ما مستعد است. دیدید سال گذشته بحمدالله بارندگی خوبی شد و کشور تقریباً در تولید گندم خودکفا گردید. این همان چیزی بود که من تأکید می‌کردم و بحمدالله مسؤولان، خودکفایی گندم را دنبال کردند. البته گندم یکی از مواد لازم ماست؛ در بقیه مواد لازم مثل لبنیات، روغن و گوشت هم باید کشور کاملاً خودکفا و غنی شود و بتواند این محصولات را صادر کند. ما باید این مسأله را دنبال کنیم. و این به نظر ما کاملاً ممکن است. ما دشواری وسیع و خوبی داریم. در همین منطقه‌بم دشت وسیع بسیار خوبی وجود دارد. در خوزستان دشواری وسیع عجیبی هست که باید استحصال شود و به کار بیفتد. از لحاظ آمادگی برای کشاورزی، کشور مستعدی داریم؛ بنابراین باید همت کنیم.<sup>۱</sup>

۱. دیدار با جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.

کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه‌ها و دانشها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.<sup>۱</sup>

### باید کار و اشتغال را تقویت کنیم

امروز هم اگر ما دنبال توسعه اقتصادی هستیم، باید کار را تقویت کنیم؛ بدون کار نمی‌شود. مرتب صحبت از سرمایه‌گذاری است. بنده نقش سرمایه‌گذاری را قبول دارم؛ بدون سرمایه‌گذاری هم کاری صورت نمی‌گیرد؛ اما سرمایه‌گذاری یک رکن کار است؛ رکن اساسی، کار کارگر است. کاری که از روی دلسوزی، از روی کاردانی، با پیگیری و با قبول شرایط دشوار همراه نباشد، نمی‌تواند کشور را نجات دهد. کشور بدون چنین کاری، به آنجایی که باید برسد، نمی‌رسد.

ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز می‌خواهیم در وضع اقتصادی کشور تربیتی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی‌نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه کارگری، به مسئله کارگاهها و به مسئله آموزش کارگران، اهتمام ویژه‌ای بشود؛ البته دولت بجمدانته در این کارها مشغول است.

هم مجلس، هم دولت، هم مسؤولان گوناگون، باید به مسئله کار و کارگر به چشم موضوعی که گاهی با آن مواجه می‌شوند و یک تنگنایی پیدا می‌شود، نگاه نکنند؛ به چشم یک مسئله اساسی و حقیقی کشور نگاه کنند.  
... توسعه اقتصادی، بدون تقویت مسائل کار و نگاه به کار، امکانپذیر نیست.

۱. دیدار نمایندگان مجلس هفتم ۱۳۸۲/۳/۲۷.

... امروز همه همت ما این است که نه فقط علم را، بلکه فرآورده‌های علمی و فناوری و خرده‌فناوری را از آنها یاد بگیریم و آن را در اینجا تقلید کنیم. این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره‌ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می‌گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که آن را بلد است، یاد می‌گیرد. در این شکی نیست. اما باید راه نو و فکر نو و بن‌بست‌شکنی را وجهه همت خود قرار دهد.<sup>۱</sup>

### مدل توسعه ما، یک مدل کاملاً بومی

ما دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته اساسی، در بحثهای اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواردی و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرچا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد می‌شود، از دیگران گرفته شده. فلان متفکر فرنگی این طوری گفته، فلان متفکر کجایی این طوری گفته. مثل اینکه به آیات قرآن استناد می‌شود؛ خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده. بعد یک روش بهتر آورده‌اند؛ ولی ما الان می‌خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در

۱. دیدار برگزارندگان المپادهای علمی و کسور سراسری ۱۳۸۱/۷/۲.

این انسانی که خودش را صرف این کار می‌کند، باید بداند که نظام پشتیبان<sup>۱</sup> اوست.

## فصل چهاردهم

### زمین و منابع طبیعی

---

۱. دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز معلم و کارگر ۱۳۷۸/۲/۱۵.

### استفاده صحیح از اراضی مملکت

اگر بخواهیم به مسائل عمومی نظام جمهوری اسلامی بایک اولویت‌بندی نگاه کنیم، شاید بشود گفت که مسأله زمین و حل صحیح آن در ردیف اول قرار می‌گیرد. حالا یا این است که در ردیف اول، مسأله دیگری هم در کنار این مسأله قرار می‌گیرد، یا اینکه انحصاراً این مسأله، مسأله اول است.

... تقسیم شدن ششصد هزار هکتار زمین بین دوازده هزار تعاونی، چیز بسیار بااهمیت و باارزشی است؛ منتها باید این قضیه را رها نکرد؛ چون طبیعت زمین در کشور ما این است که باز به هم وصل می‌شود. یعنی اگر الان یک قدر تمند بخواهد برود صد تا از این تعاونیها را ببیند و زمینهای آنها را بگیرد، می‌تواند! باید نگذاشت که این‌گونه بشود. یعنی راه فریب و راه برگشتن به آن شکل اولیه را باید از همه طرف بست، تا ولو یک روستایی و کشاورز هم که مایل نباشد زمین خود را حفظ کند - ممکن است یک وقتی مایل نباشد - و بخواهد این زمین را به پول تبدیل کند و فرضاً یک موتور سه‌چرخه بخرد و مشغول باجری بشود، نتواند چنین کاری بکند. نباید گذاشت چنین حادثه‌ای اتفاق بیفتد؛ یعنی بایستی

که تا الان شناخته شده؛ ممکن است بیشتر هم باشد که بعدها شناخته شود. از پنجاه نوع ماده معدنی غیر فلزی که در دنیا شناخته شده، سی و شش نوع آن در ایران وجود دارد؛ یعنی تنوع معادن فلزی و غیر فلزی. اینها امکانات طبیعی بازرشی است که مادر کشور داریم. تنوع اقلیمی و آب و هوای مختلف در کشور ما خودش یک فرصت بزرگ است. دریاها در جنوب و شمال، از فرصتهای بسیار با ارزش است.

موقعیت مهم جغرافیایی و ارتباطی در اتصال شرق و غرب عالم، از لحاظ بازرگانی و بسیاری فعالیتهای دیگر، از موقعیتهای با ارزش است. جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه تأسف است که بعضیها از کثرت افراد جوان در کشور ما به عنوان یک نعمت یاد نمی کنند؛ در حالی که این بزرگ ترین سرمایه است. این همه جوان تشنه کار و فعالیت، چیز بسیار با ارزشی است.<sup>۱</sup>

### استعدادهای طبیعی و کشاورزی فوق العاده چیرفت

دو چیز درباره چیرفت همیشه من را به فکر می برد: یکی استعدادهای طبیعی و کشاورزی فوق العاده و کم نظیر و بعضاً بی نظیر در این منطقه است؛ یکی هم فقر و محرومیت زیادی که هنوز در این منطقه وجود دارد و غیر طبیعی است. استعداد طبیعی و فقر غیر طبیعی همیشه ذهن بنده و خاطر هر دلسوزی را به خود مشغول می کند.

... مهم ترین مسائل این منطقه، سه موضوع است: یکی مسئله اشتغال جوانان است؛ یکی مسئله امنیت است؛ یکی هم مسئله فعالیتهای فرهنگی مؤثر و نوین و همه جانبه است. این، سه سرفصل عمده است که همه فعالیتهای برای این منطقه از استان کرمان باید متوجه به این سه سرفصل باشد. اگر مسئله راه و صنایع

۱. دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵.

سعی کرد که این زمین دست مردم بماند.<sup>۱</sup>

### وجود منابع عظیم روی و سرب در کشور

من خواهش می کنم مسؤولانی که از مواهب طبیعی الهی در کشور ما آگاهی و آمارهای خوبی دارند و برای ما هم مطرح کرده اند، اینها را در اختیار افکار عمومی و به خصوص در اختیار مسؤولان قرار دهند. به جای اینکه آیه یاس بخوانند و هر تلاشی را ناموفق جلوه دهند، این همه امکانات و توانمندیها و موجودی با ارزشی را که در این کشور بزرگ نهفته است، برای مردم بیان کنند. ما تقریباً یکصد جمعیت دنیا را داریم؛ خاک ما هم تقریباً یکصد سطح خشکیهای دنیا است؛ اما سهم ما از منابع طبیعی، بسیار بیشتر از معدل سهم یکصد ماست. در نفت، ذخایر ما برجسته است و در شمار چند کشور اول دنیا هستیم. دومین ذخیره غنی گاز در همه دنیا را ما داریم، که از سهم معدل ما خیلی بیشتر است. دو درصد معادن آهن دنیا در کشور ماست، که دو برابر سهم ماست. معادن مس با پنج درصد همه مس دنیا است؛ یعنی پنج برابر سهم ماست. معادن روی و سرب ما سه و نیم درصد است، که چند برابر سهم طبیعی ما در دنیا است. خیلی از کشورها اینها را ندارند. متخصصین و مطلعین این کار گفته اند - به نظر من نکته بسیار جالبی است - که سرب و روی و مس، فلزهای پایه نام دارند. هر کشوری این معادن را داشته باشد، مشخص می شود که اغلب معادن کانی دیگر را هم دارد. ممکن است ما معادن فلزی کشف نشده دیگری هم داشته باشیم که وجود این سه عنصر - یعنی مس و روی و سرب - در کشور ما، آن هم به میزان زیاد، نشان دهنده وجود آن معادن هم هست.

... از بیست و چهار نوع ماده معدنی فلزی، دوازده نوع آن در ایران وجود دارد

۱. دیدار با اقصای هیأت های هفت نفره و آگذاری زمین ۱۳۷۰/۸/۱۶.

تبدیلی و مقاومسازی خانه‌ها و ساخت‌وسازهای لازم و ضروری در بخش‌های مختلف مطرح است، همه باید متوجه به این سه هدف اصلی باشد. در مذاکره با مسئولان احساس می‌شود که به این نکات توجه کرده‌اند؛ لذا همت و تلاشی لازم است.<sup>۱</sup>

Leader.Khamenei.com

فصل پانزدهم

سازندگی

### اقتدار در گرو سازندگی کشور

تلاش همه قشرها و آحاد مردم و مسؤولان رتبه‌های اول و دوم و سوم در نظام دولتی باید این باشد که بر اقتدار نظام جمهوری اسلامی اضافه کنند، و اقتدار سیاسی و اقتصادی و نظامی حاصل نمی‌شود، مگر با سازندگی. تمام کسانی که در اداره و سازندگی کشور نقش دارند، باید تلاش خود را چندبرابر کنند. در صحنه تولید، تولیدگران باید تا جایی که توان دارند، تولید کشور را بالا ببرند. بخشهای اداری و دولتی باید با حسن عمل و جلب اعتماد مردم و با رایزیه خدمات مخلصانه به آنها، بر کیفیت کارشان بیفزایند، و کسانی که در زمینه‌های فرهنگی برای مردم منبع الهام و ارشاد هستند، تلاش خود را اضافه کنند.<sup>۱</sup>

### غنا و ثروت، خواسته الهی

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه فقیر خشنود نیست و از جامعه مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و

---

۱. مراسم بیعت جمعی از مصلحان و دانش‌آموزان استان تهران ۱۳۴۸/۳/۲۶.

داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بپردازیم. این درست؛ اما در عین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروت‌های افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است.<sup>۱</sup>

### سازندگی در جهت استقرار عدالت

ما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری حقوق و احیای کرامت زن و مرد مسلمان فعالیت نکنیم، موفقیتی به دست نیاورده‌ایم. موفقیت، آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانایی‌های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم.<sup>۲</sup>

### کمک نیروهای مسلح به سازندگی

نیروهای مسلح، در دورانی که جنگ ندارند، باید به کار سازندگی کشور کمک کنند.<sup>۳</sup>

۱. سخنرانی در سخن امام خمینی مشهد ۱۳۷۶/۱۱.

۲. دیدار مردم اهواز در استادיום تختی ۱۳۷۵/۱۲/۱۸.

۳. دیدار فرماندهان و پرسنل ارتش به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۶/۱/۲۷.